

نگرشی به احادیث حوض

آیا احادیث حوض گویای ارتداد صحابه است؟

با مقدمه:

شیخ صالح بن عبدالله درویش

قاضی دادسری عمومی قطیف

تألیف:

شیخ عبدالله بن عبشان الغامدی

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaiislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم
فهرست مطالب

مقدمه‌ی جناب شیخ صالح بن عبدالله الدرویش	۴
مقدمه	۷
بخش اول	۱۱
بحث اول: عقیده‌ی اهل سنت و جماعت درباره‌ی حوض	۱۱
بحث دوم: تواتر احادیث حوض	۱۴
بحث سوم: منکرین حوض	۱۵
توجه:	۱۶
بحث چهارم: آیا تمامی پیامبران حوض دارند؟	۲۰
نکته:	۲۴
بحث پنجم: آیا حوض اکنون وجود دارد؟	۲۴
بحث ششم: ویژگی‌های حوض رسول الله ﷺ	۲۶
اولاً: آب حوض:	۲۶
ثانیاً: بوی آن:	۲۶
ثالثاً: جام‌های حوض:	۲۶
رابعاً: تأثیر آن:	۲۷
خامساً: طعم آن:	۲۷
سادساً: سردی آن:	۲۸
سابعاً: سرچشمه‌ی آن:	۲۸
ثامناً: وسعت حوض:	۳۰

- نکته: ۳۳
- بحث هفتم: معنای «أَنَا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ» ۳۴
- بحث هشتم: حوض در کجای قیامت قرار دارد؟ ۳۵
- بخش دوم** ۴۰
- تمهید ۴۰
- بحث اول: معنای کلمه «الدُّود» ۴۱
- بحث دوم: احادیث ممانعت از حوض ۴۱
- بحث سوم: معنای ممانعت از حوض چیست؟ ۴۶
- گفتار علما پیرامون ممانعت از حوض ۴۷
- بحث چهارم: الفاظی که مخالفان از آن استدلال می کنند ۵۶
- اما در حدیث: ۵۹
- نکته: ۶۷
- توجه: ۶۸
- بخش سوم** ۷۱
- تمهید ۷۱
- یک سؤال مهم: راستی، اگر همه‌ی اصحاب رسول الله ﷺ جز سه و یا پنج نفر، مرتد شده باشند، از اسلام دیگر چه می ماند؟ ۷۲
- بحث اول: اصحاب رسول الله ﷺ نخستین کسانی هستند که بر حوض می روند و از آن می نوشند ۷۳
- توجه: ۸۰
- بحث دوم: نصوص کتاب و سنت صحابه را می ستاید و نظریه‌ی ارتداد آنان را نفی می کند ۸۴
- آنگاه سؤالی جدی و مهم مطرح می شود: ۸۴

۸۸.....	توجه:
۹۳.....	چند نکته:
۹۴.....	توجه:
۱۰۴.....	بحث سوم: نکات مهم
۱۰۴.....	نکته‌ی اول: [ایمان به قرآن مستلزم اقرار به فضل صحابه]
۱۰۴.....	نکته دوم: [احادیث ممانت از حوض را صحابه روایت کرده‌اند]
۱۰۴.....	نکته‌ی سوم: [از حوض رانده‌شدگان همان مرتدانی هستند ابوبکر صدیق <small>رضی الله عنه</small> علیه آنها جنگید]
۱۰۵.....	نکته‌ی چهارم: [آیات نفاق در مورد گروه مشخصی است]
۱۰۵.....	نکته‌ی پنجم: [آیات ذم نفاق تنها ویژه منافقان زمان رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small> نیست، اما آیات مدح صحابه ویژه آنهاست]
۱۰۶.....	نکته‌ی ششم: ثمره‌ی تلخ یک نظریه‌ی تلخ
۱۰۶.....	نکته‌ی هفتم: در اخبار و فضایل، نسخی صورت نمی‌گیرد
۱۰۷.....	نکته‌ی هشتم:
۱۰۸.....	نکته‌ی نهم:
۱۰۹.....	نکته‌ی دهم:
۱۱۰.....	پایان سخن

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه‌ی

جناب شیخ صالح بن عبدالله الدرویش

الحمد لله رب العالمین و صلی الله وسلم علی النبی الامین و علی آله و صحبه وسلم

أما بعد:

دشمنی شیطان با انسان، بر هیچ کس پوشیده نیست، در این باره آیات زیادی وجود دارد، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ [فاطر: ۶].

«البته شیطان دشمن شماست پس او را دشمن بدانید، او فقط حزبش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان جهنم باشند».

شیطان، این دشمن قسم خورده‌ی انسان، برای به بیراهه کشاندن و منحرف کردن انسان، همه‌ی ابزار و وسایل را به کار می‌گیرد و خداوند متعال آن ابزار را نام برده است، می‌فرماید: ﴿يَعِدُّهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ [النساء: ۱۲۰].
«شیطان به آنها وعده می‌دهد و به آرزوها سرگرم می‌سازد، در حالی که جز نیرنگ و فریب به آنها وعده نمی‌دهد».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَأَسْتَفْزِرُ مَنْ أَسْتَطَعْتُ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ [الإسراء: ۶۴].
«هر یک از آنها را می‌توانی با صدايت تحريك كن و لشكر سواره و پيادهات را بر آنان گسيل دار و در ثروت و فرزندانشان شركت جوی و آنها را با وعده‌ها سرگرم كن! ولی شیطان جز فریب و دروغ وعده‌ای به آنها نمی‌دهد».

هر کس دنبال شبهات و شهوات باشد، در پی شیطان رفته است، عداوت شیطان بسیار واضح و آشکار است و همه از آن سخن می‌گویند، اما عملاً بسیاری از مردم که خود از آن دشمنی سخن می‌گویند، در دام شیطان می‌افتند، چه رسد به دیگران.

یکی از پرتگاه‌ها و دام‌های بزرگ شیطان که با آن، طعمه‌های خود را شکار می‌کند، اتباع و پیروی از متشابهات است که خداوند متعال ما را از آن برحذر داشته است، می‌فرماید: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ﴾ [آل عمران: ۷].

«اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهاتند تا فتنه‌انگیزی کنند و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند».

یکی از اصول مسلم نزد علماء این است که متشابه را باید به محکم باز گرداند و این قاعده برای گشودن راز متشابهات و ابطال قیاس‌های شیطانی بسیار مفید و کار ساز است، شیطان نخستین کسی است که قیاس کرد، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ﴾ [الأعراف: ۱۲].

«من از او (آدم) بهترم، مرا از آتش آفریدی و او را از گل».

ابلیس لعنه الله به ماده آفرینش خود و آدم، نظر داشت و آفریدگار را و این که همه مخلوق او هستند و این که خداوند او را به سجده امر کرده است به فراموشی سپرد، آفریدگاری را که او را به سجده امر کرده است فراموش کرد و به امری نامطلوب نظر انداخت.

این کتاب، داستانی دارد و آن این که تابستان ۱۴۲۶ هـ همراه با شیخ عبدالله بن حمود التویجری و عبدالله حیدری و محمد الباروت در مسجد الحرام بودیم که تعدادی از شاگردان شیخ یحیی که در کلاس حفظ صحیحین ایشان، شرکت کرده بودند، همراه با مردی که ظاهراً دهه چهارم عمرش را می‌گذراند، نزد ما آمدند، آن مرد خود را دانشجو معرفی کرد و گفت: یک سری اشکالاتی دارد و می‌خواهد در آن موارد پرس و جو

کند، پس از گفتگویی که از نماز عصر تا عشاء طول کشید، معلوم شد که او آخوندی شیعه (حجة الاسلام) است، و مردی دیگر که همراهش بود، کارگزار سفارت ایران در یکی از کشورهای آفریقایی و مسئول فعالیت‌های شیعه در آن کشور بود، آن آخوند، شبهاتی را برای دانشجویها طرح می‌کرد و از صحیح بخاری و احادیث آن اشکالاتی می‌گرفت و خود را معرفی نمی‌کرد و وانمود می‌کرد که دوست دارد در کلاس‌های حفظ شرکت کند.

پس از گفتگوی طولانی اعلام توبه کرد -گمان می‌کنم که صادقانه بود- و واقعیتش را برملا کرد، از خداوند می‌خواهم که همه‌ی ما را موفق بگرداند.

من آن اشکالات را با برادرم شیخ عبدالله بن عبشان در میان گذاشتم و وی را برای نوشتن این کتاب تشویق کردم و در مراحل تألیف نیز از نزدیک بر کار وی نظارت می‌کردم تا این که فضل خداوند، به پایان رسید، این کتاب در باب خود بی‌نظیر است و مسائل را به گونه‌ای فراگیر مطرح کرده است، و حق را آشکار می‌نماید و از حریم صحابه رضی الله عنهم دفاع می‌کند، اکنون این کتاب را به شما تقدیم می‌کنیم، خداوند نویسنده را توفیق روزافزونی عنایت بفرماید.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله على توالى نعمة وعظيم أفضاله وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له في ربوبيته ولا في ألوهيته ولا في أسمائه وصفاته وأشهد أن محمداً عبده المجتبی ونبیه المصطفى ﷺ.

أما بعد:

خداوند متعال پیامبر ما رسول الله ﷺ را ویژگی‌های بسیار و عطایای گسترده‌ای عنایت فرموده است، یکی از آنها که با احادیث صحیح ثابت است، حوض کوثر، در صحرای قیامت، می‌باشد، که آن تکریم و بزرگداشت الهی است به رسول الله ﷺ و امت ایشان که برگزیده امت‌هاست.

رسول الله ﷺ در آن احادیث اعلام فرموده‌اند که تعدادی از امت ایشان از حوض مبارکش، رانده و دور کرده می‌شوند، زیرا پس از ایشان تغییر ایجاد کرده و مرتد شده‌اند، و از آن دسته با الفاظی مانند: «أصحابي»، «أعرفهم»، «منکم»، و عباراتی دیگر تعبیر فرموده‌اند که گویای شناخت ایشان، از آن دسته می‌باشد، آنهایی که هدفی جز طعن اصحاب محمد ﷺ ندارند و همیشه در پی خورده گرفتن از آنان هستند، این گونه احادیث را دستاویز خود قرار داده‌اند و آن را ناظر بر (صحابه) بهترین نسل بشریت می‌دانند.

تا سخنی با آنان در میان گذاشته شود، پیش از هر چیز، این گونه احادیث را به عنوان دلیل، عنوان می‌کنند و از طرفی دیگر، بسیاری از دانشجویان و عامه‌ی مردم نیز از آن پرس و جو می‌کنند، اهل علم، مفاهیم آن احادیث را تبیین کرده‌اند و به هیچ گونه برخواسته‌های شیطانی و برداشت نادرست آنان، دلالت نمی‌کند.

اگر این نص نبوی نبود، به نوشتن پیرامون موضوع ارتداد صحابه نیازی نبود، این یک ادعای بی‌جانی است که مرده به دنیا آمده است و مرده نمی‌تواند در میان زندگان، زندگی کند.

در این دوران، افرادی که شیفته‌ی شکار لغزش‌ها و تخریب شخصیت‌ها هستند با ادعای (بحث علمی آزاد و بی‌طرفانه!) در آن روحی تازه دمیده‌اند، آغاز این ادعا سفسطه و نهایتش زندقه و بی‌دینی است! خداوند امام سیوطی را رحمت کند که در موردی شبیه این ادعا، فرمود: «خدا شما را رحمت کند، بدانید که برخی دانش‌ها مانند دواء و برخی اندیشه‌ها، مانند اجابت مزاج هستند که باید فقط، هنگام نیاز از آن یاد شود»^۱.

اگر از اینان خواسته شود که درباره‌ی نظریات عمامه به سرها و یا باورهای دینی‌شان بحث و گفتگو بشود، انگشت در گوش فرو می‌کنند و از آن طفره می‌روند. طعن در صحابه رضی الله عنهم طعن در رسول الله صلی الله علیه و آله است، که آنان را پرورش داده و ستوده‌اند، بلکه طعن در خداوند متعال است که در قرآن آنان را بسیار ستوده و در تورات و انجیل برایشان مثال زده است.

خداوند متعال می‌فرماید ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ [الجمعة: ۲]. «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنان را تزکیه می‌کند و به آنها کتاب و حکمت می‌آموزد و مسلماً پیش از آن در در گمراهی آشکار بودند».

شواهد و حقایق تاریخی، بر این نظریه مهر بطلان می‌زند و بر بی‌بنیادی و سستی آن شهادت می‌دهد، چه رسد به نصوص قرآن و سنت، این نظریه نشان بی‌اهمیتی دین در دل

۱. مفتاح الجنة في الاحتجاج بالسنة ص: ۵.

هواداران آن و انحراف از راه مؤمنان و هم چنین راه پیروان کتاب‌های آسمانی پیشین است، زیرا آنان نیز به خود جرأت چنین کار زشتی را نداده‌اند.

أولئك أتباع النبي وحزبه ولولا هم ما كان في الأرض مسلم
ولولا هم كانت ظلاماً بأهلها ولكن هم فيها بدور وأنجم
ولولا هم كانت تميد بأهلها ولكن رواسيها وأوتادها هم

«آنان (اصحاب) پیروان و گروه پیامبرند، اگر آنان نبودند، اکنون در زمین مسلمانی وجود نداشت.

اگر آنان نبودند، دنیا یکدست، تاریکی و ظلمت بود، اما آنان ماه و ستارگان دنیا هستند.

اگر آنان نبودند، زمین آرام نمی‌گرفت، آنان کوه‌های استوار و میخ‌های (ثابت نگه دارنده‌ی) زمین هستند».

من مدعی نیابت علما برای نوشتن نیستم، منتها با توجه به نیاز شدید مردمی که دنبال حقیقت هستند، خصوصاً آنهایی که به مسایل شیعه می‌پردازند، اما باز هم کتابی مستقل که به این موضوع بپردازد، سراغ ندارم، مگر بسیار نادر و نایاب، هم چنین آن گونه که در بحث اول فصل سوم و بحث‌های دیگر خواهید دید، کسی را سراغ ندارم که از احادیثی که من از آن، بر بطلان این نظریه استدلال کرده‌ام، استدلال کرده باشد، اگر در این بحث راه درست و حقیقت را پیموده‌ام، بی‌تردید آن محض فضل الهی است و بر همه‌ی نعمت‌هایش از او شاکرم و اگر جز آن باشد به او پناه می‌برم و استغفار می‌کنم، او برایم کافی و بهترین کارساز است.

خداوند رحمت کند، شاعری را که گفته است:

أسير وراء المركب ذا عرج مؤملاً جبر ما لا قيت من عرج
فان لحقت بهم من بعد ما سبقوا فكم لرب الوري في الناس من فرج

وإن ظلمت بقفر الأرض منقطعاً فما على أعرج في ذاك من حرج

«در پی این کاروان انبوه، می‌روم، تا از بیراهگی رهایی یابم.

اگر با آن پیشتازان رسیدم، حقا که آفریدگار برای مردم فرج می‌آورد.

و اگر از آنان بریدم و در بیابان گم شدم، در این زمینه بر لنگ ملامتی نیست».

من نمی‌گویم که این نوشتار، از هر عیب و نقصی پاک است، زیرا انسان همیشه در معرض سهو و فراموشی است، خصوصاً با دانش کم و بار گناه، همین که خوبی‌هایش بر خطاهایش بیشتر باشد، کمال اوست».

من آن را «تأملات في أحاديث الحوض» نامیدم، خدا رحمت کند، کسی را که با برادرش از در انصاف در آید و در برابر زحمتی که متحمل شده است دعای خیر کند و با خیر اندیشی و راهنمایی خلل‌ها و کمبودها را پر نماید.

از خداوند متعال خواستاریم که این کار را خالصانه برای رضای خود، بگرداند و به ما حب اصحاب محمد ﷺ و ادب عنایت کند و ما و آنان را با رسول الله ﷺ در بهشت گرد هم آورد، و امیدوارم که سبب رهایی آنهایی باشد که در دام مظلومیت و بند اوهام گرفتارند.

وصلی الله وسلم علی عبده ورسوله محمد وعلی آله وصحبه وسلم

والحد لله رب العالمین

عبدالله بن عبشان الغامدی

دمام - شوال ۱۴۲۷ هـ

بخش اول

بحث اول: عقیده‌ی اهل سنت و جماعت درباره‌ی حوض

اهل سنت و جماعت بالاتفاق به حوضی که خداوند متعال در میدان قیامت به رسول الله ﷺ می‌دهد، ایمان دارند، مؤمنان امت ایشان بدون هیچ مانعی از آن حوض آب می‌نوشند و آن گونه که احادیث صحیح تصریح دارند، پس از آن هرگز درمانده و بیمار و تشنه نمی‌شوند.

همه کسانی که عقیده‌ی اهل سنت را اجمالاً یا تفصیلاً بیان کرده‌اند، مسأله‌ی حوض را آورده‌اند، بنابراین مسأله‌ی حوض یکی از مسایل اعتقادی متفق علیه اهل سنت و جماعت است.

در ادامه گوشه‌ای از سخنان آنان را درباره‌ی اثبات این عقیده که مسلمانان، جز افراد انگشت شماری به آن ایمان دارند، ذکر می‌کنم، البته هدفم پی جویی و ذکر تمام اقوال علما در این باره نیست، زیرا گفتار آنان در این باره مشهور است و در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد، بلکه هدفم استشهاد از کلام آنان در این زمینه است، خداوند ما و شما را به راه و روش آنان رهنمون گردد.

اکنون اقوال آنان را به ترتیب سال وفاتشان می‌آورم:

- امام احمد بن حنبل (ت: ۲۴۱ هـ) رحمه الله در نامه‌اش به عبدوس بن مالک می‌گوید: «و ایمان به حوض و این که رسول الله ﷺ در قیامت حوضی دارند که اصحاب ایشان بر آن وارد می‌شوند...»^۱.

۱- المسائل والرسائل المروية عن الإمام أحمد في العقيدة ۲/۲۰۱.

- امام ابن ابی عاصم (ت: ۲۸۷ هـ) رحمته الله در کتاب السنة آورده است که: «باب: در ذکر حوض پیامبر صلی الله علیه و آله»^۱ در پی آن روایاتی در اثبات آن ذکر کرده است و در پایان آن چنین می‌گوید: «اخباری که درباره‌ی حوض پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر کردیم، موجب آن است که از حقیقت حوض با همان صفاتی که رسول الله صلی الله علیه و آله توصیف فرموده‌اند، آگاهی پیدا کنیم، ما بدون هیچ شک و تردیدی، ایشان را تصدیق می‌کنیم و امیدواریم خدایی که ما را به تصدیق آن توفیق داده است - منکران آن را توفیق تصدیق نداد تا آنان را از لذت نوشیدن آن محروم بگرداند - به آن حوض راه دهد تا از آن بنوشیم و هرگز تشنه نشویم، و از کرم او امیدوار این هستیم».

- امام طحاوی (ت: ۳۲۱ هـ) رحمته الله می‌گوید: «و حوضی که خداوند متعال برای سیراب نمودن امت وی به ایشان عنایت نموده، حق است»^۲.

- امام آجری (ت: ۳۶۰ هـ) رحمته الله می‌گوید: «ایمان به حوضی که به رسول الله صلی الله علیه و آله عنایت شده است» و پس از آن روایاتی در این باره آورده و سپس افزوده است: «از کسی که به حوض ایمان ندارد و آن را تکذیب می‌کند به خداوند پناه می‌بریم، با آنچه ما درباره‌ی حوضی که خداوند به رسول الله صلی الله علیه و آله عنایت نموده است، آورده‌ایم، نیازی به روایات بیشتر نیست»^۳.

- امام ابوزید قیروانی (ت: ۳۸۶ هـ) رحمته الله در رساله‌ی مشهورش می‌گوید: «ایمان به حوض رسول الله صلی الله علیه و آله که امت ایشان به آن راه می‌یابند و هر کس از آن بنوشد دیگر تشنه نمی‌شود و هر کس (در دین) تبدیل و تغییری ایجاد کرده است از آن باز داشته می‌شود»^۴.

۱- کتاب السنة ص: ۳۰۷-۳۷۴.

۲- شرح العقیلة الطحاویة ص: ۲۲۷.

۳- الشریعة ص: ۳۶۳-۳۶۸.

۴- قطف الجنی الدانی ص: ۴۷.

- امام لالکایی (ت: ۴۱۸ هـ) رحمته می گوید: «ذکر احادیثی که درباره‌ی حوض از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت شده است»^۱ و در پی آن روایتی چند از صحابه رضی الله عنهم را درباره‌ی حوض آورده است.

- امام صابونی (ت: ۴۴۹ هـ) رحمته می گوید: «-اهل سنت- به حوض و کوثر ایمان دارند»^۲.

- امام ابن حزم (ت: ۴۵۶ هـ) رحمته می گوید: «احادیث درباره‌ی حوض صحیح است و آن کرامتی است برای رسول الله صلی الله علیه و آله و آنانی که از امت ایشان به حوض راه می یابند»^۳.

- امام ابن عبدالبر (ت: ۴۶۳ هـ) رحمته می گوید: «بنا به نظر علمای مسلمانان ایمان به حوض واجب و اقرار به آن لازم است»^۴.

- قاضی عیاض (ت: ۵۴۴ هـ) رحمته می گوید: «حدیث حوض صحیح است و ایمان به آن واجب است و تصدیق به آن جزو ایمان است و اهل سنت و جماعت با همان کیفیتی که در احادیث آمده است، بدون هیچ گونه تأویل و تغییر معنای ظاهری، به آن ایمان دارند...»^۵.

- شیخ الاسلام ابن تیمیه (ت: ۷۲۸ هـ) رحمته می گوید: «حوض رسول الله صلی الله علیه و آله که امتش بر آن وارد می شوند، در میدان قیامت قرار دارد»^۶.

آنچه گذشت برخی از گفتار اهل علم، محدثان و فقیهان مذاهب مختلف درباره‌ی اثبات حوض رسول الله صلی الله علیه و آله بود، این مسئله مورد توافق تمامی مسلمانان است و نیازی به

۱- شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة ۱/۱۸۸.

۲- عقيدة السلف وأصحاب الحديث ص: ۶۱.

۳- الفصل في الملل والأهواء والنحل ۲/۳۷۰.

۴- التمهيد ۲/۲۹۱.

۵- إكمال المعلم ۷/۲۶۰.

۶- العقيدة الواسطية ص: ۲۸.

اثبات بیشتر ندارد و منکر آن هیچ گونه دست‌آویزی ندارد، همان گونه که ابن حزم، رحمته می‌گوید، «برای کسی که حوض را انکار کند هیچ دست‌آویزی جز جهل و عدم آشنایی با احادیث سراغ نداریم»^۱. والله الموفق.

بحث دوم: تواتر^۲ احادیث حوض

احادیثی که درباره‌ی حوض وارد شده است به حد تواتر می‌رسد، تعداد زیادی از صحابه رضی الله عنهم آن را از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند و متون آن احادیث همگی بر اثبات حوض دلالت دارد و برخی از تفصیل آن متفاوت است، قاضی عیاض رحمته می‌گوید: «حدیث (حوض) ثابت و روایت آن متواتر است و گروهی از صحابه آن را روایت کرده‌اند» و در پی آن راویان آن را نام برده و سپس افزوده است: «برخی از این احادیث چنانند که این حدیث (حوض) را از خبر واحد فراتر می‌برد و به حد حدیث مستفیض و متواتر می‌رساند»^۳.

ابن ابی‌العز حنفی رحمته می‌گوید: «احادیثی که درباره‌ی حوض وارد شده است، به حد تواتر می‌رسد»^۴.

حافظ ابن حجر در نقدی بر قاضی عیاض و نووی درباره‌ی تعداد راویان حدیث حوض از صحابه رضی الله عنهم می‌گوید: «همه‌ی کسانی که قاضی عیاض ذکر کرده است ۲۵ نفر هستند و نووی سه نفر به آنان افزوده است و من به اندازه تعدادی که هر دوی آنان ذکر کرده‌اند، به آن افزوده‌ام که تعداد راویان به بیش از ۵۰ نفر رسید... و به من خبر رسیده

۱- الفصل في الملل والأهواء والنحل ۳۷۰/۲.

۲- حدیث متواتر: حدیثی است که آن را گروهی بی‌شمار که توافق آنان بر دروغ عادتاً محال باشد، روایت کنند. و شروطی نیز دارد. نگا: النکت ص: ۵۸، تدریب الراوی ۶۲۶/۲، مجموع الفتاوی ۲۵۸/۲۰، ۵۰/۱۸ معجم

مصطلحات الحدیث ص: ۳۴۸.

۳- أکمال المعلم ۲۶۰/۷.

۴- شرح العقیة الطحاویة ص: ۲۲۷.

است که یکی از متأخرین تعداد صحابه راوی حدیث حوض را به ۸۰ صحابی رسانیده است»^۱.

همان طور که می بینید احادیث حوض را تعداد زیادی از صحابه رسول الله ﷺ روایت کرده و علمای حدیث آن را در جوامع، مسانید و صحاح خویش ثبت کرده اند و این امر هر مسلمان را به صحت و قطعیت بودن این اخبار مطمئن می سازد و به این خاطر علما می گویند که: خبر متواتر مفید علم ضروری است، که انسان چاره ای جز پذیرفتن آن نمی یابد و معنای علم ضروری این است که: آن برعکس علم نظری نیازی به استدلال ندارد و حتی عامه مردم که اهلیت نظر و تحقیق را ندارند، آن را درک می کنند، والله اعلم.

بحث سوم: منکرین حوض

اهل سنت و جماعت به مقتضای احادیث متواتر رسول الله ﷺ بر اثبات حوض اتفاق نظر دارند، و برخی بدعت گرا و هواپرست ثبوت حوض را انکار کرده اند که با دو چیز بر آنان رد می شود:

۱- احادیث متواتر رسول الله ﷺ درباره ی حوض.

۲- اجماع همه ی اهل سنت.

قرطبی رحمه الله می گوید: «بر هر مکلف واجب است که بداند و باور داشته باشد که خداوند متعال حوض کوثر را به رسول الله ﷺ عنایت کرده است. گروهی از بدعت گرایان آن را انکار کرده و بی آن که حمل آن بر ظاهرش مستلزم محالی عقلی و یا با دلایلی نقلی تناقضی داشته باشد که تأویل آن را بطلبد، تأویل کرده اند، پس تأویل آن تحریفی است که از عقلی سخیف سرچشمه گرفته و با آن اجماع سلف را نادیده گرفته و از مذهب ایمه ی خلف نیز جدا شده اند»^۲.

۱- فتح الباری ۵۷۰/۱۱.

۲- المفهم ۹۰/۶.

ابن حجر رحمته الله در توضیح کلام قرطبی می‌گوید: «خوارج و برخی از معتزله آن را انکار کرده‌اند»^۱.

اشعری رحمته الله می‌گوید: «با این که احادیث حوض از طرق مختلفی از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت شده است و اصحاب رضی الله عنهم بی‌هیچ اختلافی آن را نقل کرده‌اند، معتزله آن را انکار کرده‌اند»^۲.

ابن عبدالبر رحمته الله می‌گوید: «بدعتگرایان خوارج و معتزله آن را نفی کرده‌اند و اهل حق آن را همان گونه که از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت شده است، تصدیق می‌کنند»^۳.

معتزله بنابر اصول فاسدی که دارند، حوض را انکار می‌کنند و احادیث متواتر و ثابتی را که با اصول آنان هماهنگ نباشد، نمی‌پذیرند و اکثر دلایل سمعی را تأویل و از معنای ظاهری تحریف می‌کنند، زیرا می‌پندارند که دلایل سمعی برعکس دلایل عقلی مفید یقین نیست و بدین خاطر منهج آنان آمیزه‌ای است از تخمین‌ها و پندارهایی که آن را تقدیم عقل بر نقل می‌نامند.

عقل‌گرایان امروزی بر مذهب معتزله هستند و از آن دفاع می‌کنند و عقیده و اصول اسلام را تابع اندیشه‌ی عقلانی و مادیگرایانه می‌دانند و غیبیات را با سلیقه‌ی فاسدشان به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که با مفاهیم عقلانی محدود بشری سازگاری داشته باشد.

توجه:

متأخرین امامیه‌ی اثنا عشری در عقایدشان در باب مسایل صفات و قدر بر نقش قدم معتزله می‌روند، شیخ الاسلام می‌گوید: «تکیه‌گاه آنان در نظر و عقلیات: متأخرین آنها بر کتاب‌های معتزله اعتماد کرده‌اند و در مسایل صفات و قدر با آنان موافق هستند» و نیز

۱- فتح الباری ۵۶۹/۱۱.

۲- الإبانة ص: ۱۶۴.

۳- التمهید ۲۹۱/۲.

می‌گوید: «... لیکن در اواخر سده‌ی سوم برخی از شیعه اقوال معتزله را پذیرفتند»^۱.
به این دلیل در بسیاری از مسایل میان آرای معتزله و آنچه در کتاب‌های امامیه نوشته شده است، تفاوت چندانی دیده نمی‌شود^۲ آیا لازمه‌ی این، آن است که مانند معتزله حوض را نیز انکار کنند؟

پاسخ: خیر، شیعه‌ی امامیه حوض رسول الله ﷺ را می‌پذیرند، اما آن را برای خدمت مذهب خویش به کار می‌گیرند و از آن بر دو مطلب استدلال می‌کنند.

اول: اثبات امامیه در این حدیث رسول الله ﷺ: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرِ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِثْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَلَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَانْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونِي فِيهِمَا»^۳.

«من پس از خود در میان شما چیزی گذاشته‌ام که تا به آن چنگ زده‌اید، گمراه نخواهید شد: یکی از دیگری بزرگتر است: کتاب الله، ریسمان کشیده شده از آسمان تا زمین و عترتم، اهل بیت، آن دو از همدیگر جدا نمی‌شوند تا آن که بر حوض نزد من بیایند، پس ببینید که بعد از من با آن دو چگونه رفتار می‌کنید».

مشاهده می‌کنید که در حدیث، جز توصیه برای عترت که شامل همسران رسول الله ﷺ و بقیه اهل بیت – که آنان این مطلب را نمی‌پذیرند – است، چیزی درباره‌ی امامت نیست، مبارکفوری می‌گوید: «پس هر کس بر توصیه عمل کند و با خوش رفتاری با آن دو از این احسان سپاسگزاری کند، هرگز از همدیگر جدا نمی‌شوند و در صحنه‌های قیامت او را رها نمی‌کنند تا این که بر حوض وارد شود و نزد رسول الله ﷺ از او سپاسگزاری می‌کنند و آنگاه ایشان شخصاً به او پاداش می‌دهند و خداوند متعال به وی پاداش کامل‌تری عنایت

۱- منهاج السنة النبویة ۷۲/۱، ۷۰.

۲- نگا: مقالات الإسلامیین ص: ۴۴-۶۵، الملل والنحل ۱/۱۹۳.

۳- ترمذی (۳۷۸۸) مسند احمد (۱۱۱۰۴) آلبانی آن را صحیح گفته است، نگا: الصحیح: (۱۷۶۱).

می‌کند، و هر کس این وصیت را نادیده گیرد و ناسپاسی کند با او برعکس رفتار خواهد شد.^۱

دوم: اثبات ردّت صحابه رضی الله عنهم که ما در فصل دوم به آن می‌پردازیم. انکار حوض در اواخر دوران صحابه رضی الله عنهم پدید آمد و عیدالله بن زیاد^۲ یکی از امرای عراق در دوران معاویه رضی الله عنه و پسرش، آن را انکار می‌کرد، ابوداود از ابوبرزه روایت کرده است که: «او بر عیدالله بن زیاد وارد شد فلانی (مسلم از او نام برده است) که در مجلس بود. برایم حدیث گفت، وقتی که عیدالله او را دید گفت: شیخ که سخن او را شنید گفت: گمان نمی‌کردم که در قومی باشم که مرا به همراهی رسول الله صلی الله علیه و آله طعنه بزنند، عیدالله گفت: همراهی رسول الله صلی الله علیه و آله برای تو زینتی است نه عیب، سپس گفت: من تو را فرا خواندم تا درباره‌ی حوض از تو بپرسم که آیا درباره‌ی آن از رسول الله صلی الله علیه و آله چیزی شنیده‌ای؟ ابوبرزه گفت: آری، نه یک بار و دو بار و سه بار و چهار بار و پنج بار، هر کس آن را تکذیب کند، خداوندا او را از آن ننوشاند، و خشمگین از آن جا خارج شد»^۳.

اما احمد در مسندش از طریق یزید بن حیان از زید بن أرقم آورده است که وی گفت: «عیدالله بن زیاد مرا فراخواند، من نزد او رفتم، او به من گفت: این چه احادیثی است که از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می‌کنی که در قرآن از آن سراغی نداریم؟ می‌گویی که ایشان در بهشت حوضی دارند؟ گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله به ما چنین فرمودند و آن را به ما وعده دادند، (عیدالله) گفت: تو دروغ می‌گویی، تو پیرمردی فرتوت و خرف هستی، گفت: این گوشه‌ایم شنید و قلبم حفظ نموده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس

۱- تحفة الأحوذی ۱۹۷/۱۰، نگا: منهاج السنة ۳۱۸/۷، ۳۹۳-۳۹۷.

۲- عیدالله بن زیاد بن أبیه، به ولایت بصره و خراسان رسید و او نخستین عربی است که از جیحون گذشت و فاجعه شهادت حسین رضی الله عنه توسط لشکر او باعث شد که نزد مردم مبعوض گردد، او فاتحی شجاع و جبار بود، ابن الاثیر در عاشورای سال ۶۷ هـ او را کشت.

۳- ابوداود، باب الحوض - (۴۷۴۹) صححه آلالبانی.

قصداً بر من دروغ بگویند، جایش را در جهنم آماده کند» و من بر رسول الله ﷺ دروغ نگفتم...»^۱.

انس رضی الله عنه می گوید: بر ابن زیاد وارد گشتم که درباره‌ی حوض سخن می گفتند، چون مرا دیدند، گفتند: انس آمد، گفتند: ای انس! درباره‌ی حوض چه می گویی؟ گفتم: والله نمی دانستم زنده می مانم تا امثال شما را ببینم که درباره‌ی حوض شک دارید، من پیرزنان مدینه را می دیدم که هرگاه نماز می خواندند، دعا می کردند که بر حوض رسول الله ﷺ وارد شوند»^۲.

آجری رضی الله عنه می گوید: می بینید که انس بن مالک رضی الله عنه از کسانی که درباره‌ی حوض شک دارند، تعجب می کند، زیرا به نظر او خواص و عوام همه به حوض ایمان دارند و حتی پیر زنان از خداوند متعال می خواهند که آنان را از حوض رسول الله ﷺ آب بنوشاند، از کسی که به حوض ایمان ندارد و آن را تکذیب می کند، به خدا پناه می بریم». ابن ابی العز رضی الله عنه می گوید: «خداوند منکران حوض را تباه کند و شایسته است که روز تشنگی بزرگ از رسیدن به حوض بازداشته شوند»^۳.

تکذیب حوض مصداق گفتار عمر بن خطاب رضی الله عنه است که فرمود: «اقوامی خواهند آمد که تقدیر، حوض، شفاعت و این که گروهی از جهنم خارج گردند، را تکذیب می کنند»^۴. چنین سخنی اجتهاد شخصی نیست، قطعاً آن را از رسول الله ﷺ شنیده است، والله اعلم.

در این روایتی که امام احمد و آجری روایت کرده اند بازگشت ابن زیاد از این قول

۱- احمد ۱۳/۳۲ (۱۹۲۶۶)، ابن ابی عاصم (۶۹۹) محقق آن افزوده است: اسناد صحیح علی شرط مسلم.

۲- آجری، الشریعه (۸۵۲)، ابن ابی عاصم، السنة (۶۹۸) مسند احمد ۹۶/۲۱ (۱۳۴۰۵) و سند وی ابن جدعان ضعیف است، آلبانی درباره ی اسناد آجری و ابن ابی عاصم می گوید: اسناد صحیح.

۳- شرح الطحاویة ص: ۲۲۹.

۴- ابن ابی عاصم، السنة (۶۹۷) آلبانی می گوید: حدیث موقوف حسن، و رواه غیره بدون ذکر الحوض.

نقل شده است: «ابوسبره بن سلمه شنید که ابن زیاد از حوض می پرسد و گفت: من آن را حق نمی دانم، پس از آن که از ابوبرزه اسلمی، براء بن عازب و عابد بن عمرو المدنی پرسید، گفت: من باور ندارم، ابو سبره گفت: آیا در این باره حدیثی شفا‌دهنده برایت، بیان نکنم؟ پدرت با مقداری مال نزد معاویه رضی الله عنه فرستاد، عبدالله بن عمرو را دیدم، عبدالله بن عمرو حدیثی گفت و من آن چه وی از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیده بود، بی آن که حرفی از آن بکاهم و یا حرفی بیفزایم، با دست خود نوشتم، وی گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله - ضمن حدیثی طولانی - فرمودند: میعادگاه شما حوض من است که عرض آن برابر با طولش است، ابن زیاد گفت: تاکنون حدیثی استوارتر از این درباره‌ی حوض، برایم بیان نشده است، گواهی می‌دهم که حوض حق است و صحیفه‌ای را که ابو سبره آورده بود، گرفت»^۱.

بحث چهارم: آیا تمامی پیامبران حوض دارند؟

آیا حوض یکی از ویژگی‌های رسول الله صلی الله علیه و آله است یا همه‌ی پیامبران دارند؟ شارح طحاویه رحمه الله می‌گوید: «در احادیث آمده است که هر پیامبر حوضی دارد و حوض پیامبر ما صلی الله علیه و آله از همه بزرگ‌تر و نوشندگان از آن بیشتر هستند»^۲. شارح طحاویه به حدیثی اشاره دارد که ترمذی از طریق حسن، از سمره روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوْضًا، وَإِنَّهُمْ يَتَبَاهَوْنَ أَيُّهُمْ أَكْثَرُ وَاِرْدَةٍ، وَإِنِّي لَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَكْثَرَهُمْ وَاِرْدَةً». «هر پیامبر حوضی دارد و آنان افتخار می‌کنند که بیشتر از دیگران بر حوض خود وارد شونده داشته باشند و من امیدوارم که واردشوندگان بر حوض من از همه بیشتر باشند».

ابوعیسی می‌گوید: این حدیث غریب است و اشعث بن عبدالملک این حدیث را از

۱- مسند احمد (۶۵۱۴)، ابن ابی عاصم، السنة (۷۱۹)، آجری (۸۳۹)، صححه الألبانی نگا: جزء ما روي في الحوض

و الكوثر، بقي بن مخلد ص: ۱۰۴.

۲- شرح العقيدة الحاوية ص: ۲۲۸.

حسن از رسول الله ﷺ رسلاً روایت کرده و در آن از سمره یادی نکرده است و آن صحیح تر است^۱.

طبرانی در «الکبیر» (۲۵۶/۷) از طریق سلسله‌ی آل سمره که سلسله‌ی ضعیفی است و بخاری در «التاریخ الکبیر» (۴۴/۱) و ابن‌ابی‌عاصم در «السنة» (۷۳۴) این حدیث را از طریق حسن از سمره روایت کرده‌اند، و درباره‌ی سماع حسن از سمره اختلاف مشهوری وجود دارد و حسن مدلس است و اضافه بر آن در روایت این حدیث، عنعنه نموده و به سماع هیچ تصریحی نکرده است، لذا ترمذی درباره‌ی روایت حسن می‌گوید: آن مرسل و صحیح است.

حافظ ابن حجر رحمه الله می‌گوید: «مشهور است که حوض به پیامبر ما ﷺ اختصاص دارد، لیکن ترمذی در حدیث سمره که مرفوعاً روایت کرده، آورده است که «هر پیامبری حوضی دارد» و افزود که موصول و مرسل بودن حدیث مورد اختلاف است و مرسل آن صحیح تر است. می‌گوییم: که آن حدیث مرسل را ابن‌ابی‌الدنیا با سندی صحیح، از حسن چنین آورده است که رسول الله ﷺ فرمودند: «إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوْضًا وَهُوَ قَائِمٌ عَلَى حَوْضِهِ بَيِّدَ عَصَا يَدْعُو مِنْ عَرَفٍ مِنْ أُمَّتِهِ، أَلَا إِنَّهُمْ يَتَبَاهَوْنَ أَيْهِمْ أَكْثَرُ تَبَعًا، وَإِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَكْثَرَهُمْ تَبَعًا».

«هر پیامبری، حوضی دارد و عصا بدست بر حوض خود ایستاده و امت خود را که می‌شناسد فرا می‌خواند، بدانید که آنان افتخار می‌کنند که بیش از دیگران پیرو داشته باشند و من امیدوارم که از همه بیشتر پیرو داشته باشم». طبرانی این حدیث را از طریق دیگر موصولاً و مرفوعاً از سمره آورده است، البته در سند آن لین هست، ابن‌ابی‌الدنیا نیز با سندی که لین دارد از ابو سعید مرفوعاً چنین آورده است: «وَكُلُّ نَبِيٍّ يَدْعُو أُمَّتَهُ وَلِكُلِّ نَبِيٍّ حَوْضٌ فَمِنْهُمْ مَنْ يَأْتِيهِ الْفُئَامُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَأْتِيهِ الْعَصْبَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَأْتِيهِ الْوَاحِدُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَأْتِيهِ

۱- ترمذی، کتاب القیامة، باب ما جاء فی صفة الحوض، (۲۴۴۳).

الأئنان ومنهم من لا يأتيه أحد وإني لأكثر الأنبياء تبعاً يوم القيامة». «هر پیامبری امت خویش را فرا می‌خواند و همه‌ی پیامبران حوض دارند، نزد برخی گروه‌های زیادی می‌آیند و نزد بعضی فقط یک دسته و نزد بعضی یک نفر و نزد بعضی دو نفر می‌آیند و نزد بعضی هیچ کس نمی‌آید و من در روز قیامت از همه بیشتر پیرو دارم».

اگر این ثابت باشد، حوضی که به پیامبر ﷺ اختصاص دارد، کوثر است که آب نهر کوثر در آن می‌ریزد و نقل نشده که کسی نظیر آن را داشته باشد و در سوره‌ی کوثر خداوند به آن، بر رسول الله ﷺ منت نهاده است.^۱

حدیث سابق ترمذی اضافه بر تدلیس حسن و آن هم از سمره که عنعنه نموده است، مسلسل بالعلل است و ارسالی که ترمذی ترجیحش داده است، در آن (سعید بن بشیرازدی) وجود دارد که او نیز متکلم فیه است، حافظ در «التقریب» درباره‌ی او می‌گوید: «ضعیف» و از آن گذشته، شیخ ترمذی (احمد بن محمد بن نیزک) نیز متکلم فیه است، ذهبی آورده که: ابن عدی درباره‌ی او می‌گوید: «فی امره نظر» و دیگران به ناچار او را می‌پذیرند.^۲ و حافظ گفته است: «صدوق فی حفظه شیء»^۳.

لذا آلبانی رحمه الله درباره‌ی سند ترمذی می‌گوید: «این سند قابل حسن گفتن نیست، زیرا در آن سه علت وجود دارد...» و آن همان است که ما قبلاً یادآور شدیم، سپس افزوده است که اسناد طبرانی نیز ضعف دارد، البته برای حدیث دو شاهد موصول و یک شاهد مرسل نیز ذکر کرده است و در پی آن گفته است: «کوتاه سخن این‌که: این حدیث با توجه به مجموعه‌ی طرق آن، حسن و یا صحیح است. والله اعلم»^۴.

۱- فتح الباری ۵۶۸/۱۱.

۲- میزان الاعتدال ۲۹۶/۱.

۳- التقریب ص: ۹۸.

۴- الصحیحہ: (۱۵۸۹) با اندکی تلخیص.

ابن قیم در تهذیب السنن نیز به این نظریه که هر پیامبر حوضی دارد، تمایل دارد.^۱ بنابراین درمی‌یابیم که این حدیث با مجموعه‌ی طرق آن، قوی و مفهوم آن تأیید می‌گردد، همان‌گونه که علامه ابن عثیمین رحمته الله می‌گوید: «خداوند با حکمت و عدل خویش همان گونه که به رسول الله صلی الله علیه و آله حوضی عنایت کرده است تا مؤمنان امت ایشان از آن آب بنوشند، به هر کدام از پیامبران نیز حوضی می‌دهد تا پیروان مؤمن آنان، بهره‌مند شوند، لیکن حوض بزرگ، همان حوض رسول الله صلی الله علیه و آله خواهد بود».^۲

بنابراین حوض پیامبر ما صلی الله علیه و آله بیشتر نوشنده دارد و اندازه‌ی آن از دیگران، بزرگتر و ذایقه‌اش شیرین‌تر است، بویژه که کوثر که آبش در آن حوض می‌ریزد، به ایشان اختصاص داده شده است، و هر پیامبری حوضی خواهد داشت که مؤمنان امتش از آن آب می‌نوشند، و پیامبر ما غریبه‌هایی را که از امت ایشان نیستند، از آن دور می‌کند، زیرا پیروان خویش را با درخشش پاها و پیشانی که علامت اختصاصی این امت است و نشانه‌هایی دیگر، می‌شناسند، همان‌گونه که مسلم و غیره از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «...وَإِنِّي لَأَصُدُّ النَّاسَ عَنْهُ كَمَا يَصُدُّ الرَّجُلُ إِبِلَ النَّاسِ عَنْ حَوْضِهِ». «من مردم را از آن می‌رانم، همان‌گونه که کسی شتران دیگران را از حوض خود می‌راند». گفتند: یا رسول الله! آیا در آن روز ما را می‌شناسید؟ فرمودند: آری، شما سیمایی دارید که هیچ کدام از امت‌های دیگر ندارد، شما با پاها و پیشانی‌هایی درخشانده بر اثر وضو، نزد من خواهید آمد».^۳

۱- تهذیب السنن، حاشیه عون المعبود ۵۷/۱۳.

۲- شرح العقیلة الواسطیة ۱۵۹/۲.

۳- مسلم - کتاب الطهارة - (۲۴۷).

نکته:

حافظ بن حجر رحمته الله می‌گوید: حکمت آن که ایشان مردم را از حوض خویش می‌رانند، آن است که هر ملتی را به حوض پیامبرشان راهنمایی کنند، زیرا که قبلاً گفتیم که همه پیامبران حوض دارند و افتخار می‌کنند که پیروان بیشتری داشته باشند، پس این نشانه انصاف و مصلحت اندیشی ایشان، برای دیگر پیامبران است، نه این که از روی بخل ورزیدن به آب، آن را برانند و نیز احتمال دارد کسانی را که لیاقت نوشیدن از آب حوض را ندارند، از آنان می‌رانند، والعلم عندالله تعالی^۱.

بحث پنجم: آیا حوض اکنون وجود دارد؟

در حدیث عقبه بن عامر رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنِّي فَرَطُ لَكُمْ وَأَنَا شَهِيدٌ عَلَيْكُمْ، وَإِنِّي وَاللَّهِ لَأَنْظُرُ إِلَى حَوْضِي الْآنَ»^۲.

«من پیش از شما بر حوض می‌رسم و من بر شما گواهم، والله من اکنون حوضم را می‌بینم». و در حدیثی دیگر آمده است: «وَإِنِّي لَأَنْظُرُ إِلَيْهِ مِنْ مَقَامِي هَذَا»^۳. «من از همین جا حوضم را می‌بینم». و در حدیث ابوسعید خدری رضی الله عنه آمده که: «ما در مسجد نشسته بودیم که رسول الله صلی الله علیه و آله در مرض وفات خویش در حالی که پارچه‌ای به سر پیچیده بودند، تشریف آوردند و بر منبر نشستند و فرمودند: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ أَنِّي لَقَائِمٌ عَلَى الْحَوْضِ السَّاعَةَ...»^۴. «سوگند به آن که جانم در دست اوست، من هم اکنون بر حوض ایستاده‌ام...».

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَا بَيْنَ بَيْتِي وَمِنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ

۱- فتح الباري ۵۷۷/۱۱.

۲- البخاري، الجنائز: (۱۳۴۴)

۳- بخاری، المغازی (۴۰۴۲) مسلم، الفضائل (۲۲۹۶)

۴- بقی بن مخلد در جزء فی الحوض والکوثر ص: ۸۱.

الْجَنَّةِ، وَمِنْبَرِي عَلَى حَوْضِي»^۱.

«میان خانه و منبرم گلزاری است از گلزارهای بهشت و منبر من بر حوضم واقع است». ابن حجر رحمته الله می‌گوید: این که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «وَاللَّهِ لَا نُنْظَرُ إِلَى حَوْضِي الْآنَ». «احتمال دارد که هنگام ایراد خطبه برایشان نمایان شده باشد که ظاهراً این گونه است و نیز احتمال دارد که رویت، قلبی باشد»^۲.

بعید است که رویت قلبی باشد، زیرا اصل آن است که کلام بر حقیقت حمل شود که همان رویت با چشم و آلت دیدن، است که از نظر عقلی هیچ ممانعتی ندارد و شرع نیز بر آن صحه گذاشته است و به این ترتیب، حدیث مذکور یکی از نشانه‌های نبوت است، با توجه به این که آن مقرون به (إلی) است، که دلالت بر رویت چشم، دارد و در حدیث تأکیدی همچون قسم و نون و لام تأکید به کار رفته است، و این نظریه را علامه عینی رحمته الله نیز توجیح داده و گفته است: «حدیث گویای آن است که حوض آفریده شده است و امروز وجود دارد و آن واقعی است و نیز بیانگر معجزه‌ای از رسول الله صلی الله علیه و آله می‌باشد و آن این که ایشان حوض را در دنیا مشاهده فرمودند و از آن خبر داند»^۳ والله اعلم.

و اما درباره‌ی فرموده‌ی ایشان: «وَمِنْبَرِي عَلَى حَوْضِي». نووی رحمته الله نقل کرده است که قاضی عیاض می‌گوید: «اکثریت علما معتقدند که مراد عیناً همین منبری است که در دنیا داشتند، می‌گویند: و ظاهر نیز همین است، و می‌افزاید: برخی دیگر آن را نپذیرفته‌اند، و گفته شده است که: ایشان آنجا بر حوض خویش منبری دارند، و گفته شده است که: قصد نمودن منبر و حضور نزد آن به خاطر انجام کارهای نیک، انسان را بر حوض وارد

۱. بخاری، الصلاة: (۱۱۹۶)، مسلم، الحج: (۱۳۹۰) از عبدالله بن زید رضی الله عنه.

۲- فتح الباری ۵۷۸/۱۱.

۳- عمدة القاری ۲۳۱/۸.

می‌کند و به معنای نوشیدن از آن است»^۱.

بحث ششم: ویژگی‌های حوض رسول الله ﷺ

ویژگی‌های حوض رسول الله ﷺ در احادیث متعددی که پیرامون آن حوض مبارک روایت شده، بیان گردیده است، و اختلاف عبارت برخی از روایات، موجب هیچ گونه تناقض و اضطرابی نیست، زیرا آن احادیث از چندین صحابی که در اماکن مختلف از رسول الله ﷺ شنیده‌اند، روایت شده است و رسول الله ﷺ با هر قومی مثال‌هایی را بکار می‌بردند که برایشان قابل فهم باشد، و همه‌ی روایات از نظر معنا با هم نزدیک هستند، والله اعلم.

ویژگی‌های حوض مبارک آن گونه که در احادیث رسول الله ﷺ بیان شده، چنین است:

اولاً: آب حوض:

آب حوض از شیر سفیدتر است و در روایتی از مسلم آمده که: «مَاءُهُ أَبْيَضُ مِنَ الْوَرَقِ»^۲. «آب آن از نقره هم سفیدتر است». و در روایتی دیگر آمده است که: «بی‌تردید آب آن از برف بسیار سفیدتر است».

ثانیاً: بوی آن:

بوی آن از مشک هم خوش‌تر است.

ثالثاً: جام‌های حوض:

جام‌های آن به اندازه ستارگان آسمان است، و در روایتی دیگر آمده است: «در آن لیوان‌هایی همانند تعداد ستارگان، خواهی یافت»^۱.

۱- شرح مسلم، نووی ۱۶۲/۹.

۲- مسلم، الفضائل: (۲۲۹۲)، الطهارة: (۲۴۷).

و در روایتی از مسلم آمده است که: «تُرَى فِيهِ أَبَارِيقُ الذَّهَبِ وَالْفِصَّةِ كَعَدَدِ نُجُومِ السَّمَاءِ»^۲.

«در آن، به اندازه ستارگان آسمان جام‌های طلایی و نقره‌ای خواهی یافت».

و در روایتی دیگر آمده است: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا نَيْتُهُ أَكْثَرُ مِنْ عَدَدِ نُجُومِ السَّمَاءِ وَكَوَكِبِهَا إِلَّا فِي اللَّيْلَةِ الْمُظْلِمَةِ الْمُصْحِيَةِ»^۳.

«سوگند به او که جان محمد در دست اوست، جام‌های آن از ستارگان آسمان آن هم در شبی تاریک با آسمانی صاف، نیز بیشتر است».

ویژگی‌های فوق در حدیث عبدالله بن عمر رضی الله عنهما ذکر شده است، که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «حَوْضِي مَسِيرَةُ شَهْرٍ، مَاؤُهُ أَبْيَضُ مِنَ اللَّبَنِ، وَرِيحُهُ أَطْيَبُ مِنَ الْمِسْكِ، وَكَيْزَانُهُ كَنُجُومِ السَّمَاءِ، مَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَا يَظْمَأُ أَبَدًا»^۴.

«مسافت حوض من یک ماه راه است، آبش از شیر سفیدتر و بویش از مشک خوش‌تر و لیوان‌هایش همچون ستارگان آسمان است، هر کس از آن بنوشد، هرگز تشنه نمی‌شود».

رابعاً: تأثیر آن:

تأثیر آب آن، این است که هر کس از آن بنوشد، هرگز تشنه نمی‌شود، در روایتی آمده است که: «... چهره‌ی او هرگز سیاه نمی‌شود»^۵.

خامساً: طعم آن:

طعم آن از عسل شیرین‌تر است^۱.

۱- متفق علیه، بخاری، الرقاق: (۶۵۹۲)، مسلم، الفضائل: (۲۲۹۸).

۲- مسلم، الفضائل: (۲۳۰۳).

۳- مسلم، الفضائل: (۲۳۰۰) حدیث ابوذر رضی الله عنه.

۴- بخاری، الرقاق: (۶۵۷۹)، مسلم، الفضائل: (۲۲۹۲).

۵- أحمد ۲۵۰/۵، ابن حبان ۳۷۰/۱۴، ابن ابی عاصم: (۷۲۹) محقق صحیح ابن حبان گفته است: إسناده صحيح.

سادساً: سردی آن:

آب آن از یخ سردتر است.^۱

سابعاً: سرچشمه‌ی آن:

در حدیث ابوذر رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «دو میزاب از بهشت در آن می‌ریزد» و در حدیث ثوبان رضی الله عنه آمده است که: «دو میزاب از بهشت در آن می‌ریزد که یکی طلایی و دیگری نقره‌ای است».^۲

علامه نووی از هروی رحمه‌ما الله نقل کرده است که: «معنای آن این است که پی در پی و با فشار در حوض آب می‌ریزند...».^۳

اما حوض همان کوثر است یا خیر؟

قرطبی رحمته الله می‌گوید: «مفسران درباره‌ی کوثری که به رسول الله صلی الله علیه و آله عنایت شده است، اختلاف نظر دارند و در این باره ۱۶ نظریه وجود دارد: ۱- کوثر نه‌ری است در بهشت... ۲- کوثر همان حوض رسول الله صلی الله علیه و آله در میدان محشر است، این نظریه عطاء است، در صحیح مسلم از انس رضی الله عنه روایت شده است که: «ما نزد رسول الله صلی الله علیه و آله بودیم که ایشان لحظه‌ای به خواب رفتند و سپس سر خویش را بلند فرمودند و لبخندی زدند، گفتم: یا رسول الله! از چه می‌خندید؟ فرمودند: لحظه‌ای قبل بر من سوره‌ای نازل گشت، سپس چنین تلاوت فرمود: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ ۝ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ ۝ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ۝﴾ [الکوثر: ۱-۳]. و سپس فرمودند: آیا می‌دانید کوثر چیست؟ گفتیم: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. فرمودند: «آن، نه‌ری است که پروردگارم به من وعده داده است، بر

۱- مسلم، الفضائل: (۲۳۰۰-۲۳۰۱) حدیث ابوذر و ثوبان رضی الله عنهما.

۲- احمد (۳۹۰/۵)، ابن ابی عاصم: (۷۲۵، ۷۲۴) و آل‌بانی گفته است: إسناد حسن.

۳- مسلم، الفضائل: (۲۳۰۱، ۲۳۰۰).

۴- مسلم، شرح نووی ۶۳/۱۵.

آن خیر کثیری هست، آن حوضی است که امت من روز قیامت بر آن وارد می‌شوند، ظرف‌های آن به تعداد ستارگان است، برخی از حوض باز داشته می‌شوند، می‌گویم که: او از امت من است، می‌گویند: تو نمی‌دانی که پس از تو چه کرده است»^۱.

احادیث درباره‌ی حوض در میدان محشر بسیار است و ما آن را در کتاب «التذکرة»^۲ آورده‌ایم و خلفای اربعه ایشان رضوان الله علیهم بر چهار گوشه‌ی آن قرار دارند و هر کس با یکی از آنان دشمن باشد، آن دیگری نیز به او آب نمی‌دهد^۳ و در آنجا کسانی را که از حوض باز داشته می‌شوند ذکر کرده‌ایم... و می‌توان هم آن نهر و هم حوض را، کوثر نامید، به خاطر کثرت وارد شوندگان و نوشندگان از امت محمد ﷺ و نیز نظر به خیر کثیر و آب کثیری که دارد...».

قرطبی پس از ذکر اقوال، می‌گوید: «صحيح ترین نظریه در این باره نظریه‌ی اول و دوم است، زیرا از رسول الله ﷺ نصی درباره کوثر وجود دارد»^۴.

حافظ ابن حجر رحمه الله می‌گوید: «کوثر نهری است در بهشت که آب آن در حوض می‌ریزد و خود حوض را نیز کوثر می‌گویند، زیرا که سرچشمه‌ی آن است، و مسلم به روایت ابوذر رحمه الله آورده است که: «دو میزاب از بهشت در آن می‌ریزد» و حدیث ثوبان نیز آن را تأیید می‌کند و در حدیث ابن مسعود رحمه الله به روایت امام احمد،^۵ آمده است که: «نهری از کوثر در حوض گشوده می‌شود»^۶.

۱- مسلم، الصلاة: (۴۰۰).

۲- التذکرة ۱/۶۱۱.

۳- ذهبی، المیزان ۱/۱۶۰، حافظ، اللسان تحت ترجمه‌ی: ابراهیم بن عبدالله المصیصی، یکی از متروکین و نگا:

المجروحین ۱/۱۵۱.

۴- الجامع لأحكام القرآن ۲۰/۱۹۸-۲۰۰ با اندکی تفاوت.

۵- المسند ۶/۳۲۸، شماره: (۳۷۸۶) محقق آن گفته است: إسنادہ ضعیف.

۶- فتح الباری ۱۱/۵۶۷ با اندکی تفاوت.

حافظ ابن کثیر رحمته الله می گوید: «در وصف حوض روز قیامت آمده است که: «دو میزاب از آسمان از نهر کوثر در آن می ریزد...»^۱. و در وصف کوثر آمده است که: «آب آن از عسل شیرین تر و از برف سفیدتر است»^۲. و این برخی از ویژگی های حوض است، بنابراین حوض محل جمع شدن آب هایی است که از نهر کوثر فرو می ریزد، پس آن چیزی یر از کوثر است، گرچه سرچشمه ی آن همان کوثر است، والله اعلم.

ثامناً: وسعت حوض:

درباره ی وسعت حوض احادیث زیادی از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت شده است که ظاهراً با هم متعارض هستند، و در واقع بحمدالله هیچ تعارضی ندارند، آن روایات چنین هستند:

- ۱- از جرباء تا اذرج.
- ۲- از عدن تا عمان.
- ۳- از ايله تا صنعاء يمن
- ۴- از مدینه تا صنعاء.
- ۵- از ايله تا جحفه.
- ۶- از عمان تا ايله.
- ۷- از مدینه تا عمان و در روایتی: از این جا تا عمان
- ۸- از کوفه تا حجرالأسود.
- ۹- از کعبه تا بیت المقدس.
- ۱۰- دورتر از ايله تا عدن.
- ۱۱- دورتر از ايله تا مکه.
- ۱۲- از بیضاء تا بصری.

۱- تفسیر ابن کثیر ۷۲۱/۴.

۲- ترمذی: (۲۲۶۱)، ابن ماجه: (۴۳۳۴).

- ۱۳- از ايله تا مصر.
- ۱۴- وسیع‌تر از ايله تا کعبه.
- ۱۵- از عمان تا یمن.
- ۱۶- از جاییه تا صنعاء.
- ۱۷- مسافت یک ماه و زاویه‌هایش برابر است و در روایتی آمده است که عرض آن همانند طولش می‌باشد.
- ۱۸- از مکه تا صنعاء.
- ۱۹- از صنعاء تا بصری.
- ۲۰- از مدینه تا عمان.
- ۲۱- از ايله تا مدینه.
- ۲۲- از مدینه تا بیت‌المقدس.
- ۲۳- از عمان تا ايله^۱.
- (جرباء و اذرح) دو روستا هستند در شام که سه شبانه‌روز از یکدیگر فاصله دارند.
- (ایله) شهر معروفی است میان مصر و شام در ساحل دریای سرخ و از آنجا تا مدینه یک ماه راه است.
- (بصری) شهر معروفی است کناره‌ی شام به طرف حجاز.
- (البیضاء): نزدیک ربه، شهر معروفی است میان مکه و مدینه.
- (الجاییه): محله‌ای است در دمشق.
- (الجحیفة): روستا و یکی از میقات‌های حج است، و تا مدینه هشت مرحله، و در راه مکه و همان (مهیعه) است.

۱- نگا: فتح الباری ۵۷۲/۱۱-۵۷۵، السنة لا بن ابی عاصم ص: ۳۰۷-۳۴۶، کشف الغمة ص: ۹۹-۱۲۲.

قاضی عیاض رحمته می‌گوید: این که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «حَوْضِي مَسِيرَةُ شَهْرٍ وَزَوَايَاهُ سِوَاءُ». یعنی این که چهار ضلع آن برابرند و برخی، از این، استدلال کرده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله از علوم و فنون دیگر نیز آگاهی داشتند و این از علم هندسه و حساب است و معنای این سخن، این است که حوض چهار ضلع دارد و همه با هم برابرند، آن گونه که در حدیثی دیگر فرمودند: عرض آن همانند طولش می‌باشد^۱.

قرطبی رحمته می‌گوید: «یعنی: هر چهار ضلع آن با هم برابرند»^۲.

ابن حجر رحمته می‌گوید: «همه‌ی این مسافتات با هم نزدیک است و تقریباً همه به نصف ماه اندکی کم یا بیش می‌رسند، علما این مسئله را توجیه کرده‌اند، عیاض می‌گوید: این اختلاف به تخمین برمی‌گردد و در یک حدیث واقع نشده است که اضطرابی محسوب گردد، بلکه در احادیث متعدد است و بیش از یک صحابی آن را روایت کرده‌اند و در اماکن مختلفی آن را شنیده‌اند، رسول الله صلی الله علیه و آله در هر کدام از آن احادیث، برای بیان وسعت حوض مثالی بیان فرموده‌اند و هدف دوری شهرها از همدیگر بوده است نه بیان قطعی مسافت، می‌گوید: پس این گونه الفاظ متفاوت حدیث از حیث معنا با هم متفق می‌گردد». البته این سخن اشکال دارد و آن این که تشبیه و تخمین در دو شیء نزدیک به هم صورت می‌گیرد اما این تفاوت فاحش که گاه از یک ماه می‌گذرد و گاه به سه روز کاهش می‌یابد، موجه نیست، قرطبی می‌گوید: برخی کوتاه نظران می‌پندارند که اختلاف در تعیین اندازه حوض، اضطرابی است، که این گونه نیست، و سپس کلام عیاض را آورده و افزوده است که: این اختلافی نیست، بلکه همه روایات گویای آن هستند که حوض بسیار وسیع و گسترده است، سپس می‌گوید: شاید رسول الله صلی الله علیه و آله به خاطر مخاطبان خویش که

۱- إكمال المعلم ۲۵۸/۷.

۲- المفهم ۹۲/۶.

با آن مسافت‌ها آشنایی داشته‌اند، در خطاب به هر مخاطبی، مسافتی را مثال زده‌اند که شنونده از آن آگاه بوده است».

نووی پاسخ داده است که: ذکر مسافت کوتاه هرگز به معنای رد مسافت طولانی نیست، مسافت طولانی‌تر با احادیث صحیح ثابت است، و هیچ گونه تناقضی در آن نیست، کوتاه سخن این‌که، ابتدا مسافت کوتاه به اطلاع ایشان رسیده است و سپس از مسافت طولانی‌تر اطلاع یافتند و آن را نیز بیان فرمودند، گویا خداوند متعال به پاس احترام ایشان، مسافت حوض را در چندین مرحله توسعه داده است و آن روایاتی که بر مسافتی گسترده‌تر دلالت دارد، مورد اعتماد است».

ابن حجر پس از آن می‌گوید: جمع بین روایات این گونه است که این اختلاف برمی‌گردد به سیر کندِ کاروانی سنگین‌بار و سیر سواری سبک‌بار، و نیز به این گونه که روایت کوتاه‌ترین مدت که همان سه روز است بر سیر پیک حمل شود که اتفاق افتاده است که مسافت یک ماه را در سه روز طی کند ولو این که این امر بسیار به ندرت اتفاق افتاده است»^۱.

نکته:

در روایت صحیح آمده است که رسول الله ﷺ فرمودند: «أَمَامَكُمْ حَوْضٌ كَمَا بَيْنَ جَرَبَاءَ وَأَذْرَحَ». «شما حوضی در پیش رو دارید به مسافت میان جربا و اذرح». اشکال این روایت این است که جرباء و اذرح دو روستای مجاور در شام هستند، حافظ ابن حجر رحمته در رفع این اشکال می‌گوید: «حافظ ضیاء الدین مقدسی در کتابی که درباره‌ی حوض فراهم نموده است، در مورد روایت سه روز می‌گوید: به سبب اختصار برخی راویان، در متن حدیث اشتباهی صورت گرفته است، و سپس حدیث کامل را از ابوهریره رضی الله عنه از فوائد «عبدالکریم بن هیثم الدیر عاقولی» با سندی صحیح تا ابوهریره رضی الله عنه

۱- فتح الباری ۱۱/۵۷۳-۵۷۴ با اندکی تصرف.

مرفوعاً این گونه روایت کرده است: «عرضه مثل ما بینکم و بین جرباء و أذرح»، «پهنای آن مانند فاصله‌ی شما تا جرباء و اذرح است»، ضیاء می‌گوید: بنابراین معلوم می‌شود که در حدیث ابن عمر رضی الله عنهما حذفی صورت گرفته است و روایت در واقع چنین بوده است: «كَمَا بَيْنَ جَرْبَاءَ وَأَذْرَحَ». که «مقامی» و «بین» از آن افتاده است، و حافظ علالی می‌گوید: «... عبارت حذف شده نزد دارقطنی و دیگران این گونه، ثابت است: «ما بین المدینة و جرباء و أذرح». سپس حافظ ابن حجر در پی آن می‌گوید: با اثبات این مطلب، پس اختلاف بر می‌گردد به سیر آهسته و کند و سیر سریع و شتابان^۱.

بحث هفتم: معنای «أنا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ»

جمله‌ی «أنا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ» از رسول الله صلی الله علیه و آله با تواتر نقل شده است و معنای آن براساس گفته‌ی اهل علم چنین است:

ابن الاثیر رحمته الله می‌گوید: «أنا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ». یعنی من پیش از شما بر حوض می‌رسم، می‌گوید: فَرَطٌ يَفْرِطُ، فهو فَارِطٌ، وفَرَطٌ: در صورتی که از دیگران جلوتر باشد و برای طلب آب زودتر برسد تا برای آنان دلو و ریسمان آماده کند» و در «اللسان» آمده است «الفارط: جلو افتاده، سابق»^۲.

نووی رحمته الله می‌گوید: اهل لغت می‌گویند: الفَرَطُ، با فتح فاوراء و الفارط، کسی است که پیش از دیگران بر آب برسد تا حوض و دلو و دیگر ابزار را فراهم کند «فرطکم علی الحوض». یعنی: پیش از شما به حوض می‌رسم و آن را آماده می‌کنم»^۳.

این حدیث بر کمال شفقت و مهربانی رسول الله صلی الله علیه و آله نسبت به امت خویش، دلالت دارد.

۱- فتح الباری ۵۷۴/۱۱، نگا: صحیح ابن حبان با تعلیق محقق آن ۳۶۵/۱۱.

۲- النهایه ص: ۷۰۱، لسان العرب ۲۳۳/۱۰.

۳- صحیح مسلم با شرح نووی ۵۳/۱۵.

بحث هشتم: حوض در کجای قیامت قرار دارد؟

علما درباره‌ی جایگاه و محل حوض در قیامت دو نظریه دارند:

اول: این که حوض بعد از صراط و عبور از آن، قرار دارد و طرفداران این نظریه از حدیثی که احمد و ترمذی از انس رضی الله عنه روایت کرده‌اند، استدلال می‌کنند، و می‌گویند: از رسول الله صلی الله علیه و آله تقاضا کردم که روز قیامت برایم شفاعت کنند، فرمودند: این کار را خواهم کرد، پرسیدم: یا رسول الله! در قیامت شما را در کجا پیدا کنم؟ فرمودند: نخست بر بالای صراط دنبالم بگرد، گفتم: اگر آن جا نبودید؟ فرمودند: آنگاه کنار میزان (ترازو)، سراغم را بگیر، گفتم اگر آنجا شما را نیافتم؟ فرمودند: آنگاه کنار حوض مرا جستجو کن، و من حتماً در یکی از این سه جا خواهم بود».

ابوعیسی می‌گوید: این حدیث حسن غریب است، فقط از این طریق آن را می‌شناسیم^۱.

برخی از علما که در باب حدیث و عقیده تألیف دارند، امثال: امام بخاری، امام ترمذی و ابن ابی زید و دیگران این نظریه را تأیید می‌کنند، زیرا در کتاب‌های خود احادیث حوض و مسایل آن را پس از احادیث صراط و میزان و شفاعت آورده‌اند. ابن حجر رحمته الله می‌گوید: این که بخاری احادیث حوض را پس از احادیث شفاعت و نصب صراط آورده، اشاره به آن است که نوشیدن از آب حوض پس از نصب صراط و گذر از آن، خواهد بود».

پس از آن حدیث سابق انس رضی الله عنه را آورده و افزوده است، «با توجه به برخی از احادیث این باب که گویای آن است که گروهی که نزدیک است به حوض برسند، از آن رانده و به جهنم برده می‌شوند، در قرار گرفتن حوض بعد از صراط اشکالی ایجاد می‌شود و آن، این است که هر کس از صراط عبور کند و به حوض برسد در واقع از جهنم نجات پیدا

۱- المسند ۲۰/۲۱۰، شماره: (۱۲۸۲۵)، ترمذی: (۲۴۳۳)، صححه الألبانی.

کرده است، پس چگونه به جهنم باز گردانیده می‌شود؟ احتمال دارد که منظور نزدیک شدن به حوض باشد به گونه‌ای که آن را ببینند و قبل از این که از انتهای صراط عبور کنند، در جهنم انداخته می‌شوند»^۱.

قاضی عیاض رحمته می‌گوید: «ظاهر آن می‌رساند که نوشیدن آب حوض پس از حساب و نجات یافتن از جهنم خواهد بود»^۲.

ابوالعباس قرطبی رحمته می‌گوید: «رسیدن به حوض و نوشیدن از آن، پس از نجات از جهنم و سختی‌های آن خواهد بود، زیرا رسیدن به آن محل شریف و نوشیدن از آن و رسیدن به مکانی که رسول الله صلی الله علیه و آله در آنجا تشریف دارند، بزرگترین تکریم و بالاترین انعام است و هر کس به چنان جایگاهی برسد، چگونه به حساب باز گردانیده می‌شود و یا پس از آن چگونه عذاب و رسوایی را می‌چشد؟! چنین نظری از سراب نیز بی‌بنیادتر است»^۳.

دوم: این که حوض قبل از صراط خواهد بود، و این ظاهر عملکرد بسیاری از علما، در تألیفاتشان است، چرا که حوض را قبل از صراط ذکر کرده‌اند، برخی آن را پس از شفاعت قرار داده‌اند مانند: امام لالکائی در کتاب الاعتقاد و اشعری در «الابانة» و آجری در «الشريعة» و ابوداود در سنن و ابن حزم و دیگران، آنان به این ترتیب، اشاره می‌کنند به این که، مردم پس از انتظار طولانی در میدان محشر و تشنگی آن، بر حوض وارد می‌شوند، و این مناسب حال آنان است، والله اعلم.

برخی دیگر آن را قبل از شفاعت و پس از بیرون آمدن از قبر دانسته‌اند که مردم تشنه از قبر بر می‌خیزند و سر حوض می‌روند، مانند: ابن حبان و ابن ابی عاصم و ابن ماجه و این گروه از علما صراط و میزان را پس از حوض نمی‌آورند، و برخی دیگر امثال

۱- فتح الباري ۵۶۷/۱۱.

۲- إكمال المعلم ۲۵۷/۷.

۳- المفهم ۹۱/۶.

اصفهانى در «الحجة» آنرا پس از صراط و میزان مى دانند. و برخى نیز آن مطلقاً قبل از صراط قرار داده اند. امثال: قرطبی در «التذكرة» و شیخ الاسلام در «الواسطیة» رحم الله الجميع.

قرطبی رحمه الله با جانب داری از این نظریه مى گوید: صاحب «القوت» و دیگران مى گویند: حوض رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از پل صراط است، صحیح این است که ایشان دو حوض دارند یکی در میدان محشر قبل از طراط و دومی در بهشت، و هر دو کوثر نام دارند، کوثر در زبان عربی به خیر کثیر گفته مى شود و درباره ی میزان و حوض که کدام یک جلوتر از دیگری است، اختلاف نظر وجود دارد، گاه گفته شده که میزان قبل از حوض است و گاه عکس آن، ابوالحسن قابسی مى گوید: صحیح آن است که حوض قبل از میزان قرار دارد. به نظر من نیز این مناسب است، زیرا مردم تشنه از قبر برمی خیزند پس حوض قبل از طراط و میزان قرار داده مى شود، والله اعلم، ابوحامد در کتاب «کشف علوم الآخرة» مى گوید: یکی از نویسندگان سلف گفته است که حوض قبل از صراط است. و این سخن اشتباه است. مؤلف مى گوید: سخن ابوحامد درست است، بخاری از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «من بر حوض ایستاده ام که گروهی به من نزدیک مى شوند تا جایی که آنان را مى شناسم، ناگاه شخصی مانع رسیدن آنان به من مى شود و مى گوید: بروید، مى گویم به کجا؟ مى گوید: به سوی جهنم....».

این حدیث دلیل قاطعی است مبنی بر این که حوض در میدان محشر و قبل از صراط است، زیرا صراط پلی است که بر جهنم کشیده شده است که مردم از آن عبور مى کنند و هر کس از آن عبور کند از جهنم نجات پیدا مى کند، و همچنین حوض های دیگر پیامبران نیز در میدان محشر قرار دارد، از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که درباره ی وقوف در پیشگاه خداوند، از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیده شد که آیا آنجا آب هست؟ فرمودند: «آری، سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، آنجا آب هست، و اولیای خدا از

حوض‌های پیامبران آب خواهند نوشید و خداوند هفتاد هزار فرشته را که عصاهایی آتشی در دست دارند، می‌گمارد تا کافران را از حوض‌های پیامبران برانند»^۱.

ابن حجر رحمته الله در پانوشتی بر سخن قرطبی «که رسول الله صلی الله علیه و آله دو حوض دارند» می‌گوید: این سخن اشکال دارد، زیرا کوثر نه‌ری است در بهشت که آب آن در حوض می‌ریزد و به این خاطر حوض را کوثر می‌گویند که، سرچشمه‌اش کوثر است، سخن قرطبی این را می‌رساند که حوض قبل از صراط است، مردم تشنه به میدان محشر می‌روند و مؤمنان آن‌جا از حوض، آب می‌نوشند و کفار پس از این‌که اظهار تشنگی می‌کنند، سرابی در برابر دیدگان‌شان آشکار می‌شود و به آنان گفته می‌شود، مگر شما آب نمی‌خواهید؟ و می‌روند که از آن بنوشند که سرانجام در جهنم سقوط می‌کنند، امام مسلم از ابوذر رضی الله عنه روایت کرده است که: «دو میزاب از بهشت در حوض فرو می‌ریزند» و حدیث ثوبان نیز شاهد آن است، و این حدیث حجتی است علیه قرطبی نه له او، زیرا آن‌گونه که گذشت، صراط پلی است بر روی جهنم حد فاصل میدان محشر و بهشت و مؤمنان برای ورود به بهشت از آن عبور می‌کنند، اگر حوض قبل از پل صراط می‌بود، جهنم مانع رسیدن آب به حوض کوثر می‌شد، و ظاهر حدیث این را می‌رساند که حوض در کنار بهشت است، تا فرو ریختن آب نهر کوثر از بهشت، در آن ممکن باشد، و در حدیث ابن مسعود رضی الله عنه آمده است که: «نهر کوثر گشوده می‌شود تا آب آن در حوض فرو ریزد» سپس حافظ حدیث لقیط بن صبره را که از زیادات عبدالله بن احمد بر مسند می‌باشد، آورده است که: «لقیط با همراهی رفیقش نهیک بن عاصم بن مالک بن المتفق نزد رسول الله صلی الله علیه و آله رفت - در حدیث آمده که - شما بر خدا عرضه می‌شوید در حالی که صفحات شما کاملاً بر خداوند آشکار است و هیچ چیزی از شما بر او پوشیده نیست، آنگاه پروردگار تو با دست خویش یک کف آب برمی‌دارد و بر شما می‌پاشد، سوگند به خدای تو بر صورت هر کدام شما قطره‌ای از آن آب می‌چکد، آن قطره صورت مسلمان را مانند پارچه‌ای روشن،

سفید می‌گرداند و صورت کافر را مانند زغال، سیاه می‌کند، آنگاه پیامبر شما حرکت می‌کند و نیکوکاران، در پی ایشان راه می‌افتند و بر پلی از آتش عبور می‌کنند و کسی از شما بر اخگر پا می‌نهد و صدای خاموش شدن آن را می‌شنود، آنگاه خدای تو می‌گوید: آگاه باشید که شما در حالی که تشنه‌اید بر حوض رسول الله ﷺ می‌رسید و از آن آب خواهید نوشید...»^۱ این حدیث تصریح دارد که حوض قبل از صراط است، و شارح طحاویه می‌گوید: «حوض در میدان صاف قبل از صراط است»^۲.

۱- المسند ۱۲۱/۲۶ محقق آن می‌گوید: إسناده ضعيف، مسلسل بالمجاهيل، ابن كثير می‌گوید: هذا حديث غريب جداً، والفاظه في بعضها نكارة، البداية ۸۲/۵، حافظ در التهذيب. ۲۶۰/۲ تحت ترجمه‌ی عاصم بن لقيط می‌گوید: هو حديث غريب جداً، نكا: الصحيحه: (۲۸۱۰)

۲- شرح العقيدة الطحاوية ص/۲۷۷.

بخش دوم

تمهید

ثابت است که مردمانی از امت رسول الله ﷺ به علت تغییر و تبدیل که پس از ایشان، ایجاد کرده‌اند و مرتد شده‌اند از حوض بازداشته و طرد می‌شوند.

برخی از مردم در این احادیث سوژه‌ای را که می‌خواستند، پیدا کرده‌اند و این احادیث را براساس گرایش، سلیقه و نظر خویش تفسیر کرده‌اند و تنها هدفشان به کرسی نشاندن نظر باطلشان است و در این راستا از دروغ بستن بر خدا و رسول هم ابایی ندارند و مصداق این آیه هستند که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ﴾ [آل عمران: ۷].

«اما آنان که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهاات هستند تا فتنه انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند) و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند».

اما آنان که خدا به آنان نور بصیرت عنایت کرده است نه در اثبات حوض تردیدی دارند و نه در اثبات ممانعت مذکور که رسول الله ﷺ بیان فرموده‌اند، آنان روش راسخین فی العلم را در پیش می‌گیرند و می‌گویند: ﴿ءَأَمَّنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا﴾ [آل عمران: ۷].

«و ما به همه‌ی آن ایمان داریم، همه از جانب پروردگار ماست». آنگاه هیچگاه نصوص قرآن را رو در روی یکدیگر قرار نمی‌دهند بلکه وظیفه و مقتضای ایمان آنان، تسلیم و تصدیق و دوری از مبارزه با حق است.

احادیث حوض با آن که بحمدالله هیچ اشکالی ندارد، برای برخی سؤال برانگیز شده است و برخی دیگر، آن را حربه‌ای برای طعن اصحاب رسول الله ﷺ قرار داده‌اند، اینان اگر دنبال حق هستند، پس حق واضح و آشکار و اشاره‌ای به آن کافی است و اگر غیر از این باشد امیدوارم که این کتاب و دلایلی که در آن آورده‌ایم باعث بیداری عقل و وجدان

آنان گردد و به فطرت الهی باز گردند.

هدف ما احقاق حق و ابطال باطل است تا آنها که هلاک و گمراه می‌شوند، با اتمام حجت هلاک شوند و آنان که زنده و هدایت می‌شوند از روی دلیل و برهان باشد، والله المستعان.

بحث اول: معنای کلمه «الدَّود»

در اللسان آمده است که: «الدَّود: سوق دادن، طرد و دفع کردن، می‌گویی: ذُدُّهُ عَنْ كَذَا وزاده عن الشيء ذوداً و ذیاداً، ورجل ذائد: بازدارنده... و ذدت الابل، أذودها ذوداً: هنگامی که آن را طرد کنی و برانی. والدود: به یک گله شتر از ۳ تا ۱۰ گفته می‌شود و نیز گفته شده: از ۳ تا ۱۰ و یا از ۳ تا ۱۵ و ۲۰ و اندکی بیشتر و یا از ۳ تا ۳۰ و یا میان ۲ و ۹^۱.

بحث دوم: احادیث ممانعت از حوض

قبلاً گفتیم که احادیث حوض به حد تواتر رسیده است و صحابه‌ی زیادی آن را از رسول الله ﷺ روایت کرده‌اند و حافظ بن حجر تعداد آنان را پنجاه صحابی می‌داند و گفته است که یکی از متأخرین تعداد راویان احادیث حوض را به هشتاد صحابی رسانیده است.

باید دانست که مسأله ممانعت از حوض در تمام آن احادیث نیامده است، بلکه احادیث حوض به چند گونه تقسیم می‌شوند:

اول: احادیث بیانگر ویژگی‌های حوض.

دوم: احادیث بیانگر این مطلب که رسول الله ﷺ پیش از همه بر حوض می‌رسند.

سوم: احادیثی که بیان می‌دارند که چه کسانی به حوض راه می‌یابند و چه کسانی از

۱- لسان العرب ۷۰/۵ نگا: النهاية في غريب الحديث ص: ۳۳۲، القاموس المحيط ص: ۶۲۶.

آن طرد می‌شوند و صفات آن افراد، ما قبلاً احادیث نوع اول و دوم را بیان کردیم و در این جا فقط به احادیث نوع سوم اشاره خواهیم نمود و تنها به احادیث صحیحین اکتفا می‌کنیم مگر در مواردی اندک که نیازی به دیگران باشد و گاه به خاطر اختصار فقط موضع استدلال حدیث را ذکر می‌کنیم.

۱- عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَنَا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ، وَلَيُرفَعَنَّ رِجَالُ مَنْكُمْ ثُمَّ لَيُخْتَلَجَنَّ دُونِي، فَأَقُولُ: يَا رَبِّ أَصْحَابِي؟ فَيَقَالُ: إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَهْدَوْا بِعَدِكَ»^۱.

«من پیشاپیش شما بر حوض می‌رسم و مردانی از شما نمایان می‌شوند و ناگاه از میان ربوده می‌شوند، می‌گویم: پروردگارا! اصحاب مرا کجا بردند؟ گفته می‌شود نمی‌دانی که پس از تو چه کرده‌اند».

و در روایت مسلم آمده است که: «وَلَا نَازَعَنَّ اقْوَاماً ثُمَّ لَا غَلَبَ عَلَيْهِمْ». «از گروهی دفاع می‌کنم و سرانجام مغلوب می‌گردم».

۲- انس رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَيَرِدَنَّ عَلَيَّ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِي الْحَوْضِ، حَتَّى عَرَفْتَهُمْ اخْتَلَجُوا دُونِي، فَأَقُولُ: أَصْحَابِي؟ فَيَقُولُ: لَا تَدْرِي مَا أَهْدَوْا بِعَدِكَ». «مردمانی از اصحاب من بر حوض می‌آیند تا آن که آنان را می‌شناسم ناگاه از میان ربوده می‌شوند، می‌گویم: اصحاب مرا چی شد؟ می‌گوید: نمی‌دانی که پس از شما چه کرده‌اند».

در روایت مسلم آمده است: «رِجَالٌ مِمَّنْ صَاحَبَنِي حَتَّى إِذَا رَأَيْتُهُمْ وَرَفَعُوا إِلَيَّ». «مردانی از آنان که همراه من بوده‌اند تا این که آنان را می‌بینیم و بر من عرضه می‌شوند...». و در آن «أَصْحَابِي أَصْحَابِي» با تصغیر و تکرار وارد شده است^۲.

۳- سهل بن سعد رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنِّي فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ، مَنْ

۱- بخاری، الرقاق: (۶۵۷۶)، مسلم، الفضائل: (۲۲۹۷).

۲- بخاری، الرقاق: (۶۵۸۲)، مسلم، الفضائل: (۲۳۰۴).

مَرَّ عَلَى شَرْبٍ ، وَمَنْ شَرِبَ لَمْ يَظْمَأْ أَبَدًا ، لَيَرِدَنَّ عَلَى أَقْوَامٍ أَعْرِفُهُمْ وَيَعْرِفُونِي ، ثُمَّ يُحَالُ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ^۱. «من پیشاپیش شما بر حوض می‌رسم، هر کس نزد من بیاید از آن می‌نوشد و هر کس از آب آن بنوشد تا ابد تشنه نمی‌شود، اقوامی که آنها را می‌شناسم و آنان نیز مرا می‌شناسد، نزد من می‌آیند که ناگاه میان من و آنان فاصله انداخته می‌شود».

۴- ابوحازم می‌گوید: نعمان بن ابی عیاش این (حدیث) را از من شنید و گفت آیا تو آن را از سهل شنیده‌ای؟ گفتم: آری، آنگاه گفت من گواهی می‌دهم که من آن حدیث را ابوسعید خدری با این زیادتى شنیدم که رسول الله ﷺ فرمودند: «فَأَقُولُ إِنَّهُمْ مِنِّي . فَيَقَالُ إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحَدَثُوا بَعْدَكَ . فَأَقُولُ سَحَقًا سَحَقًا لِمَنْ غَيْرَ بَعْدِي».

«می‌گویم که آنان از من هستند، گفته می‌شود: شما نمی‌دانید که پس از شما چه کرده‌اند، پس من می‌گویم: دور باد کسی که پس از من تغییر ایجاد کرده است».

ابن عباس رضی الله عنه می‌گوید: سَحَقًا به معنای بُعْدًا (دور باد) است و سَحَقٌ یعنی بعید و اَسَحَقُهُ یعنی: او را دور گردانید.

۵- ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «يَرِدُ عَلَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَهْطٌ^۲ مِنْ أَصْحَابِي فَيَحِلُّونَ عَنِ الْخَوْضِ فَأَقُولُ يَا رَبِّ أَصْحَابِي . فَيَقُولُ إِنَّكَ لَا عِلْمَ لَكَ بِمَا أَحَدَثُوا بَعْدَكَ ، إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى^۳».

«گروهی از اصحابم روز قیامت بر من وارد می‌شوند که ناگاه از حوض بازداشته می‌شوند، می‌گویم: پروردگارا! اینان اصحاب من هستند، می‌گوید: تو اطلاع نداری که پس از تو چه کرده‌اند، آنان به پشت سر خود بازگشته‌اند».

۶- ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «بَيْنَا أَنَا قَائِمٌ إِذَا زُمْرَةٌ، حَتَّى إِذَا

۱- بخاری، ارقاق: (۶۵۸۳، ۶۵۸۴). مسلم، الفضائل: (۲۲۹۱).

۲- رهط: گروهی از مردان کمتر از ده نفر و نیز گفته شده است: سه یا هفت نفر تا ده نفر و تا چهل نفر که در میان آنان زن نباشد، نیز گفته شده است. النهاية: ص ۲۲۴، ۷۸۰.

۳- بخاری، الرقاق: (۶۵۸۵، ۶۵۸۶)

عَرَفْتُهُمْ خَرَجَ رَجُلٌ مِنْ بَيْنِي وَبَيْنِهِمْ فَقَالَ هَلُمَّ. فَقُلْتُ أَيْنَ قَالَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ. قُلْتُ وَمَا شَأْنُهُمْ قَالَ إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْفَهْقَرَى. ثُمَّ إِذَا زُمْرَةٌ حَتَّى إِذَا عَرَفْتُهُمْ خَرَجَ رَجُلٌ مِنْ بَيْنِي وَبَيْنِهِمْ فَقَالَ هَلُمَّ. قُلْتُ أَيْنَ قَالَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ. قُلْتُ مَا شَأْنُهُمْ قَالَ إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْفَهْقَرَى. فَلَا أَرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ إِلَّا مِثْلُ هَمَلٍ التَّعَمُّ^۱.

«درحالی که ایستاده‌ام گروهی به من نزدیک می‌شوند تا این که آنان را می‌شناسم مردی میان من و آنان بیرون می‌آید و می‌گوید: بروید، می‌گویم: کجا؟ می‌گوید: به خدا قسم به جهنم، می‌گویم: داستانشان چیست؟ می‌گوید: آنها پس از تو به پشت سر برگشته‌اند، سپس گروهی دیگر نمایان می‌شود تا این که آنان را می‌شناسم مردی میان من و آنان خارج می‌شود و می‌گوید: بروید: می‌گویم: کجا؟ می‌گوید: به خدا سوگند، به جهنم، می‌گویم: داستانشان چیست؟ می‌گوید: آنان پس از تو به پشت سر خویش بازگشته‌اند، از آن جز افراد معدودی (به ندرت شتر سر گشته) نجات پیدا نمی‌یابد».

۷- اسماء بنت ابی‌بکر رضی الله عنها می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنِّي عَلَى الْحَوْضِ حَتَّى أَنْظُرَ مَنْ يَرِدُ عَلَيَّ مِنْكُمْ، وَسَيُؤَخِّدُ نَاسٌ دُونِي فَأَقُولُ يَا رَبِّ مَنِي وَمِنْ أُمَّتِي. فَيَقَالُ هَلْ شَعَرْتَ مَا عَمِلُوا بَعْدَكَ وَاللَّهِ مَا بَرِحُوا يَرْجِعُونَ عَلَيَّ أَعْقَابِهِمْ»^۲.

«من سر حوض می‌ایستم تا ببینم که چه کسی از شما نزد من می‌آید، مردمانی قبل از رسیدن به من رفته می‌شوند، می‌گویم: پروردگارا! آنان از من و امت من هستند، گفته می‌شود: آیا می‌دانی پس از تو چه کرده‌اند؟! والله آنان پس از تو همواره به عقب بر می‌گشتند».

۸- عائشه رضی الله عنها می‌گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله در جمع اصحاب خویش فرمودند: «إِنِّي عَلَى الْحَوْضِ أَنْتَظِرُ مَنْ يَرِدُ عَلَيَّ مِنْكُمْ فَوَاللَّهِ لَيُقْتَطَعَنَّ دُونِي رِجَالٌ فَلَأَقُولَنَّ أَيْ رَبِّ مَنِي وَمِنْ أُمَّتِي. فَيَقُولُ إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا عَمِلُوا بَعْدَكَ مَا زَالُوا يَرْجِعُونَ عَلَيَّ أَعْقَابِهِمْ»^۳.

۱- بخاری، الرقائق: (۶۵۸۷).

۲- بخاری، الرقائق: (۶۵۹۳)، مسلم الفضائل: (۲۲۹۳).

۳- مسلم، الفضائل: (۲۲۹۴).

«من سر حوض منتظرم تا ببینم که چه کسی از شما نزد من می‌آید، والله مردانی از رسیدن به من باز داشته خواهند شد و من خواهم گفت: پروردگارا! اینان از من و امت من هستند، می‌گویند: تو نمی‌دانی که پس از تو چه کرده‌اند، آنان همواره به عقب باز می‌گشتند».

۹- ام سلمه رضی الله عنها می‌گوید: از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمودند: «إِنِّي لَكُمْ فَرَطٌ عَلَى الْحَوْضِ فَإِيَّايَ لَا يَأْتِيَنَّ أَحَدُكُمْ فَيَذْبُ عَنِّي كَمَا يَذْبُ الْبَعِيرُ الضَّالُّ فَأَقُولُ فِيمَ هَذَا فَيَقُولُ إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحَدْتُوا بَعْدَكَ. فَأَقُولُ سُحْقًا»^۱.

«من پیش از شما بر حوض می‌رسم، مبادا کسی از شما نزد من بیاید و مانند شتر گم شده، رانده شود و من بگویم: چرا او را می‌رانید؟ و بگویند: تو نمی‌دانی که پس از تو چه کرده‌اند، و من بگویم: دور باد».

۱۰- ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «...وَإِنَّ نَاسًا مِنْ أَصْحَابِي يُؤْخَذُ بِهِمْ ذَاتَ الشَّمَالِ، فَأَقُولُ: أَصْحَابِي، أَصْحَابِي، فَيَقُولُ: إِنَّهُمْ لَمْ يَزَالُوا مُرْتَدِّينَ عَلَى أَعْقَابِهِمْ مِنْذُ فَارَقْتُهُمْ، فَأَقُولُ كَمَا قَالَ الْعَبْدُ الصَّالِحُ». ﴿وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾^(۱۷) إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبْدُكَ وَإِنْ تَغْفِرَ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۸﴾ [المائدة: ۱۱۸-۱۱۹].

«... مردمانی از اصحاب مرا به سمت چپ می‌برند، می‌گویم: اصحاب من، اصحاب من، می‌گویند: پس از آن که از آنان جدا شدی، همواره به عقب برمی‌گشتند، من همانند بنده‌ی نیکوکار خدا (عیسی علیه السلام) می‌گویم: «تا زمانی که میان آنها بودم، مراقب و گواشان بودم، ولی هنگامی که مرا از میانشان برگرفتی، تو خود مراقب آنها بودی، و تو بر هر چیز گواهی، اگر آنها را مجازات کنی، بندگان تواند و اگر آنان را ببخشی، توانا و حکیمی».

و در روایتی دیگر آمده است: «... ثُمَّ يُؤْخَذُ بِرِجَالٍ مِنْ أَصْحَابِي ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشَّمَالِ فَأَقُولُ أَصْحَابِي...».

«سپس مردانی از اصحاب مرا راست و چپ می‌برند، پس می‌گویم: اصحاب من...».

محمد بن یوسف می گوید: از ابوعبدالله از قبیصه نقل شده است که گفت: آنان کسانی هستند که در دوران ابوبکر رضی الله عنه مرتد شدند و ابوبکر رضی الله عنه با آنان جنگید.

در روایتی دیگر آمده است: «... بِرِجَالٍ مِنْ أُمَّتِي فَيُؤْخَذُ بِهِمْ ذَاتَ الشَّمَالِ، فَأَقُولُ يَا رَبِّ أَصِيْحَابِي...»^۱.

«... مردانی از امت مرا سمت چپ می برند، پس من می گویم: پروردگارا! اصحاب من هستند...».

بحث سوم: معنای ممانعت از حوض چیست؟

این احادیثی است که طعنه زندگان به صحابه‌ی رسول الله صلی الله علیه و آله پاک‌ترین افراد و بزرگان این امت، از آن استناد می کنند و نادانسته و یا با برداشت غلطشان، بهترین قرن تاریخ بشریت را لکه دار می کنند و با این عقیده‌ی فاسد خود و با به فراموشی سپردن عظمت و افتخاری که آنان برای این امت رقم زده اند، بنیان و تاریخ درخشان این امت، از دوران رسول الله صلی الله علیه و آله گرفته تا پایان دنیا را نابود می کند، مفاسدی که این سخن دربر دارد، فراتر از حصر و شمارش است و ما با عدالتخواهی و حق جویی و با توفیق الهی حق را با نقل گفتار علما در این زمینه بیان خواهیم نمود و از رد باطل با باطلی دیگر می پردازیم، زیرا عدالت بر همگان در مقابل هر کسی دیگر در همه حال واجب و ظلم و بیداد مطلقاً حرام است و تحت هیچ شرایطی مباح نخواهد بود.

علما رحمهم الله معنای ممانعت از حوض را بیان کرده اند و ما با توفیق خدای یگانه گوشه‌ای از گفتار آنان را نقل می کنیم تا مقصود روشن شود و رانده شوندگان نمایان گردند و از خدای متعال خواستاریم که ما را با روحیه‌ای علمی، حق طلب و حق گو و بیزار از جاهلان، بیاراید.

۱- بخاری، أحادیث الأنبياء: (۳۳۴۹) و (۳۴۴۷، ۴۶۲۵).

گفتار علما پیرامون ممانعت از حوض

امام نووی رحمته الله می‌گوید: «این از مواردی است که علما در تعیین مراد آن نظرهای متفاوتی دارند:

اول: این که منظور منافقان و مرتدان هستند که احتمال دارد با پاها و چهره‌هایی درخشان^۱ حشر شوند و رسول الله صلی الله علیه و آله به خاطر علامتی که دارند، آنان را صدا زند و به ایشان گفته شود که: اینان از گروهی که به شما وعده داده شده نیستند، زیرا پس از شما تغییر یافتند، یعنی بر اسلامی که به آن تظاهر می‌کردند، نمردند.

و دوم: منظور کسانی هستند که در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله بوده‌اند و پس از ایشان مرتد شده‌اند، گرچه سیمای درخشنده‌ای ندارند، چون که رسول الله صلی الله علیه و آله در حیات خویش آنان را مسلمان می‌دانسته‌اند، آنان را صدا می‌زدند و گفته می‌شود که: آنان پس از شما مرتد شده‌اند.

سوم: منظور گناهگاران هستند که به اصل توحید مرده‌اند و بدعت‌گرایی که بدعتشان آنان را از دایره‌ی اسلام خارج نکرده است.

بنابراین نظریه، آنهایی که از حوض رانده می‌شوند این، الزاماً به معنای جهنمی بودن آنان نیست، و امکان دارد که رانده شدن از حوض مجازات آنان باشد و پس از آن خداوند بر آنان رحم کند و بدون عذاب به بهشت ببرد،^۲ طرفداران این نظریه می‌گویند:

۱- به حدیث ابوهریره رضی الله عنه اشاره می‌کند که می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «امت من بر حوض وارد می‌شوند و من مردم را از حوض دور می‌کنم همان گونه که مردی شتران دیگران را از شتران خود جدا می‌کند، گفتند: یا نبی الله! آیا ما را می‌شناسید؟ فرمودند: آری شما سیمایی دارید که دیگران ندارند، شما با پاها و چهره‌هایی درخشان بر اثر وضو، بر من وارد می‌شوید، گروهی از شما از رسیدن به من بازداشته می‌شوید و من می‌گویم: یا رب! اینها اصحاب من هستند، فرشته‌ای بر مکن پاسخ می‌دهد که: می‌دانی که پس از شما چه کرده‌اند؟» مسلم، الطهارة: (۲۴۶-۲۴۹)

۲- بر اساس عقیده‌ی اهل حق که با ارتکاب مطلق گناه اهل قبله را تکفیر نمی‌کنند، الوسيلة ص: ۳۲.

بعید نیست که این افراد پاها و چهره‌هایی درخشان داشته باشند و نیز امکان دارد که آنان در زمان رسول الله ﷺ و یا پس از ایشان باشند و رسول الله ﷺ آنان را با سیمایشان بشناسند.

امام حافظ ابو عمر بن عبدالبر رحمه الله می‌گوید: «هر کس در دین بدعتی ایجاد کند امثال: خوارج، روافض و دیگر هواپرستان، از رانده شوندگان از حوض هستند، و همچنین ستم پیشه‌هایی که می‌کوشند حق را بپوشانند و آنهایی که علناً مرتکب گناه کبیره می‌شوند، بیم آن می‌رود که همه آنان منظور این حدیث باشند»^۱.

قرطبی رحمه الله می‌گوید: «علمای ما رحمهم الله می‌گویند: هر کس از دین برگردد و یا در آن بدعتی ایجاد کند که خداوند نه به آن راضی است و نه به آن اجازه داده است، از رانده شوندگان از حوض خواهد بود، و رانده‌تر آنهایی هستند که از جماعت مسلمانان کناره گرفتند و به راهی دیگر می‌روند، خوارج با فرقه‌های متعددشان، روافض با ضلالت‌های گوناگونشان، معتزله با گرایش‌ها متفاوتشان، همه آنان از کسانی هستند که تغییر ایجاد کردند و همچنین ظالمان ستم پیشه که می‌کوشند حق را نابود کنند و اهل آن را به قتل برسانند و مقهورشان سازند و آنهایی که علناً مرتکب گناه کبیره می‌شوند و معاصی را سبک می‌شمارند و همه‌ی گمراهان، هواپرستان و بدعتگرایان، و امکان دارد این طرد شدن فقط در یک حالتی باشد و در صورتی که تغییر ایجاد شده در اعمال باشد نه عقاید، پس از مغفرت الهی دوباره نزدیک گردند، با این احتمال، آنان با نور وضو شناخته می‌شوند و سپس گفته می‌شوند: دور شوید، و اگر از منافقان عصر رسول الله ﷺ باشند که به ایمان تظاهر می‌کردند و در دل کافر بودند، ابتدا با توجه به ظاهر، با آنان رفتار می‌شود و سپس پرده برداشته خواهد شد و آن‌گاه به آنان گفته می‌شود: دور شوید، و جز کافر باطل گرایی که به اندازه دانه خردلی نیز ایمان نداشته باشد، کسی دیگر برای همیشه در جهنم نمی‌ماند.

۱- مسلم با شرح نووی ۱۳۶/۳-۱۳۷.

بسا امکان دارد که مرتکبین گناه کبیره که از حوض نوشیده باشند، در صورتی که به جهنم بروند، با تشنگی عذاب نشوند، والله اعلم.

ترمذی^۱ از کعب بن عجره^{رضی الله عنه} روایت کرده است که می گوید: رسول الله ﷺ به من فرمود: «أَعِيذُكَ بِاللَّهِ يَا كَعْبُ بْنُ عُجْرَةَ مِنْ أُمَرَاءَ يَكُونُونَ مِنْ بَعْدِي فَمَنْ غَشِيَ أَبْوَابَهُمْ فَصَدَّقَهُمْ فِي كَذِبِهِمْ وَأَعَانَهُمْ عَلَى ظُلْمِهِمْ فَلَيْسَ مِنِّي وَلَسْتُ مِنْهُ وَلَا يَرُدُّ عَلَى الْحَوْضِ وَمَنْ غَشِيَ أَبْوَابَهُمْ أَوْ لَمْ يَغْشَ فَلَمْ يُصَدِّقْهُمْ فِي كَذِبِهِمْ وَلَمْ يُعِنْهُمْ عَلَى ظُلْمِهِمْ فَهُوَ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ وَسَيَرِدُّ عَلَى الْحَوْضِ...»^۲.

«ای کعب بن عجره! من تو را از امیرانی که پس از من می آیند، به خدا می سپارم، هر کس نزدشان برود و دروغشان را تصدیق کند و آنان را بر ستمشان یاری دهد، از من نیست و من از او نیستم و بر من سر حوض وارد نخواهد شد، هر کس نزدشان نرود و یا اصلاً نزدشان نرود، بر دروغشان را تصدیق نکند و بر ستم، آنان را یاری ندهد، او از من است و من از او و بر من سر حوض وارد خواهد شد.»

ابن هبیره^{رضی الله عنه} می گوید: «به نظر من قطعاً این احادیث راجع به آنهایی است که پس از رسول الله ﷺ مرتد شدند و از پرداخت زکات ممانعت ورزیدند و ابوبکر^{رضی الله عنه} با آنان جنگید و همچنین خوارج، همان اهل نهروان که صحابه امثال عثمان و علی^{رضی الله عنه} را تکفیر کردند و امثال این دو گروه و پیروان آنان»^۳.

و نیز می افزاید: «این حدیث قطعاً به آنهایی برمی گردد که پس از رسول الله ﷺ مرتد شدند و با انکار وجوب زکات از پرداخت آن، سرباز زدند و دلیل آن این که، هنگامی که رسول الله ﷺ رحلت فرمودند، آنان را به عنوان صحابی می شناختند بدین جهت، هنگامی که از میان برداشته می شوند می فرمایند: «أصحابي» آنگاه به ایشان گفته می شود: «نمی دانی

۱- ترمذی: (۶۱۴)، نسائی: (۴۲۱۸)، احمد: (۱۸۱۲۶) صححه الالبانی.

۲- التذكرة: ۴۶۴/۱-۴۶۵.

۳- الإفصاح ۲۰۱/۷-۲۰۲.

که پس از تو چه کرده‌اند» و حدیث: «تعرض علیّ أعمال أمتی»، «اعمال اتمم بر من عرضه می‌گردد»، با این توجیه هیچ تضادی ندارد، زیرا آنان بر اثر ارتداد از امت ایشان خارج گشته‌اند^۱ (و بدین جهت رسول الله ﷺ از اعمال آنان مطلع نشده‌اند)

عیاض رحمه می‌گوید: فرموده‌ی رسول الله ﷺ: «رجال من صاحبني». در روایت انس رحمه بر صحت تفسیر آن به اهل رده دلالت دارد، به این خاطر ایشان فرمودند: «سحقاً سحقاً». «دور شوید، دور شوید». زیرا رسول الله ﷺ به گناهکاران امت خویش چنین نمی‌فرمایند بلکه برایشان شفاعت می‌کنند و به آنان توجه می‌نمایند و از خداوند معتال می‌خواهند که آنان را مورد عفو و بخشش قرار دهد. و نیز گفته شده است که آنان دو صنف هستند، گروهی گناهکارانی هستند که از راه استقامت مرتد شدند و اعمال صالح را به اعمالی ناشایسته تبدیل کردند و گروهی دیگر آنانند که: با کافر شدن مرتد شدند و کلمه‌ی تبدیل شامل هر دو گروه می‌گردد»^۲.

ابن حجر رحمه از فربری نقل نموده است که: از ابو عبدالله بخاری از فیصه روایت شده است که، آنان کسانی هستند که در دوران ابوبکر رحمه از دین برگشتند و ابوبکر رحمه با آنان جهاد کرد، تا این که کشته شدند و بر کفر مردند، اسماعیلی این روایت را از طریقی دیگر، متصلاً از قبیصه آورده است. خطابی می‌گوید: هیچ کس از صحابه از دین برنگشتند، و آنان که مرتد شدند، گروهی از بادیه نشینان سخت دل بودند که هیچ نقشی در یاری دین نداشتند و این امر هیچ گونه ایرادی بر صحابه مشهور وارد نمی‌کند، و لفظ: «اصیحابی» با تصغیر دلالت بر اندک بودن آنان دارد، و نیز گفته شده است که مراد همان کفر است و منظور از «أمتی» امت دعوت است نه امت اجابت و حدیث ابوهریره رحمه «فأقول: بعداً لهم وسحقاً». سبب ترجیح آن است و این نکته که رسول الله ﷺ از حال آنان

۱- الإفصاح ۲/۲۱۲.

۲- اكمال المعلم: ۵۱/۲، ۲۶۹/۷.

اطلاع پیدا نکردند، این احتمال را تأیید می‌کند، زیرا اگر از امت اجابت می‌بودند، رسول الله ﷺ از حال آنان آگاه می‌شدند، زیرا اعمال آنان بر ایشان عرضه می‌گردد، البته جمله‌ی: «حتی إذا عرفتهم». در حدیث انس و ابوهریره رضی الله عنهما این نظریه را رد می‌کند.

ابن التین می‌گوید: شاید آنان منافقان و یا مرتکبین گناهان کبیره باشند و نیز گفته شده است که: آنان گروهی از اعراب سخت دل هستند که از روی بیم و یا امید به اسلام گرویده‌اند.

داودی می‌گوید: «بعید نیست که اصحاب کبایر و بدعت‌گرایان، از آنان باشند»، سپس ابن حجر رحمته الله، قول سابق نووی رحمته الله را نقل کرده و افزوده است: «عیاض و باجی و دیگران قول قبیصه راوی حدیث را ترجیح داده‌اند که می‌گوید: آنان کسانی هستند که پس از رسول الله ﷺ مرتد شدند، و از شناختن آنان، لازم نمی‌آید که حتماً آنان دارای سیمای مسلمانان باشند، زیرا آن سیمای تکریمی است برای مسلمانان که به وسیله‌ی آن، اعمالشان نمایان می‌شود اما مرتد هر عملی که داشته حبیط شده است، و امکان دارد که رسول الله ﷺ شخص آنان را بدون سیمای مخصوص، بر اساس همان حالتی که قبل از ارتداد داشته‌اند، بشناسند، و بعید نیست که منافقان زمان رسول الله ﷺ را نیز شامل باشد، همان گونه که در حدیث شفاعت آمده است: «وَتَبَقَى هَذِهِ الْأُمَّةُ فِيهَا مُنَافِقُوهَا»^۱. که دلالت بر آن دارد که منافقان نیز همراه با مؤمنان حشر می‌شوند و رسول الله ﷺ شخص آنان را ولو این که سیمای مخصوص را نداشته باشند، می‌شناسند و هر کسی را که بشناسند بنا به همان حالتی که پیش از وفات ایشان، داشته‌اند، آنان را صدا می‌زنند، برخی بعید می‌دانند که اهل بدعت مشمول این حدیث باشند، زیرا در حدیث به: «أَصْحَابِي» تعبیر شده است و اهل بدعت پس از آنان پدید آمده‌اند، این اشکال چنین پاسخ داده شده است که: صحبت به معنای عام آن، حمل می‌گردد، و گروهی نیز از این جهت آن را بعید دانسته‌اند که

۱- بخاری، الاذان: (۸۰۶)، مسلم، الایمان: (۱۸۲).

مسلمان، گرچه مبتدع باشد، به او «سحقاً» گفته نمی‌شود،^۱ به آن پاسخ داده شده است که: کسی که به خاطر ارتکاب معصیتی محکوم به عذاب شده است و بعداً با شفاعت نجات پیدا می‌کند، اشکالی ندارد که به او گفته شود: «سحقاً» و همانند مرتکبین گناه کبیره، «سحقاً» به معنی سپردن آنان به حکم الهی، همراه با آمدن نجات است، بیضاوی می‌گوید: لفظ: «مرتدین» قطعاً دلالت بر ارتداد از اسلام ندارد و فقط یکی از احتمالات است و نیز احتمال دارد که منظور، مؤمنان گناهکاری باشند که از راه استقامت برگشته و اعمال صالح خویش را با اعمال ناشایسته آمیخته‌اند.

ابویعلی با سندی حسن، از ابوسعید رضی الله عنه روایت نموده است که می‌گوید: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «یا ایها الناس إني فرطكم على الحوض فإذا جئتم قال رجل: يا رسول الله أنا فلان بن فلان، وقال آخر: أنا فلان بن فلان، فأقول: أما النسب فقد عرفته ولعلكم أحدثتم بعدي وارتددتم».^۲ «ای مردم! من پیش از شما بر حوض می‌رسم، وقتی شما می‌آید، مردی می‌گوید: من فلانی فرزند فلانی هستم و دیگری می‌گوید: من فلانی فرزند فلانی هستم، آنگاه من می‌گویم: نسب شما را که می‌دانم، لابد شما پس از من بدعت ایجاد کردید و مرتد شده‌اید». احمد و بزار شبیه آن را از جابر روایت کرده‌اند.^۳

عینی رحمته الله به نقل از کرمانی می‌گوید: «آنان یا مرتدان هستند و یا گناهکاران».^۴

۱- قرار دادن اهل بدعت از مطرودین بیان شده در حدیث برگرفته از لفظ: «اصحابی» نیست، بلکه برگرفته از لفظ: «أحدثوا بعدك» و معنای عام لفظ: «أمتی» است، ابن اثیر در النهایه ص: ۱۹۲ می‌گوید: الحدث: پدیده‌ی جدید و ناپسندی است که در سنت از آن سراغی نباشد، و المحدث: همان پدیده جدید است و به همین معنی در حدیث آمده است: «إياكم ومحدثات الأمور» محدثات: جمع مُحدثَة است و به چیزی گفته می‌شود که در قرآن و سنت و اجماع شناخته شده، نباشد.

۲- ابویعلی: (۱۲۳۳)، طرابلسی: (۲۳۳۵)، احمد: (۱۱۱۳۸) و محقق آن گفته است: صحیح لغیره.

۳- فتح الباری ۱۱/۴۶۸ - ۴۶۹.

۴- عمدة القاری ۲۳/۲۰۶.

و در توضیح: «فَلَا أُرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ إِلَّا مِثْلُ هَمَلِ التَّعَمِّ». می‌گوید: «یعنی: فقط افراد اندکی از آنان از جهنم نجات می‌یابند و این مطلب می‌رساند که آنان، دو گروهند: کارفان و گناهکاران»^۱.

شاطبی رحمته الله درباره‌ی حدیث: «فليذادن رجال عن حوضي...» می‌گوید: برخی از علما آن را بر اهل بدعت حمل کرده‌اند و گروهی دیگر بر مرتدان از اسلام. از حدیث یزید الرقاشی که خیشمه بن سلیمان آن را روایت کرده است، بر می‌آید که آنان اهل بدعت هستند، می‌گوید: از انس بن مالک رضی الله عنه پرسیدم که: نزد ما گروهی هستند که ما را کافر و مشرک می‌دانند و حوض و شفاعت را تکذیب می‌کنند، آیا درباره‌ی آنان از رسول الله صلی الله علیه و آله چیزی شنیده‌ای؟ گفت: آری، از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: پرده‌ی میان بنده و کفر و شرک، ترک نماز است، هر کس آن را ترک کند، کافر است و حوض من به اندازه‌ی ایله تا مکه است... گروهی با لب‌های خشکیده بر آن وارد می‌شوند، و یک قطره هم از آن نمی‌نوشند، هر کس امروز آن را تکذیب کند، در آن روز از آن نخواهد نوشید».

این حدیث دلالت بر آن دارد که آنان، از اهل قبله هستند، و کافر خواندن مسلمانان از صفات خوارج و تکذیب حوض از صفات معتزله و دیگران است.

اضافه بر آن، لفظ «أَلا هَلُمَّ»^۲. در حدیث مؤطا نیز بر همین مطلب دلالت می‌کند، زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله آنان را با درخشندگی پیشانی و پاها که از ویژگی‌های این امت هستند، می‌شناسند، بنابراین اگر آنان از این امت نمی‌بودند، رسول الله صلی الله علیه و آله با علامت مذکور آنان را نمی‌شناختند. سپس شاطبی حدیث سابق ابن عباس رضی الله عنهما را آورده است که در آن آمده بود: «فَيَقَالُ هَؤُلَاءِ لَمْ يَزَالُوا مُرْتَدِّينَ عَلَى أَعْقَابِهِمْ مُنْذُ فَارَقْتَهُمْ». «و می‌گوید: احتمال دارد

۱- عمدة القاري ۲۳/۲۱۴.

۲- مؤطا، الطهارة، (۶۲)، مسلم: (۲۴۹).

که منظور این حدیث همانند حدیث موطاء، اهل بدعت باشند، و نیز احتمال دارد که منظور کسانی باشند که پس از رسول الله ﷺ مرتد شده‌اند»^۱.

ابن العربی در شرح حدیث سابق می‌گوید: «... اگر گفته شود: چگونه آنان با آن که دارای درخشندگی وضو هستند، به آنان گفته می‌شود: سحفاً؟ در پاسخ می‌گوییم: این دو احتمال دارد، یکی این که: آنان در یک وضعیت رانده می‌شوند و در وضعیتی دیگر، پس از مغفرت دوباره راه داده می‌شوند، البته این در صورتی است که ایجاد تبدیل در اعمال باشد نه در عقاید. و نیز گفته شده است که: آنان منافقانی هستند که ظاهراً مسلمان و در باطن کافر بوده‌اند، ابتدا به هر کدامشان نوری داده می‌شود و گمان می‌کنند که به مرتبه‌ای رسیده‌اند، آنگاه پرده برداشته می‌شود و حقیقت آشکار می‌گردد» و می‌گوید: حدیث: «فلizardن رجال عن حوضی» معجزه‌ای است، زیرا از دو چیز خبر می‌دهد، یکی: تغییر و تبدیلی است که پس از وفات ایشان در مردم ایجاد می‌شود، دوم: اتفاقی که در قیامت می‌افتد و کسی غیر از او، آن را نمی‌داند»^۲.

زرقانی به نقل از باجی رحمهما الله می‌گوید: «احتمال دارد که منافقان و مرتدان و هر کس وضو بگیرد با درخشش پیشانی و پاها حشر شوند، و به این خاطر رسول الله ﷺ آنان را صدا می‌زند، اگر این سیما مخصوص مؤمنان می‌بود، آنان را به گمان این که از امت وی هستند، صدا نمی‌زدند و نیز احتمال دارد که منظور کسانی هستند که رسول الله ﷺ را دیده‌اند و پس از ایشان تغییر کرده‌اند و مرتد شده‌اند و رسول الله ﷺ با توجه به شناخت قبلی ولو این که درخشندگی پیشانی و پا نداشته باشند، و به صرف این که در حیات ایشان به نام مسلمان شناخته می‌شده‌اند، آنان را صدا می‌زند، عیاض می‌گوید: نظر اول وجیه‌تر است، روایت شده است که ابتدا به منافقان نور داده می‌شود و وقتی که به آن نیاز پیدا می‌کنند، خاموش می‌شود، پس همان گونه که خداوند با توجه به ایمان ظاهری‌شان

۱- الاعتصام ۹۶/۱ - ۹۸.

۲- القیس ۱۲۷/۱.

به آنان نور می‌دهد و هنگام نیاز بر پل صراط، خاموش می‌شود، بعید نیست که پیشانی و پاهایشان نیز درخشنده باشد و هنگام نیاز و رفتن سر حوض، به منظور عذاب و تمسخر از آن رانده شوند.

داودی می‌گوید: دلیلی وجود ندارد که رانده شوندگان از حوض حتماً جهنمی هستند، بلکه احتمال دارد که در یک مرحله رانده شوند و دچار سختی گردند و به آنان گفته شود: سحراً، و سپس مورد لطف و رحمت خداوند و شفاعت رسول الله ﷺ قرار گیرند. عیاض و باجی می‌گویند: گویا آنان را از جمله‌ی مؤمنان مرتکب گناه کبیره می‌داند و عیاض افزوده است: و یا از بدعتی‌هایی هستند که از دایره اسلام خارج نگشته‌اند، و دیگران می‌گویند: بنابراین بعید نیست که آنان نیز دارای درخشندگی پیشانی و پاها باشند، زیرا آنان از مسلمانان شمرده می‌شوند.^۱

این است اقوال علما درباره‌ی معنای راندن از حوض و کسانی که رانده می‌شوند، و خلاصه‌ی آن چنین است:

- ۱- آنان منافقانی هستند که در عهد رسول الله ﷺ به اسلام تظاهر می‌کردند.
- ۲- آنان کسانی هستند که پس از رسول الله ﷺ مرتد شدند و ابوبکر صدیق رضی الله عنه با آنان جهاد کرد و با کفر از دنیا رفته‌اند.
- ۳- آنان گناهکاران و مرتکبان کبایر هستند که با موحد در گذشته‌اند.
- ۴- آنان اهل بدعت و هواپرستانی هستند که با بدعتشان از دین خارج نگشته‌اند، و یا آنهایی که با بدعتشان از اسلام خارج شده‌اند.
- ۵- آنان حکام و والیان ستمگری هستند که در ظلم و نابود کردن حق و کشتن اهل آن، از حد گذشته‌اند و همچنین کسانی که با آنان همکاری کرده‌اند، آنان گرچه از جمله‌ی گناهکاران و اهل معاصی هستند، به خاطر شر عظیمی که برای مسلمانان دارند، در حدیث، مخصوصاً از آنان یاد شده است.

۱. شرح الزرقانی ۹۷/۱ - ۹۸.

۶- آنان منافقان و مرتدان امت رسول الله ﷺ در اعصار مختلف هستند.

۷- آنان کافران هستند، (آن گونه که خواهد آمد)

برخی از علما گفته‌اند که دو نوع ممانعت از حوض، وجود دارد:

اول: ممانعت عام: که شامل همه امت‌های دیگر می‌باشد که به منظور راهنمایی آنان، انجام می‌گیرد تا به حوض‌های پیامبران خود بروند، همان گونه که رسول الله ﷺ فرمودند: «من مردم را از آن می‌رانم، همان گونه که شخصی شتران دیگران را از حوض خود می‌راند» ابن حجر رحمته الله می‌گوید: حکمت ممانعت مذکور آن است که رسول الله ﷺ می‌خواهند هر شخصی را به حوض خودش راهنمایی کنند، همان گونه که قبلاً گذشت که هر پیامبری حوضی دارد و همه به کثرت پیروان خود افتخار می‌کنند، پس این نشانه‌ی انصاف ایشان و رعایت حقوق دیگر پیامبران است نه این که از روی بخل آنان را برانند و نیز احتمال دارد، کسانی را که صلاحیت نوشیدن از حوض را ندارند، برانند، والله اعلم^۱.
دوم: ممانعت خاص: که مخصوص مردمانی مشخص از امت رسول الله ﷺ می‌باشد، همان گونه که در احادیث گذشته آمده بود: امثال: «مِنِّي وَمِنْ أُمَّتِي...». و غیره، والله أعلم.

شاید همه، جزو کسانی باشند که از حوض رانده می‌شوند، و احادیث گرچه عموماً بالفظ: «أصحابي»، «منکم» آمده‌اند، اما الزاماً بر تخصیص زمان رسول الله ﷺ دلالت نمی‌کنند، بلکه بنا بر اشاره برخی از نصوص، شامل تمام امت تا قیام قیامت خواهد بود، والله اعلم.

بحث چهارم: الفاظی که مخالفان از آن استدلال می‌کنند

در احادیث حوض برخی از الفاظی را که بدخواهان و هواپرستان برای طعن اصحاب رسول الله ﷺ، آن را دستاویز خود قرار داده‌اند مشاهده کردید، آنان گاه با صراحت و گاه

۱- فتح الباری ۵۷۷/۱۱.

با کنایه به این کار پرداخته‌اند، اگر آنان براساس اصول علمی این کار را می‌کردند، زشتی کارشان قابل توجیه بود و ما می‌گفتیم: صاحب آن مجتهدی است که به حقیقت رسیده و یا به خطا رفته و معذور است! اما ناگاه با کاری ناجوانمردانه و دور از واقعیت‌های تاریخی مواجه شدیم و دریافتیم که طعن آنان بر برخی گمان‌ها و تخمین‌ها بی‌اساس، استوار است.

آن الفاظ عبارتند از:

«منکم - أصحابی - أصیحابی - ممن صاحبینی - عرفتهم - أعرفهم و یعرفونی - منی - أحدکم - فلا أراه یخلص منهم إلا مثل همل النعم».

این‌ها الفاظی است که بدخواهان و طعنه‌زنندگان، به آن استدلال کرده‌اند و آن را شاخ و برگ داده‌اند که بحمدالله هیچ دستاویزی برای آنان، ندارد، و برای شما منظور آن را بیان می‌کنیم و خواهید دید از آن چه طعنه‌زنندگان می‌گویند بسیار بعید است، و پس از آن از دو راه باید یکی را بپذیرند و راه سومی در کار نخواهد بود. یا به حق باز گردند و دلایل شرعی و عقلی را بپذیرند و واقعیت را آن‌گونه که هست دریابند و این عاقلانه‌ترین کار است.

و یا این که باز هم در تضاد موجود میان میراث کاسدشان با نصوص قرآن و سنت و تاریخ سراسر افتخار و آثار جاویدان صحابه علیهم‌السلام که تا دنیا هست باقی خواهد ماند، بمانند، و اجتماع ضدین (مدح و ذم درباره‌ی آنان ممتنع لذاته است!! آن هم پس از تزکیه و تعریف خدا و رسول از آنان و اجماع امت بر آن.

ولاً، لفظ: (أصحابی - أصیحابی - ممن صاحبینی).

صحبت: اسم جنسی است که از نظر شرعی و لغوی برای آن حد و مرز مشخصی تعیین نشده است و در این زمینه عرف متفاوت است.

درباره تعریف آن چندین نظریه وجود دارد، و تعریف مستند آن از این قرار است: صحابی کسی است که با ایمان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را ملاقات کرده باشد و با ایمان از دنیا برود،

چه آن ملاقات کوتاه باشد و یا طولانی، این نظر جمهور علما است^۱.
 رسول الله ﷺ صحبت را به شرطی مقید نفرموده‌اند و برای آن حدی مشخص نکرده‌اند
 بلکه آن را مطلق بیان فرموده‌اند و مطلق آن همان رؤیت محض است، زیرا ایشان
 فرمودند: «طوبی لمن رآني وطوبی لمن رأى من رأني...»^۲.

«خوشا برای آن که مرا دیده و یا کسی که مرا دیده، ملاقات کرده است».
 در این حدیث رسول الله ﷺ صحبت را به رؤیت مطلق معلق فرموده‌اند، و می‌دانیم که
 برخی از صحابه مدتی طولانی و برخی دیگر مدتی کوتاه، در خدمت ایشان بوده‌اند.
 و گاه مراد از صحبت، معنای لغوی آن، یعنی: معاشرت و ملازمت و مراقت است و
 طولانی و یا کوتاه بودن مدت، در آن نقشی ندارد^۳ و این نکته در قرآن و حدیث و کلام
 عرب شواهد بسیاری دارد.

مثلاً خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ﴾ [التکویر: ۲۲]. ﴿وَصَاحِبُهُمَا فِي
 الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾ [لقمان: ۱۵]. و بسیاری آیات دیگر و این شامل هر نوع مصاحبت می‌باشد،
 چه طولانی و یا کوتاه.

و آن گونه که می‌فرماید: ﴿كَمَا لَعَنَّأَصْحَبَ السَّبْتِ﴾ [النساء: ۴۷]. چون آنان در روز
 شنبه مرتکب آن کار ناشایسته شدند، خداوند آنان را اصحاب السبت نامید، و جایی دیگر
 می‌فرماید: ﴿فَأَنجَيْنَاهُ وَأَصْحَبَ السَّفِينَةِ﴾ [العنکبوت: ۱۵]. در حالی که آنان فقط مدت
 سفر در کشتی بودند، اما باز هم آنان را اصحاب السفینه نامید.

و آشکارتر از همه آیه‌ی: ﴿فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ﴾ [الكهف: ۳۴]. است که
 خداوند متعال با وجود متفاوت بودن دین که موجب عداوت است، او را صاحب نامیده

۱- النکت ص: ۱۴۹، الباعث الحثیث ص: ۱۶۹، تدریب الراوی ۶۶۷/۲، منهاج السنة ۳۸۳/۸.

۲- حاکم: (۶۹۹۴) نکا: الصحیح: (۱۲۵۴).

۳- لسان العرب ۲۸۶/۷، القاموس ص: ۹۶۴.

است و هم چنین است آیه‌ی: ﴿يَصْلَحِي السَّجْنَ﴾ [یوسف ۳۹].

اما در حدیث:

در حدیث هجرت وارد شده است که ابوبکر صدیق رضی الله عنه گفت: «الصَّحَابَةُ بِأَبِي أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ»^۱. ابن حجر رحمته الله در توضیح آن می‌گوید: «یعنی: همراهی را می‌طلبم». و نیز روایت شده است که فرمودند: «فِي أَصْحَابِي اثْنَا عَشَرَ مُنَافِقًا فِيهِمْ ثَمَانِيَةٌ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلْجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ»^۲.

نووی رحمته الله درباره‌ی لفظ «أَصْحَابِي» می‌گوید: یعنی: «کسانی که به صحبت من منسوب هستند آن گونه که در روایت دیگر «فِي أُمَّتِي» آمده است».

و این که فرمودند: «أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِأَشَدَّ حَرًّا مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ هَذَيْنِكَ الرَّجُلَيْنِ الرَّكَبَيْنِ الْمُقَقَّيْنِ. لِرَجُلَيْنِ حِينَئِذٍ مِنْ أَصْحَابِهِ»^۳.

نووی رحمته الله می‌گوید: «آن دو نفر را به این جهت از اصحاب خویش بر شمردند که تظاهر به اسلام می‌کردند و همراه ایشان بودند، نه این که فضیلت صحبت را یافته‌اند».

هیچ کس در این باره سخنی ندارد که رسول الله صلی الله علیه و آله منافقان را دیده و آنان نیز ایشان را دیده‌اند، رسول الله صلی الله علیه و آله آنان را می‌شناخته و آنان نیز ایشان را می‌شناخته‌اند، رسول الله صلی الله علیه و آله با آنان اجتماع فرمودند و اشخاص و نسب آنان را می‌دانستند، صحبت آنان یک صحبت لغوی به معنای معاشرت و همراهی و دیدار محض بوده است نه به قصد ایمان و اطاعت، این مطلب را عرب‌ها که صاحب زبانند کاملاً می‌دانند.

این مطلب و احادیثی که خواهد آمد، این نظر را ترجیح می‌دهند که منظور از آنان (رانده شوندگان از حوض)، همان مرتدان هستند که جزو صحابه نیستند و واژه‌ی

۱- بخاری - مناقب الانصار، ۳۹۰۵ و نگا: فتح الباری ۲۹۴/۷.

۲- مسلم، صفات المنافقين و احکامهم (۲۷۷۹) نگا: شرح مسلم، نووی ۱۲۴/۱۷.

۳- مسلم، صفات المنافقين و احکامهم (۲۷۸۳)، شرح نووی، ۱۲۸/۱۷، اکمال المعلم ۳۱۳/۸.

صحبت و حقیقت شرعی آن، شامل حال آنان نمی‌گردد، به این جهت رسول الله ﷺ به عمر بن خطاب رضی الله عنه که می‌خواست عبدالله بن ابی بن سلول را، رئیس منافقان را به قتل برساند، فرمودند: «دعه، لا يتحدث الناس أن محمداً يقتل أصحابه»^۱ «رهايش كن، مبادا مردم بگویند: محمد اصحاب خود را به قتل می‌رساند».

ابن حجر رحمه الله می‌گوید: اصحابه یعنی «اتباعه» و نووی رحمه الله می‌گوید: «زیرا منافقان از صحابه‌ی رسول خدا ﷺ شمرده می‌شدند»^۲. در صورتی که تاکنون هیچ کس نگفته است که ابن سلول صحابی رسول الله ﷺ بوده است!

شیخ الاسلام رحمه الله می‌گوید: «بدیهی است که کلمه (الصاحب) در لغت به معنی کسی است که با دیگری همراه شده است خود لفظ هیچ گونه دلالتی بر دوستی و یا دشمنی، مسلمان و یا کافر بودن، ندارد، مگر این که قراین دیگری گویای آن باشد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾ [النساء: ۳۶]. و کلمه الصاحب هم رفیق سفر را در بر می‌گیرد و هم همسر را، و هیچ دلالتی بر ایمان و کفر ندارد، و هم چنین می‌فرماید:

﴿وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ۝ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ۝﴾ [النجم: ۱-۲]. و می‌فرماید: ﴿وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۝﴾ [التکویر: ۲۲].

منظور از آن رسول الله ﷺ هستند، زیرا ایشان با مردم مصاحبت و همراهی نموده‌اند، و از این جهت میان ایشان و مردم هماهنگی و مشارکتی حاصل شده است که به مردم امکان می‌دهد که وحی را از ایشان دریافت کنند و سخنان ایشان را بشنوند و معنای آن‌را بفهمند، اما فرشته با مردم همراه نبوده است تا بتوانند سخنی از وی دریافت کنند... اما در جایی که «صحبت» به ایشان مضاف شده است، مانند آیه‌ی: ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾

۱- بخاری التفسیر: (۴۹۰۵ - ۴۹۰۷)، مسلم (۲۵۸۴).

۲- نووی شرح مسلم ۱۳۹/۱۶، فتح الباری ۸۲۸/۸.

[التوبة: ۴۰]. «غم مخور خدا با ماست». و حدیث: «لَا تَسُبُّوا أَصْحَابِي». «اصحاب مرا بد نگویند»، صحبت و همراهی، موالات و دوستی را می‌رساند و این بدون ایمان داشتن به رسول الله ﷺ ممکن نیست.

در ادامه می‌گوید: «صحبت عموم و خصوص دارد، مثلاً گفته می‌شود که: با فلانی یک ساعت، روز، ماه و یا سال همراهی و مصاحبت کرده و یا یک عمر همراه و مصاحب او، بوده است، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالصَّاحِبِ بِالْجَنِّبِ﴾ [النساء: ۳۶]. در تفسیر آن گفته شده که: منظور از آن رفیق سفر است و همسر نیز گفته شده است، همراهی این هر دو، گاه کوتاه و گاه طولانی می‌شود، خداوند متعال همسر را «صاحبه» نامیده است، آن‌جا که می‌فرماید:

﴿أَنِّي يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةً وَخَلَقْتُ كُلَّ شَيْءٍ﴾ [الأنعام: ۱۰۱]. «چگونه ممکن است فرزندی داشته باشد، حال آن که همسری ندارد».

بی‌تردید محض دیدن یک انسان، به معنای مصاحبت و همراهی او نیست، مگر در صورتی که با اتباع و پیروی از وی، او را دیده باشد و به او اختصاص یافته باشد^۱. بنابر این، تعبیر «اصحابی، ممن صاحبینی» که در احادیث حوض وارد شده است بر معنای لغوی و عام که از نظرتان گذشت، حمل می‌گردد، زیرا حمل نمودن آن بر معنای شرعی به معنای منهدم کردن دین از بنیاد است و آن هم بدون دلیل!! و کلمه‌ی (اصحابی) که تصغیر است، همان‌گونه که می‌دانید، بر قلت دلالت می‌کند، و این بدان معناست که افرادی که از حوض رانده می‌شوند، (آن‌گونه که توضیح خواهیم داد) اندک هستند.

ثانیاً: کلمه‌ی: «أعرفهم، يعرفوني - عرفتهم»:

معرفت و شناختی که کلمات فوق به آن اشاره می‌کند یا معرفت اوصاف است و یا

۱- منهاج السنة النبویة ۳۸۲/۸-۳۸۲-۳۸۸، ۴۷، با اندکی تصرف.

معرفت اعیان، این نکته در احادیث بیان شده است، معرفت اوصاف مانند حدیث ابو هریره رضی الله عنه که می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «تَرِدُ عَلَى أُمَّتِي الْحَوْضَ وَأَنَا أَذُودُ النَّاسَ عَنْهُ كَمَا يَذُودُ الرَّجُلُ إِبِلَ الرَّجُلِ عَنْ إِبِلِهِ. قَالُوا يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَتَعْرِفُنَا قَالَ نَعَمْ لَكُمْ سِيَمًا لَيْسَتْ لِأَحَدٍ غَيْرِكُمْ تَرِدُونَ عَلَى غُرِّا مُحَجَّلِينَ مِنْ آثَارِ الْوُضُوءِ»^۱. و سیمای وضوء مخصوص صحابه رضی الله عنهم نیست، بلکه برای همه‌ی امت رسول الله صلی الله علیه و آله است که این ویژگی مبارک را دارند،

و معرفت اعیان مانند حدیث ابو سعید رضی الله عنه که در آن آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَا بَالُ رِجَالٍ يَقُولُونَ إِنَّ رَحِمَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَا تَنْفَعُ قَوْمَهُ بَلَى وَاللَّهِ إِنَّ رَحِمِي مَوْصُولَةٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَإِنِّي أَتِيهَا النَّاسُ فَرَطَ لَكُمْ عَلَى الْحَوْضِ فَإِذَا جِئْتُمْ قَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ وَقَالَ آخَرُنَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ قَالَ لَهُمْ أَمَّا النَّسَبُ فَقَدْ عَرَفْتُهُ وَلَكِنَّكُمْ أَحَدْتُمْ بَعْدِي وَارْتَدَدْتُمْ الْقَهْقَرَى».

«چرا مردانی می‌گویند: خویشاوندی رسول الله صلی الله علیه و آله، برای قوم ایشان سودی ندارد، آری والله، رشته‌ی خویشاوندی من در دنیا و آخرت برقرار است، ای مردم! من سر حوض پیشواز شما هستم، شما که می‌آیید، یکی می‌گوید: یا رسول الله! من فلانی فرزند فلانی هستم و دیگری می‌گوید: من فلانی فرزند فلانی هستم، می‌گویم: نسب شما را که می‌شناسم، اما شما پس از من بدعت‌گذاری کردید و به قهقرا باز گشتید».

می‌بینیم که رسول الله صلی الله علیه و آله امت خویش را با آثار وضوء غره و تحجیل می‌شناسند و آنان نیز رسول الله صلی الله علیه و آله را می‌شناسند، و امت‌های دیگر این علامت را ندارند، به این خاطر رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَعْرِفْهُمْ وَيَعْرِفُونِي». «من آنان را می‌شناسم و آنان مرا». و جمله‌ی: «هَلْ شَعَرْتَ مَا عَمِلُوا بَعْدَكَ». «می‌دانی که پس از تو چه کرده‌اند». گویای این است که رسول

الله ﷺ اشخاص آنها را نمی‌شناسند، گرچه با علامتی که دارند می‌دانند که از امت وی هستند،

و آن‌گونه که قبلاً بیان شد، شاید منظور معرفت عینی و شخصی با شناخت نسب باشد، این احتمال، نظریه‌انمایی را که رانده شوندگان از حوض را، مرتدان می‌دانند، تقویت می‌کند، همان مرتدانی که ابوبکر صدیق رضی الله عنه پس از رحلت رسول الله ﷺ با آنان جهاد کرد، زیرا رسول الله ﷺ را به گونه‌ای خطاب می‌کنند که، آنان را پیش از رحلت خویش می‌شناخته است.

خلاصه: این‌که، در این کلمه هیچ دستاویزی علیه صحابه رضی الله عنهم نیست و این احادیث تمام امت رسول الله ﷺ را در بر می‌گیرند. والله الموفق.

ثالثاً: کلمه‌ی: (مَنِي، مِنْكُمْ، أَحَدَكُمْ):

در جمله‌ی: «وَلَيُرْفَعَنَّ رِجَالُ مِنْكُمْ». و «فَأَقُولُ: يَا رَبِّ مَنِي وَمِنْ أُمَّتِي». که رسول الله ﷺ فرمودند.

این الفاظ صراحتاً دلالت بر این دارند که منظور از آن افراد، عموم امت هستند نه فقط معاصران و اصحاب رسول الله ﷺ، زیرا فرمودند: «مَنِي وَمِنْ أُمَّتِي». «از من و امت من هستند». منظور تمام امت به همراه منافقان هستند، آن‌گونه که در حدیث آمده است: «يُخْشَرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَيَقُولُ مَنْ كَانَ يَعْبُدُ شَيْئًا فَلْيَتَّبِعْ. فَمِنْهُمْ مَنْ يَتَّبِعُ الشَّمْسَ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَتَّبِعُ الْقَمَرَ وَمِنْهُمْ مَنْ يَتَّبِعُ الطَّوَاغِيتَ، وَتَبَقَى هَذِهِ الْأُمَّةُ فِيهَا مُنَافِقُوهَا»^۱.

«مردم در روز قیامت محشور می‌گردند، می‌گویند: هرکس چیزی را می‌پرستیده است، دنبال آن برود، بعضی در پی خورشید و برخی در پی ماه و برخی در پی طاغوت‌ها می‌روند و این امت با منافقانی که دارد، می‌مانند».

نووی رحمته الله می‌گوید: «برخی از علما می‌گویند که: آنهایی که از حوض رانده می‌شوند،

۱- بخاری، الصلوة: (۸۰۶)، مسلم، الايمان: (۱۸۲)

همانند منافقان هستند که به آن گفته می‌شود: سَحَقًا سَحَقًا^۱.

احادیث رسول الله ﷺ یکدیگر را تصدیق می‌کنند، پس این الفاظ بر آنچه قبلاً گذشت: «اعرفهم...» و «أصحابي...» حمل می‌شود، بنابراین، منظور از آن، یا معرفت اوصاف و همان درخشندگی پا و پیشانی است که آنان را جرو امت قرار داده است و یا معرفت نام و شخص آنان است که در دنیا رسول الله ﷺ آنان را به آن نام می‌شناخته‌اند. اما جمله: «فَإِيَّايَ لَا يَأْتِيَنَّ أَحَدُكُمْ فَيُدَبِّعَنِي». «مبادا کسی از شما بیاید و از من رانده شود...». در سیاق تحذیر آمده است که رسول الله ﷺ اصحاب خویش را از بازگشت بیم داده‌اند و آنان را به استقامت و پایداری بر دین تشویق فرموده‌اند و این نشان کمال محبت و شفقت با آنان است، این خطاب گرچه به صحابه ﷺ است اما برای تمام امت عام است، زیرا عبرت به عموم لفظ است نه به سبب مخصوص.

این اسلوب در کلام شارع حکیم رواج دارد، خداوند متعال به پیامبرش می‌فرماید: ﴿يَأْتِيهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ﴾ [الأحزاب: ۱]. «ای پیامبر! از خدا بترس و از کافران و منافقان پیروی مکن».

ابن کثیر رحمه الله می‌گوید: «این تنبیه بالاعلی، علی الادنی است، خداوند متعال که پیامبرش را چنین دستور می‌دهد، دیگران به طریق اولی باید آن دستور را به جا آورند»^۲.
شیخ الاسلام رحمه الله می‌گوید: «نهی از یک چیز، دلیل وقوع آن نیست، بلکه گویای آن است که آن کار برای آن شخص ممنوع است، تا آن کار در آینده رخ ندهد- و پس از ذکر آیه‌ی سابق می‌گوید: - این، دلالت بر این مطلب ندارد که رسول الله ﷺ از آنان پیروی می‌کرده‌اند»^۳.

۱- مسلم، شرح نووی ۱۹/۳.

۲- تفسیر القرآن العظیم ۶/۶۱۴.

۳- منهاج السنة النبویة ۴۵۷/۸.

خطاب رسول الله ﷺ در احادیث حوض، براین محمل باید حمل گردد و هم چنین حدیث: «إِيَّاكُمْ وَالْجُلُوسَ عَلَى الطَّرْفَاتِ»^۱. «از نشستن سر راهها بپرهیزید...». و بسیاری دیگر از احادیث که بر شفقت رسول الله ﷺ بر امت، دلالت دارد، که امت خویش را همان گونه که از دجال و فتنه‌ها بر حذر داشته از این قبیل امور نیز هشدار داده‌اند، این همه، رسول الله ﷺ را مصداق آیه‌ی: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۲۸] قرار می‌دهد.

«بی‌گمان پیغمبر یاز خود شما به سویتان آمده است. هرگونه درد و رنج و بلا و مصیبتی که به شما برسد بر او سخت و گران می‌آید. به شما عشق می‌ورزد و اصرار به هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان دارای محبت و لطف فراوان و بسیار مهربان است».

آیا تحذیر و هشدار از کاری، مستلزم ارتکاب آن کار ممنوع است؟! آیا نهی از کاری به معنای ارتکاب آن است؟! بلکه این نشانه‌ی تبلیغ کامل رسالت و متتهای شفقت و رحمت بر امت است.

رابعاً جمله‌ی: «فَلَا أُرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ إِلَّا مِثْلُ هَمَلٍ النَّعَمِ».

همل النعم، به شتران گم شده و بی‌چوپان می‌گویند، و آن گونه که ابن حجر رحمته الله می‌گوید، منظور افرادی هستند از جمله کسانی که به حوض نزدیک می‌شوند، و چیزی نمانده که برسند، اما از آن باز داشته می‌شوند.... یعنی از آن میان فقط تعداد اندکی بر حوض وارد می‌شوند، زیرا شترهای بی‌چوپان و گم شده، نسبت به بقیه شتران کم‌تر هستند»^۲.

همان گونه که حدیث از نظرتان گذشت، در حدیث از دو زمره یاد شده است که تعدادی مثل «همل النعم» از آن نجات پیدا می‌کنند، یعنی: از افرادی که از حوض رانده

۱- بخاری، المظالم والغضب: (۲۴۶۵)، مسلم، الباس والزينة: (۲۱۲۱)

۲- فتح الباری ۵۷۸/۱۱.

می‌شوند، فقط افرادی اندک مانند شتران بی‌چوپان، نجات پیدا می‌کنند، اکنون که دانستیم، آنهایی که از حوض رانده می‌شوند به نسبت آنهایی که سر حوض می‌رسند کم‌تر هستند و آنها که می‌رسند بیشترند، قطعاً این حدیث دستاویزی برای طعنه زندگان نخواهد بود، خصوصاً که مشاهده کردید، احادیث حوض الفاضی از قبیل: (زمره)، (رهط)، (اصیحابی) و (البعیر الضال) وارده شده است که همه آنها بر قلت دلالت می‌کنند، همان گونه که لفظ (الذود) هم گویای قلت است، و در این حدیث لفظ (زمره) آمده است.

زمره، یعنی: گروه اندک و «شاة زمره» به معنای گوسفند کم مو است.

الرهط: بر گروهی سه یا هفت تا ده نفره و یا، زیر ده اطلاق می‌شود که میان آنان زنی نباشد.

والذود: بر سه تا ده و یا از دو تا نه، دلالت می‌کند.

رسول الله ﷺ مردم را با سخنانی که برایشان مفهوم بود، خطاب نمودند و از کلام خویش معنای حقیقی آن را مد نظر داشتند، مبادا کسی بگوید: حقیقت این الفاظ، منظور رسول الله ﷺ نبوده است، این طعنی است در تبلیغ شریعت پروردگار، توسط رسول الله ﷺ و دروازه‌ای است برای زندقه و بی‌دینی، و رد نمودن حق است بدون هیچ دلیل و برهانی. ابن قتیبه در رد صاحبان این نظریه و تأیید آن چه ما گفتیم، می‌گوید: «اگر آنان در حدیث تدبر می‌کردند و الفاظ آن را می‌فهمیدند، از آن چنین استدلال می‌کردند که منظور رسول الله ﷺ از آن، فقط تعداد اندکی بوده است.

جمله‌ی «لَيَرِدَنَّ عَلَى الْحَوْضِ أَقْوَامٌ». نیز بر همین مطلب دلالت دارد، زیرا اگر منظورشان همه بودند، جز افراد اندکی، آن گاه می‌فرمودند: «لتردن علی الحوض ثم لتختلجن دونی»، مگر نمی‌بینی اگر کسی بگوید: «أتاني اليوم أقوام من بني تمیم وأقوام من أهل الكوفة». منظورشان این است که از مجموع آنان، تعداد اندکی آمدند و اگر بخواهد بگوید، همه آمده‌اند جز تعداد اندکی، می‌گوید: «أتاني بنو تمیم وأتاني أهل الكوفة». و روا

نیست لفظ (قوم) را به کار گیرد، زیرا قوم همان‌هایی هستند که نیامده‌اند، هم چنین جمله‌ی: «یا رب اصیحابی» با تصغیر، بر آن دلالت می‌کند و مراد از آن تقلیل عدد است، آن گونه که می‌گویی: «مررت بأبیات متفرقة» و «مررت بجمیعة». «از خانه‌اک‌ها... و گروهکی گذشتم».

می‌دانیم که منافقان برای به دست آوردن غنیمت و بردگان برای پرداخت وام و حتی افراد دو دل و مشکوک هم، در جنگ‌ها رسول الله ﷺ را همراهی می‌کردند. تعدادی پس از رسول الله ﷺ مرتد شدند... اما عموم صحابه جز شش نفری که آنان نام می‌برند - چگونه از حوض بازداشته می‌شوند^۱. کوتاه سخن این که: همان گونه که در احادیث آمده است آنهایی که از حوض بازداشته می‌شوند اندکند و تعدادی نیز مثل (همل النعم) نجات می‌یابند، پس باز هم کمتر می‌شوند.

نکته:

در این حدیث لفظ (منهم) وارد شده است، نه (منکم)، برخی خواسته‌اند که این نکته را بر مردم وارونه و ملبس کنند^۲ و این لفظ دلیل بر این است که منظور از حدیث دیگرانند نه صحابه رضی الله عنهم.

این حدیث با آن که بدعت‌گرایان از آن بسیار استدلال می‌کنند، هیچ اشاره‌ای، نزدیک و یا دور به صحابه رضی الله عنهم ندارد، تنها چیزی که دارد جمله‌ی: «حتى إذا عرفتهم» است که ما از آن معرفت، سخن گفتیم و هم چنین جمله‌ی: «ارتدوا بعدك» که ناظر بر اعرابی است

۱- تأویل مختلف الحدیث ص: ۲۱۷ - ۲۱۸ با اندکی تصرف.

۲- نگا: الصحابة بین الصحبة اللغوية و الصحبة الشرعية، از حسن فرحان ص: ۶۳ و الانتصار للصحب الأخیار، از شیخ عبدالمحسن العباد، ص: ۱۲۸ - ۱۳۰.

که پس از رحلت رسول الله ﷺ مرتد شدند، و نیز گفته شده است که منظور همه مرتدان هستند تا به قیامت.

توجه:

طعنه زندگان، برای ارتداد صحابه ﷺ از این آیه استدلال می‌کنند که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۴].

«محمد جز پیغمبری نیست و پیش از او پیغمبرانی بوده و رفته‌اند، آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، شما به عقب بر می‌گردید و هر کس به عقب باز گردد کوچکترین زبانی به خدا نمی‌رساند و خدا سپاسگزاران را پاداش می‌دهد».

می‌گویند: خداوند ردت صحابه را پس از وفات رسول الله ﷺ اثبات کرده است! پاسخ این است که این آیه دلیل آشکاری است مبنی بر این که منظور از مرتدانی که در حدیث آمده است، همان اعرابی هستند که پس از وفات رسول الله ﷺ مرتد شدند و شاکرین، ابوبکر و همراهانش که بر دین ثابت ماندند، با آنها جنگیدند و نتیجه‌ی این شکر تمکین فی الارض بود که خداوند به آنان عنایت فرمود.

این قیم رضی الله عنه می‌گوید: «شاکرین: آنهایی هستند که قدر نعمت را شناختند و تا دم مرگ و یا شهادت بر آن استوار ماندند، اثر این عتاب و حکم این خطاب روزی آشکار شد که رسول الله ﷺ درگذشت و مرتدان از دین برگشتند و شاکران بر دین استوار ماندند و خداوند آنان را غالب نمود و یاری داد و بر دشمنان پیروز گردانید و عاقبت نیکو را به آنان بخشید»^۱.

باید پرسید: اگر صحابه رضی الله عنهم آن گونه که شما می‌گویید، مرتد شده بودند، چگونه خداوند به آنان تمکین بخشید، مگر نه این است که خداوند فرمود: ﴿وَسَيَجْزِي اللَّهُ

۱- بدائع التفسیر ۵۱۵/۱.

الشَّكِرِينَ ﴿ شما می‌گویید شاکران علی ؑ و پیروانش هستند، همه می‌دانیم که پس از رسول الله ﷺ خداوند به آنان تمکین نداد! پس پاداش شاکران چه شد؟!

ابوبکر صدیق ؓ روز وفات رسول الله ﷺ به همین آیه بر تمام صحابه استدلال کرد^۱ عجب! آیا مرتد در جمع صحابه به آیهی ارتداد خود، استدلال می‌کند و کسی سخنی نمی‌گوید؟ پس شاکران کجایند؟!

علامه سعدی ؒ می‌گوید: «این آیه دلیل آشکاری است بر فضیلت صدیق اکبر و یارانش که پس از وفات رسول الله ﷺ با مرتدان جهاد کردند و آنان سرور شاکران هستند»^۲.

برخی از علما گفته‌اند که، سبب نزول این آیه، آن است که در غزوه‌ی احد که مسلمانان شکست خوردند و قتل رسول الله ﷺ میان مردم شایعه شد و بسیاری آن را باور کردند، آن‌گاه خداوند این آیه را برای سرزنش آنان بر آن عملکرد نازل فرمود.

مفسران می‌گویند که منظور از آیه: ﴿أَنْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ﴾ [آل عمران: ۱۴۴]. ارتداد از اسلام نیست، زمخشری ؒ می‌گوید: منظور از «انقلاب علی الاعقاب» اعراض و روی گردانی از جهاد و کارهای دیگر است که رسول الله ﷺ انجام دادند و برخی به معنی ارتداد گفته‌اند، در روز غزوه‌ی احد هیچ کس از مسلمانان مرتد نشد...»^۳.

شوکانی ؒ می‌گوید: «از علی ؑ روایت شده است که درباره‌ی ﴿وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّكِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۴]. فرمود: یعنی: آنهایی که بر دین استوار ماندند، ابوبکر و اصحابش، علی ؑ می‌فرمود: ابوبکر امیر شاکران بود»^۴.

۱- بخاری، فضائل اصحاب النبی ﷺ: (۳۶۶۸).

۲- تفسیر السعدی: ۲۴۸/۱

۳- الکشاف ۶۳۱/۱.

۴- فتح‌القدیر ۵۸۴/۱.

پس از این بررسی، برای شما نمایان می‌گردد که این آیه دلیل آشکاری است بر ایمان صحابه و عدم ارتداد آنان، و استدلال مخالفان از آن دلیل لجاجت در فهم آیات و پیروی از متشابهات است.

بخش سوم

تمهید

رسول ﷺ در احادیث بسیاری تصریح کرده‌اند که اصحاب ایشان، نخستین افرادی هستند که بر حوض می‌آیند و از آن می‌نوشند و ایشان در انتظار آنهایند و از آمدنشان شادمان می‌گردند، این مطلبی است که قرآن و سنت صراحتاً بر آن دلالت دارد و ماسوای آن طعنی است در قرآن و سنت از طریق متهم ساختن حاملان آن.

گمراهان که آیات قطعی و محکم قرآن را رها کرده‌اند و در پی آیات متشابه هستند، می‌خواهند در کلام شارع تناقض ایجاد کنند، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٧﴾﴾ [آل عمران: ٧].

«او کسی است که این کتاب را بر تو نازل کرد، بخشی از آن آیات «محکمی» است که اساس این کتاب می‌باشند و بخشی دیگر از آن «متشابه» است، اما آنهایی که قلب‌هایشان انحراف دارد، به دنبال متشابهاات اند، تا فتنه انگیزی کنند و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند، در حالی که تفسیر آن را جز خدا کسی نمی‌داند، و راسخان در علم، می‌گویند: ما به آن ایمان آوردیم، همه از طرف پروردگار ماست، و جز صاحبان عقل (کسانی دیگر) متذکر نمی‌شوند».

علامه سعدی می‌گوید: بد اندیشانی که دل‌هایشان مملو از بیماری، گمراهی و انحراف است، در پی متشابهاات هستند و از آن بر گفتار باطل و ایده‌های بی‌اساس خود استدلال می‌کنند و در پی فتنه انگیزی و تحریف قرآنند و آن را طبق ایده‌ها و مذاهب خود تأویل

می‌کنند تا خود گمراه شوند و دیگران را نیز به گمراهی بکشانند»^۱ اما آنان که در علم و ایمان پایه استواری دارند، می‌دانند که نظریه رده صحابه تا چه مقدار سخیف و بی بنیاد است و قائلین به آن در انهدام شالوده‌ی دین عوامل شیطانند!

یک سؤال مهم: راستی، اگر همه‌ی اصحاب رسول الله ﷺ جز سه و یا پنج نفر، مرتد شده باشند، از اسلام دیگر چه می‌ماند؟

اندیشیدن به لازمه‌ی این سخن، انسان را - والعیاذ بالله - به دین جدیدی در می‌آورد، عاقلی که از بند هوای نفس رها باشد، چگونه می‌تواند بپذیرد که مردمان دیگر بر حوض رسول الله ﷺ وارد شوند، اما آنهایی که ایشان را نصرت نمودند و پناه دادند و همراه ایشان هجرت کردند، از حوض باز داشته شوند؟! آیا مگر بعدی‌ها توسط آنان ایمان نیاوردند و مگر آنان حاملان قرآن و سنت نیستند؟ صدها آیه و حدیثی که صحابه را می‌ستاید، چه می‌شود؟ این همه فتوحات در شرق و غرب به دست چه کسانی انجام شد؟ مردم به دست چه کسانی گروه گروه به دین اسلام گرویدند؟ چه کسانی سلطنت کسری را برچیدند و به عمر قیصر، پایان دادند، آیا کسانی غیر از صحابه بودند؟ این‌ها به کسی که بخواهد تازه مسلمان شود، چه می‌گویند؟ آیا می‌گویند پیامبری که می‌خواهید به دین وی درآیید، صحابه‌اش پس از ایشان مرتد شده‌اند و کتاب الهی را تحریف کرده‌اند، و جهادشان با پیامبر منافقانه بوده است و جز پنج نفر یا کمتر از تربیت و تزکیه‌ی وی بهره‌ای نبردند؟! شما بگویید اینان چه دینی را می‌خواهند به جای آن برگزینند؟! ما از آن‌ها که چنین نظری دارند، می‌خواهیم که تقلید را رها کنند و با آزاد اندیشی و صادقانه و دور از تأویل افسانه‌ای روایات که با واقعیت‌ها تضاد دارد و تاریخ آن را تکذیب می‌کند، و آن خواسته شیطان و اعوان اوست، حق و حقیقت را جستجو کنند.

۱- تیسیر الکریم الرحمن ۲۰۸/۱.

﴿وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [المائدة: ۴۱].

«هر کسی را خدا بخواهد دچار فتنه کند، قادر به دفاع از او نیستی، آنها کسانی هستند که خداوند نخواسته دل‌هایشان را پاک کند، در دنیا رسوایی و در آخرت عذابی بزرگ نصیبشان خواهد شد.»

بحث اول: اصحاب رسول الله ﷺ نخستین کسانی هستند که بر حوض می‌روند و از آن می‌نوشند

۱- ثوبان رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «من بر کناره حوض خودم مردم را با عصای خود کنار می‌زنم تا برای اهل یمن جا باز شود، پرسیدند: عرض حوض چه مقدار است؟ فرمودند: از اینجا تا عمان، پرسیدند: آب آن چگونه است؟ فرمودند: سفیدتر از شیر و شیرین‌تر از عسل، دو میزاب از بهشت در آن می‌ریزند یکی از طلا و دیگری از نقره است»^۱.

نووی رحمته الله علیه می‌گوید: یعنی: مردم دیگر را از آن دور می‌کنم تا برای اهل یمن جا باز شود و این کرامتی است برای اهل یمن که به پاس خدمتشان به اسلام و ایمان آوردن پیش از دیگران، که انصار از آنهایند، پیش از دیگران آب خواهند نوشید، رسول الله ﷺ دیگران را دور می‌کند تا اهل یمن آب بنوشند، همان گونه که آنان در دنیا دشمنان و بدی‌ها را از رسول الله ﷺ دور کردند^۲.

قرطبی رحمته الله علیه می‌گوید: «منظور پیشتازان اهل یمن هستند که رسول الله ﷺ را یاری دادند و خداوند توسط آنان دین را برتری و غلبه عنایت نمود، قبلاً گفتیم که مدینه از یمن است و اهل مدینه از هر کس دیگر به این کرامت حق‌دارتر هستند، زیرا که آنان پیش از همه

۱- مسلم- کتاب الفضائل - (۲۳۰۱).

۲- مسلم، شرح نووی ۶۲/۱۵.

کس به یاری رسول الله ﷺ و جان نثاری در راه ایشان قیام کردند و به این خاطر رسول الله ﷺ به آنان فرمودند: «اصْبِرُوا حَتَّى تَلْقَوْنِي عَلَى الْحَوْضِ»^۱. «صبر کنید تا سر حوض با من ملاقات کنید».

بینید که میان رسول الله ﷺ و صحابه تا چه مقدار محبت و وفا حاکم است که رسول الله ﷺ مردم را از حوض دور می‌کند تا اهل یمن که همان انصارند، از آن بنوشند، چه دلیلی واضح‌تر از این؟ مخالفان چگونه آن را پاسخ می‌دهند؟!

۲- ثوبان رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «حَوْضِي مِنْ عَدَنَ إِلَى عَمَّانَ الْبَلْقَاءِ مَاءُهُ أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَأَكَاوِيْبُهُ عَدَدُ نُجُومِ السَّمَاءِ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرِبَ لَمْ يَظْمَأْ بَعْدَهَا أَبَدًا أَوَّلُ النَّاسِ وَرُودًا عَلَيْهِ فُقَرَاءُ الْمُهَاجِرِينَ الشُّعْثُ رُءُوسًا الدُّنْسُ ثِيَابًا الَّذِينَ لَا يَنْكِحُونَ الْمُتَنَعِمَاتِ وَلَا تُفْتَحُ لَهُمُ السُّدَدُ»^۲.

«حوض من (به اندازه‌ی) از عدن تا عمان... است، آبش از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر است، جام‌هایش به تعداد ستاره‌های آسمانند، هر کس از آن، جرعه‌ای بنوشد، پس از آن هرگز تشنه نمی‌شود، اولین کسانی که بر آن وارد می‌شوند، مهاجران فقیر هستند، آنهایی که سر و موی‌شان ژولیده و لباس‌شان لکه دار است، آنهایی که زنان ناز پرورده را نکاح نمی‌کنند، و درها به رویشان باز نمی‌گردد».

آری! رسول الله ﷺ فرمودند: مهاجرن فقیر نخستین کسانی هستند که بر حوض وارد می‌شوند، مبارک‌فوری رضی الله عنه می‌گوید: «منظور از مهاجرین کسانی هستند که از مکه به مدینه هجرت کردند و رسول الله ﷺ سرور آنان است»^۳.

و این مصداق آیه‌ای است که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحشر: ۸].

۱- المفهم ۹۶/۶.

۲- ترمذی (۲۴۴۴)، ابن ماجه (۱۴۳۰۳)، صححه الألبانی.

۳- تحفة الأحوذی ۱۱۵/۷.

«(این اموال) برای فقیران مهاجری است که از خانه و اموال خود بیرون رانده شدند در حالی که فضل الهی و رضای او را می‌طلبند و خدا و رسولش را یاری می‌کنند و آنها را راستگویان».

آیا با این دو حدیث که رسول الله ﷺ تصریح فرمودند که مهاجرین و انصار بر حوض وارد خواهند شد، باز هم جایی برای شک و تردید باقی می‌ماند؟!.

آیا مخالفان با شنیدن فرموده‌ی رسول الله ﷺ مانند مؤمنان تسلیم می‌شوند و سخن خدا و رسول را می‌پذیرند، یا باز هم به لجاجت و عناد خود ادامه می‌دهند و به بخشی از قرآن ایمان می‌آورند و بخشی دیگر را رها می‌کنند؟!

۳- انس رضی الله عنه می‌گوید: از رسول الله ﷺ خواستم که در قیامت برایم شفاعت کند، فرمودند: چنین خواهم کرد، گفتم: یا رسول الله! شما را کجا پیدا کنم؟ فرمودند: ابتدا بر صراط سراغم را بگیر گفتم: اگر آنجا نبودید؟ فرمودند: کنار میزان، گفتم: اگر آنجا هم شما را نیافتم؟ فرمودند: آنگاه کنار حوض سراغم را بگیر، من قطعاً در یکی از این سه جا خواهم بود^۱.

انس رضی الله عنه از رسول الله ﷺ درخواست شفاعت نمود، و ایشان موافقت فرمودند و در یکی از سه جا که حوض یکی از آنهاست، با انس رضی الله عنه وعده و قرار دیدار گذاشتند، پس این حدیث گویای این مطلب است که انس رضی الله عنه بر حوض رسول الله ﷺ وارد می‌شود و از آن خواهد نوشتید، این حدیث گرچه ویژه انس رضی الله عنه است که وی مشمول حدیث ثوبان رضی الله عنه نیز که درباره انصار است، می‌باشد، البته این حدیث نکات دیگری نیز دارد، منجمله این که: انس رضی الله عنه از اصحابی است که از جانب شیعه مورد طعن و بغض قرار گرفته است و این حدیث، آنان را رد می‌کند، دیگر این که: رسول الله ﷺ به وی وعده دادند و ایشان هرگز خلف وعده نمی‌کنند. و دیگر اینکه: از این حدیث ایمان انس رضی الله عنه ثابت می‌گردد، زیرا که منافقان و کافران از شفاعت رسول الله ﷺ بهره‌ای نخواهند داشت بنابراین، حدیث گویای ایمان انس رضی الله عنه می‌باشد و این شفاعت خاص و علاوه از شفاعت کلی برای عموم

۱- ترمذی (۲۴۳۳) صححه الألبانی.

امت است، والله اعلم.

۴- زید بن ارقم رضی الله عنه می گوید: «در سفری به همراهی رسول الله صلی الله علیه و آله در جایی برای استراحت منزل گرفتیم، ایشان فرمودند: شما بخشی از صد هزار بخش هستید که نزد من، بر حوض وارد می شوند، راوی می گوید: از وی پرسیدم که در آن روز شما چند نفر بودید؟ گفت: هفتصد یا هشتصد نفر»^۱.

حدیث زید رضی الله عنه صراحتاً دلالت دارد که اصحاب رضی الله عنهم بر حوض رسول الله صلی الله علیه و آله وارد خواهند شد و آنان بخشی از افراد کثیری هستند که بر حوض وارد می شوند و در این حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله به هفتصد یا هشتصد نفر این مژده را دادند و دیگران که در آن سفر همراه ایشان نبودند عمومیت احادیث سابق آنان را شامل می شود، والله اعلم.

۵- خوله بنت حکیم رضی الله عنها^۲ می گوید: «گفتم: یا رسول الله! شما حوضی دارید؟ فرمودند: آری، و محبوب ترین کسانی که نزد من وارد می شوند، قوم تو هستند». و در روایتی آمده که: محبوب ترین مردم نزد من که از آن سیراب می شوند قوم تو هستند^۳.

این حدیث نیز دلالت بر این دارد که انصار بر حوض آن حضرت صلی الله علیه و آله وارد خواهند شد و آنان و به ویژه بنی نجار، دایی های رسول الله صلی الله علیه و آله محبوب ترین مردمی هستند که بر حوض وارد می شوند و این پاداش خوبی هایی است که به رسول الله صلی الله علیه و آله کرده اند.

۶- اسید بن حضیر رضی الله عنه می گوید: «مردی انصاری در خلوت به رسول الله صلی الله علیه و آله گفت: یا رسول الله! مرا به کاری نمی گماری، آن گونه که فلانی را گماشته ای؟ فرمودند: شما پس از

۱- ابوداود (۴۷۴۷) صححه الألبانی

۲- خوله بنت قیس بن قهد و خوله بنت ثامر نیز گفته شده است، ابن مدینی و ابوعمر آن را نقل کرده اند، گفته شده که آنان دو نفر هستند و وی همسر حمزه بن عبدالمطلب، است که انصاری و از قبیله ی خزرج و تیره ی بنی نجار بوده است. نگاه: الاستیعاب ص: ۸۹۳، الاصابة ۸/۱۱۳، ۱۱۹.

۳- السنة، ابن ابی عاصم (۷۰۴-۷۰۵) ألبانی گفته: إسناده صحيح.

من شاهد نوعی ترجیح خواهید بود، آنگاه صبر کنید تا آن که سرحوض با من دیدار کنید^۱. و در روایتی دیگر از بخاری آمده که: «وعدۀ من و شما سر حوض من است». می بینیم که رسول الله ﷺ آن مرد انصاری و قبیله اش را در مقابل نوعی ترجیح در امور دنیوی به صبر و خویش تن داری توصیه می فرماید تا آن که سر حوض با ایشان ملاقات کند، این بزرگترین دلیلی است مبنی بر اینکه رسول الله ﷺ آنان را با نوشاندن از آب حوض تکریم خواهند فرمود و گرنه چگونه ممکن است رسول الله ﷺ به آنان که بنابر توصیه ایشان صبر پیشه کرده اند، وعدۀ حوض بدهند و آنگاه آنان از حوض رانده شوند.

۷- زید بن ارقم رضی الله عنه هنگامی که عیدالله بن زیاد منکر حوض شد، گفت: «رسول الله ﷺ به ما چنین فرمودند و ما را به آن وعده دادند...»^۲.

آری! می گوید رسول الله ﷺ ما را به حوض وعده دادند، و قطعاً رسول الله ﷺ به وعده خویش وفا خواهند نمود.

۸- عبدالله بن عمرو رضی الله عنه می گوید: «رسول الله ﷺ فرمودند: میعادگاه شما حوض من است...»^۳.

این حدیث همانند حدیث قبل است با بیان این که آن وعده مخصوص انصار نیست، بلکه برای تمام صحابه عام است.

۹- ثوبان رضی الله عنه می گوید: «رسول الله ﷺ فرمودند: شما بر حوض من وارد خواهید شد و من مردم را با عصایم از حوض دور می کنم...»^۴.

۱- بخاری، مناقب الأنصار- (۳۷۹۲، ۳۹۹۳)، مسلم، الإمارة، (۱۸۴۵)، این الفاظ از اوست.

۲- صحیح، قبلاً ذکر شد.

۳- صحیح، قبلاً ذکر شد.

۴- آجری: (۸۳۷)، سالم بن الجهد در سند آن، ثقة است البته از ثوبان سماع نکرده است، واحادیث سابق شاهد

آند، نگا: التهذیب ۶۷۴/۱.

۱۰- عمرو بن زید بکالی می‌گوید: از عتبه بن عبد سلمی شنیدم که می‌گفت: «یک اعرابی برخاست و از رسول الله ﷺ پرسید: حوضی که از آن سخن می‌گویید، چیست؟ فرمودند: به اندازه‌ی فاصله صنعاء تا بصری است، سپس خداوند به من کرانه‌هایی را می‌بخشد که هیچ بشری از مخلوقات الهی نمی‌داند که کدام طرف حوض است، می‌گوید: عمر تکبیر گفت، رسول الله ﷺ فرمودند: مهاجران فقیر که در راه خدا کشته می‌شوند و می‌میرند، سر حوض ازدحام خواهند کرد امیدوارم که خداوند مرا بر حوض وارد کند از آن بنوشم»^۱.

این فرموده رسول الله ﷺ که: «فقرای مهاجرین بر حوض ازدحام می‌کنند» دلیلی است بر این که، مهاجران فقیر که در راه خدا کشته می‌شوند و فی سبیل الله می‌میرند، بر حوض رسول الله ﷺ تجمع خواهند کرد و از این حدیث بر می‌آید که آنان از حوض خواهند نوشید، زیرا در حدیث، به ایمان، هجرت، پایداری، جهاد و شهادت آنان فی سبیل الله اشاره شده است که این یکی از بزرگ‌ترین علایم صداقت و راستی با خداست.

۱۱- ابو صالح می‌گوید: «رسول الله ﷺ ابوبکر را امیر کاروان حجاج قرار داد، هنگامی که حرکت کرد در پی او علی را با آیاتی از ابتدای سوره براءت گسیل فرمودند، ابوبکر بازگشت و گفت: یا رسول الله! مگر مرا چه شده است؟ ایشان فرمودند: خیر است، تو در غار همراه من بودی و سر حوض هم همراه من خواهی بود، ابوبکر گفت: خشنود گشتم»^۲.

ابن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: رسول الله ﷺ به ابوبکر فرمودند: «أَنْتَ صَاحِبِي عَلَى الْحَوْضِ وَصَاحِبِي فِي الْغَارِ». «تو سر حوض همراه من خواهی بود و در غار همراهم بودی»^۳.

۱ - ابن ابی عاصم، السنه، ص: ۳۱۶، ابن حبان: (۶۴۵۰) احمد با اختصار ذکر کرده است ۱۹۱/۲۹، صححه الألبانی.

۲ - احمد، فضائل الصحابة، (۱۷۷) مرسلاً از ابی صالح، طبری مانند آن را موصولاً از ابی صالح از علی مرفوعاً ذکر کرده است، حافظ ابن حجر آن را در فتح ۴۰۴/۸ آورده است.

۳ - ترمذی (۳۶۷۰)

ترمذی درباره‌ی این حدیث گفته است: هذا حدیث حسن، صحیح، غریب.

۱۲- ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: «رسول الله صلی الله علیه و آله به گورستان تشریف بردند و فرمودند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ وَدِدْتُ أَنَّا قَدْ رَأَيْنَا إِخْوَانَنَا». «سلام بر شما ای مؤمنان این دیار، ما هم ان شاء الله به شما خواهیم پیوست، دوست دارم که کاش برادران خود را می‌دیدیم». مردم گفتند: یا رسول الله! مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمودند: شما اصحاب من هستید، برادران ما آنهایی‌اند که هنوز نیامده‌اند، گفتند: آن دسته از امتی‌هایتان را که هنوز نیامده‌اند، چگونه می‌شناسید؟ فرمودند: ببینید! اگر مردی اسبی پیشانی سفید که دست و پایش نیز سفید است، داشته باشد، آیا در میان اسب‌هایی سیاه و تیره، اسب خود را باز نمی‌شناسد؟ گفتند: آری یا رسول الله! فرمودند: آنان بر اثر وضو با دست‌ها و پاهایی سفید، نزد ما خواهند آمد و من پیش از آنان بر حوض خواهم بود، آگاه باشید! مردانی از حوض من رانده می‌شوند، همان‌گونه که شتر گم شده رانده می‌شود، آنان را صدا می‌کنم که بیایید، گفته می‌شود! آنان پس از تو تغییر کرده‌اند، آن‌گاه می‌گویم: دور شوید! دور شوید!»^۱.

شیخ الاسلام می‌گوید: «این حدیث گویای آن است که هر کس وضو بگیرد و صورت، دست‌ها و پاهایش را بشوید او از «غَرِّ مُحَجَّلِينَ»^۲. خواهد بود و جمهور آنان ابوبکر و عمر رضی الله عنهما را مقدم می‌دارند، رافضی‌ها پاهای خود را نمی‌شویند بنابراین از «محجّلین»^۳ نخواهند بود.

این حدیث به همراه احادیث سابق دلالت بر این دارند که: صحابه بر اثر وضو «غَرِّ مُحَجَّلِينَ» و شایسته‌ترین افرادی هستند که این منقبت شامل آنان می‌گردد و بدین خاطر رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَنَا فَرَطُهُمْ عَلَى الْحَوْضِ». یعنی: من پیش از آنان بر حوض

۱- مسلم، الطهارة (۲۴۹).

۲- آن که پیشانی و پاهایش از سفیدی می‌درخشد.

۳- منهاج السنة النبویة ۳۸۸/۷.

می‌روم تا آن‌را برایشان آماده کنم همان‌گونه که میزبان هنگامی که میهمان به همراه دارد، این گونه عمل می‌کند، رسول الله ﷺ درباره‌ی آنهایی که از حوض رانده می‌شوند، فرمودند، (مردانی) و فرمودند: اصحاب من، و یا تعدادی از شما، تا دست آویزی برای بد خواهان، که به دنبال تأویل یا بزرگنمایی هستند، نباشد، در حدیث قبل که مسلم آن را روایت نموده است، آمده بود که: «و إني لأصد الناس عنه كما يصد الرجل ابل الناس عن حوضه»، (من مردم را از آن باز می‌دارم آن‌گونه که شخصی شتران مردم را از حوض خود باز می‌دارد) گفتند یا رسول الله! آیا آن روز ما را می‌شناسید؟ فرمودند: آری شما سیمایی دارید که ملت‌های دیگر ندارند، شما بر اثر وضو (غَرَّ محجلین) با دست و پا و پیشانی‌ای سفید نزد من می‌آیید.^۱

رسول الله ﷺ در آن‌جا از کلمه‌ی «الناس»، (مردم) استفاده فرمودند و اصحاب خویش را با علامت درخندگی دست و پا و صورت، از آنان مستثنی کردند، و این ویژگی کسانی است که بر حوض وارد خواهند شد، و در روایت دیگری که از رانده شوندگان با تعبیر: «وليصدن عني طائفة منكم فلا يصلون فأقول: يا رب هؤلاء من اصحابي...» یاد شده است، رسول الله ﷺ در اول حدیث فرمودند: «ترد علی امتی الحوض...» (امت من بر حوضم خواهند آمد) این دلالت می‌کند که رانده شوندگان از عامه‌ی امت هستند نه از اصحاب، زیرا رسول الله ﷺ هیچ‌گاه اصحاب خویش را که همان غَرَّ محجلین هستند و رانده شوندگان را در یک‌جا و در یک روایت به گونه‌ای که اشکالی به جا گذاشته و یا صورت آن‌را تبیین نفرموده باشند، یاد نفرموده اند. والله اعلم.

توجه:

اگر کسی بگوید: رسول الله ﷺ در احادیث سابق صراحتاً نفرمودند که اصحاب ﷺ از حوض می‌نوشند، نهایتاً این که سر حوض می‌آیند، اما همان‌گونه که در احادیث وارد

۱- مسلم، الطهارة، (۲۴۷)

شده است، از آن جا رانده می شوند!!

پاسخ این که:

اولاً: رسول الله ﷺ به وضوح بیان فرموده اند که هر کس سر حوض برود، از آن خواهد نوشید و آنهایی که از آن باز داشته می شوند، قبل از رسیدن، از آنان ممانعت می شود، بنابراین اصحاب اولین گروهی هستند که سر حوض می روند و از آن آب می نوشند و پس از آنان، نوبت دیگران می رسد، و این نشانه منزلت آنان نزد رسول الله ﷺ می باشد، دلیل این گفتار در کنار دلایل سابق، این است که رسول الله ﷺ فرمودند: «أَنَا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ مَنْ وَرَدَ شَرِبَ وَمَنْ شَرِبَ لَمْ يَظْمَأْ أَبَدًا وَلَيَرِدَنَّ عَلَى أَقْوَامٍ أَعْرِفُهُمْ وَيَعْرِفُونِي ثُمَّ يَحَالُ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ...»^۱. «من پیش از شما سر حوض می روم، هر کس سر حوض برود، از آن می نوشد و هر کس از آن بنوشد هرگز تشنه نمی شود، اقوامی نزد من خواهند آمد که آنان را می شناسم و آنان نیز مرا می شناسند، سپس از آنان جلوگیری به عمل می آید...»^۲. و نیز فرمودند: «أَنَا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ فَمَنْ وَرَدَ أَفْلَحَ»^۳. «من پیش از شما سر حوض می روم، هر کس آن جا بر من وارد شود، رستگار شده است».

نووی رحمه الله می گوید: «این حدیث تصریحی است که آنهایی که سر حوض می روند، همه از آن می نوشند، و آنهایی که از آن رانده می شوند و از ورود آنان ممانعت می شود، به سبب ارتداد آنان است»^۴.

هم چنین عیاض رحمه الله می گوید: «یعنی ممنوع شدگان از نوشیدن حوض، همانهایی هستند که وارد نشده و از آن باز داشته شده و میان آنان و حوض پرده انداخته شده است، و هر کس وارد شود، از آن خواهد نوشید»^۵.

۱- مسلم، الفضائل، (۲۲۹۰).

۲- ابن ابی عاصم، (۷۷۳) صححه الألبانی.

۳- مسلم، شرح نووی ۵۴/۱۵.

۴- إكمال المعلم ۲۵۸/۷.

ثانیاً: ما در بحث چهارم الفاظی را که طعنه زندگان از آن استدلال می‌کنند ذکر نمودیم و آن‌جا بیان کردیم که آن الفاظ به هیچ وجه بر مذهب باطل آنان دلالت ندارد.

ثالثاً: قاعدتاً هر منصفی که جویای حق است باید به تمام دلایل توجه کند و منصفانه وعادلانه به آن بیندیشد، نه مانند کسانی که ابتدا نظریه‌ای را انتخاب می‌کنند و پس از آن دنبال دلیل می‌گردند با چنین افراد نه موعظه‌ای کارگر است و نه هشدار.

رابعاً: در احادیث آمده است که رسول الله ﷺ از همه در قیامت پیروان بیشتری خواهند داشت و ایشان امیدوارند که بیش از دیگر پیامبران افرادی بر حوض ایشان وارد شوند و این، مایه افتخار این امت بر امت‌های دیگر است، و خداوند متعال این خواسته رسول الله ﷺ را جامه عمل پوشانید، بنابراین آنهایی که بر حوض رسول الله ﷺ وارد می‌شوند بیش از افرادی هستند که بر حوض دیگر پیامبران وارد می‌شوند، زیرا ایشان بیش از دیگران پیرو دارند، مطلب این است که صحابه رضی الله عنهم بعد از رسول الله ﷺ سبب هدایت امت بوده‌اند و هر خیری که به مسلمان رسیده بر اثر جهاد و دعوت و نشر علم توسط آنان بوده است، بنابراین آنان به ترتیب افضلیت نخستین افراد این امت خواهند بود که بر حوض رسول الله ﷺ وارد می‌شوند، این نظریه را نصوص شرعی و اندیشه صحیح تأیید می‌کند، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ﴿١١﴾ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿١٢﴾ فِي جَنَّةِ النَّعِيمِ ﴿١٣﴾ ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٤﴾ وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿١٥﴾﴾ [الواقعة: ۱۰-۱۴].

«و پیشگامان... آنها مقربانند، در باغ‌های پر نعمت بهشت، گروه زیادی از پیشینیان و اندکی از آخرین‌ها».

این است نظر مسلمانان، اما آنهایی که صحابه رضی الله عنهم به استثنای افراد معدودی به تعداد انگشتان دست را، مرتد می‌دانند! راستی! آیا از خود پرسیده‌اند که چگونه رسول الله ﷺ با آنان بر کثرت امت خویش افتخار می‌کند؟! آنهایی که نسل اول مسلمانان و همچنین عموم مسلمانانی را که اعتقادات آنان را پیرامون صحابه و مسائل دیگر نمی‌پذیرند، کافر

می‌دانند، اعتقاداتی که در قرآن هیچ اثری از آن نیست، بنابراین نزد آنان چگونه رسول الله ﷺ، بیش از دیگران پیرو خواهند داشت؟

ابو سعید خدری رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند:

«إِنَّ لِي حَوْضًا مَا بَيْنَ الْكَعْبَةِ وَبَيْتِ الْمَقْدِسِ أَبْيَضٌ مِثْلَ اللَّبَنِ آيَتُهُ عَدَدُ النُّجُومِ وَإِنِّي لَأَكْثَرُ الْأَنْبِيَاءِ تَبَعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱.

«من حوضی دارم از کعبه تا بیت المقدس، سفید مثل شیر، جام‌هایش به تعداد ستارگان است، من بیش از همه‌ی پیامبران در روز قیامت پیرو خواهم داشت».

سمره رضی الله عنها می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوْضًا وَإِنَّهُمْ يَتَّبَهُونَ أَتْيَهُمْ أَكْثَرُ وَارِدَةٍ وَإِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَكْثَرَهُمْ وَارِدَةً»^۲.

«هر پیامبر حوضی دارد و آنان به اینکه وارد شوندگان بیشتری داشته باشند افتخار می‌کنند، و من امیدوارم که بیش از آنان وارد شوند (ی برحوض) داشته باشم».

و نیز فرمودند: «لَتَرْدَحَنَّ هَذِهِ الْأُمَّةُ عَلَى الْحَوْضِ أَرْدَحَامَ إِبِلٍ وَرَدَتْ لِحْمِيسٍ»^۳. «این امت همانند شترانی که پس از پنج روز به آب برسند، بر حوض ازدحام خواهند کرد».

ملاحظه می‌فرمایید که همه‌ی این تعبیرات در احادیث حوض، وارد شده است و صحت آن‌چه را ما گفتیم تأیید می‌کند، که صحابه نخستین کسانی هستند که بر حوض می‌روند و پس از آنان، پیروانشان خواهند بود، که هم در قدیم و هم اکنون سواد اعظم امت رسول الله ﷺ بوده‌اند و هستند، اما آنهایی که صحابه و پیروانش را کافر و فاسق می‌دانند، عددی از امت رسول الله ﷺ شمار نمی‌آیند.

۱- ابن ماجه، (۴۳۰۱)، صححه الألبانی، نگا: الصحیحة: (۳۹۴۹)

۲- ترمذی، (۲۴۳۳)، صححه الألبانی، نگا: الصحیحة: (۱۵۸۹)

۳- طبرانی، الکبیر، ابن بشکوال در الذیل علی جزء بقی ابن مخلد، فی الحوض والکثر ص: ۱۲۳، حسنه الألبانی فی

راستی! رسول الله ﷺ که از اصحاب ایشان جز تعدادی به اندازه انگشتان دست بیشتر باقی نمانده است، چگونه به کثرت پیرو و وارد شونده‌ی بر حوض، بر دیگر پیامبران افتخار می‌کنند؟!.

بحث دوم: نصوص کتاب و سنت صحابه را می‌ستاید و نظریه‌ی ارتداد آنان را نفی می‌کند

قرآن وحدیث سرشار از مدح و ثنای اصحاب رسول الله ﷺ است، این مطلب نیازی به بیان ندارد، کافی است که مخالفان صحابه، تقلید کورکورانه و هوا پرستی را رها کنند و صفحات قرآن کریم را ورق بزنند.

آنگاه سؤالی جدی و مهم مطرح می‌شود:

آیا شایسته است خدایی که نهان و آشکار را می‌داند، اشرار را پارسا و مورد اطمینان معرفی کند؟ و در کتاب خود و با زبان پیامبرش آنان را بستايد، تا مردم فریبشان را بخورند و به مشتی جنایتکار اقتدا کنند؟ آیا خدای قادر و توانا اجازه می‌دهد که آن اشرار، وزرای رسول الله ﷺ باشند که با آنان معاشرت و روابط خانوادگی برقرار کند و از آنان مشورت بخواهد و فرماندهی سپاهیان را به آنان واگذارد و آنان را مورد ستایش قرار دهد، و خداوند واقعیت را برای رسولش آشکار نسازد؟

آیا این ایرادی برخداوند نیست، آن‌گونه که بر رسول الله ﷺ ایراد وارد می‌شود که ایشان یاران شایسته‌ای برای خود برنگزیدند؟!.

آیا این معنایی غیر از این دارد که، رسول الله ﷺ در مدت ۲۳ سال نادانسته، جنایتکارانی تربیت نمودند!^۱ خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ

۱- شیعه می‌گوید: امامان غیب می‌دانند و چیزی بر آنان پوشیده نمی‌ماند، و هر کاری که می‌کنند با عهد الهی است!! رسول الله ﷺ منزلی برتر از امامان دارند، پس لازماً باید از حال اصحاب آگاه باشند، و این کار با عهدی از جانب خداوند صورت گرفته باشد!! نگا: الکافی ۳۱۶/۱، ۳۳۵.

اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾ [الأنفال: ۶۲].

«اگر بخواهند تو را فریب دهند، خدا برای تو کافی است، او همان کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان تقویت کرد».

آیا خداوند، با مرتدین ایشان را حمایت می‌نماید؟! آیا پیروزی با یکی یا دو نفر صحابی به دست آمد یا با مجموعه آنان؟!.

اکنون برخی از نصوص قرآن و حدیث را که شاهد عدالت صحابه است، یادآوری می‌کنیم تا به آن بیندیشید:

الف: قرآن کریم:

۱- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَنٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۰۰].

«پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آن‌ها خشنود گشت و آنها نیز از او خشنود شدند، و باغ‌هایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته است که نهرها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند و این است رستگاری بزرگ».

در این آیه با روحی مؤمن و آزاد همراه با من، بیندیش، می‌بینی که خداوند متعال چگونه آن انسان‌های سعادت‌مند را که رضایت خود را برایشان تثبیت کرده است، می‌ستاید، آری آنان اصحاب رسول الله ﷺ و تا قیامت پیروان راستین ایشان، هستند^۱.

بین که خداوند می‌فرماید: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾ آیا ممکن است که خداوند از گروهی راضی شود و برایشان بهشتی جاودانه که در آن ماندگار خواهند بود، فراهم کند و پس از آن فوز عظیم و رستگاری بزرگ، بر آنان خشم گیرد؟! گواهی شاهد عادل،

در دنیا قابل رد نیست، کسی که گواهی خداوند متعال را درباره‌ی اصحاب رسول الله ﷺ رد کند، چه حکمی دارد؟!.

۲- خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ۝۱۸ وَمَعَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝۱۹ وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَعَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۝۲۰﴾ [الفتح: ۱۸-۲۰].

«قطعاً خداوند از مؤمنان راضی شد، آن‌گاه که زیر درخت با تو بیعت کردند، خدا آن چه در درون دل‌هایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود، می‌دانست، از این‌رو آرامش را بر دل‌هایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی نصیب آنان فرمود و (هم‌چنین) غنائم بسیاری که آن‌را به دست می‌آوردید و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است، خداوند غنائم فراوانی به شما وعده داده که آن‌ها را به دست می‌آوردید، ولی یکی را زودتر برای شما فراهم ساخت و دست تعدی مردم را از شما باز داشت تا نشانه‌ای برای مؤمنان باشد و شما را به راه راست هدایت کند».

۳- ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَفَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ۝۲۹﴾ [التفح: ۲۹].

«محمد فرستاده‌ی خداست و کسانی که با او هستند در برابر کافران تند و سرسخت و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند. ایشان را در حال رکوع و سجده می‌بینی، آنان همواره فضل خدای را می‌جویند و رضای او را می‌طلبند. نشانه‌ی ایشان بر اثر سجده در پیشانی‌هایشان نمایان است، این، توصیف آنان در تورات است و اما توصیف ایشان در انجیل چنین است که همانند کشتزاری هستند که جوانه‌های (خوشه‌های) خود را بیرون زده، و آنها را نیرو داده و

سخت نموده و بر ساقه‌های خویش راست ایستاده باشد، به گونه‌ای که برزگران را شگفت آورد، تا کافران را به سبب آنان خشمگین کند. خداوند به کسانی از ایشان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند آمرزش و پاداش بزرگی را وعده می‌دهد.

بیا با هم درباره این کلمات بیندیشیم: ﴿رَضِيَ اللَّهُ﴾ ﴿فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ﴾ و ﴿فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ﴾ آن‌گاه به واقعیت آن نیک‌بختان پی خواهید برد، ابن قیم رحمه الله می‌گوید: «خدای سبحان از ایمان و خیر و محبت خدا و رسول که در قلب‌های آنان وجود داشت، آگاه بود و با انزال سکینه هنگام پریشانی و اضطراب، آن‌را تثبیت فرمود»^۱.

آیا معقول است که خداوند از گروهی راضی شود و برایشان بهشتی فراهم کند که در زیر آن نهرها جاریست، و در تورات و انجیل برایشان مثالی بزند و آنها را به صراط مستقیم هدایت کند و سپس آنها را به جهنم ببرد؟! راستی! یهود و نصاری در برابر این مثال‌های (دروغین)! العیاذ بالله، که در کتاب‌هایشان هست، چه موضعی خواهند گرفت، آیا این، معنایی غیر از دروغ بودن مثال‌های بیان شده برای اهل کتاب، دارد، آیا این به معنای پشیمانی از تزکیه الگوها، آن هم پس از اقتدای مردم به آنان، نیست؟! با ارتداد آن‌هایی که بهشت برایشان فراهم شده بود، بهشت از آن چه کسانی خواهد بود؟ آیا پس از آن‌که خداوند متعال از حال دل‌های آنان آگاه شد (إثابة) پاداش آن‌ها، بردن به جهنم است؟! و چرا خداوند مرتدان را پیروز می‌گرداند و با آن همه بدی و قبح از آنان راضی می‌گردد؟! حقا که این سخن منتهای گمراهی و نهایت بی‌ادبی است، خداوند متعال از آن چه ظالمان به او نسبت دهند، بسیار پاک است، ابن قتیبه رحمه الله می‌گوید: «چگونه جایز است که خداوند از گروهی راضی شود و آنان را بستاید و در تورات و انجیل برایشان مثال بزند و حال آن‌که می‌داند که پس از رسول الله صلی الله علیه و آله مرتد می‌شوند؟ مگر اینکه معتقد باشند که:

خداوند نمی دانسته است، و چنین شخصی قطعاً بدترین کافران است»^۱.
 سید قطب رحمه الله در تفسیر آیه ی: ﴿لِيَغِيْظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ﴾ می گوید: «خشمگین کردن عمدی کافران بیانگر این است که این کشتزار کاشته ی خدا و یا کاشته ی رسول اوست و آن پرده قدرت و ابزار خشمگینی دشمنان خداست، این مثال امروزی نیست، بلکه در صفحه تقدیر موجود و ماندگار است، به این خاطر پیش از آن که محمد و همراهانش به دنیا پا بگذارند، از آن یاد و در انجیل ثبت شده است، آن جا که به آمدن محمد ﷺ و همراهانش مژده داده است، این گونه خداوند در کتاب جاویدانش وصف این جماعت برگزیده و اصحاب رسول الله ﷺ را ثبت می گرداند تا در پهنای هستی ماندگار شود و آن گاه که آن را از آفریدگار خود می شنود، تمام کرانه هایش با آن هم نوا گردد، و به عنوان نمونه برای تمام نسل ها بماند تا در عملی نمودن آن بکوشند تا بدین وسیله ایمان در بالاترین درجاتش تحقق یابد»^۲.

توجه:

اهل کتاب و دیگر دشمنان این دین، از بعثت رسول الله ﷺ گرفته و برای همیشه، برای هدم دین و خاموش گردانیدن نور آن، کوشیده اند و خواهند کوشید، و اگر موردی برای ایراد گرفتن از دین، چه در شخص رسول الله ﷺ و یا قرآن و یا صحابه که خداوند از آنان در کتاب هایشان یاد نموده بود، می یافتند، حتماً آن را ظاهر و بر ملا می کردند، حال آن که در این مدت طولانی و گذشت زمان چنین چیزی اتفاق نیافتاد، بنابر این هر عاقلی به این نتیجه می رسد که مثال و صفتی که در تورات و انجیل برای اصحاب محمد ﷺ بیان شده، بسیار دقیق و عین الیقین است و اگر آنان آن گونه که بدخواهان و طعنه زنندگان می گویند، تبدیل و تغییری ایجاد می کردند، این بزرگترین طعن و ایراد در دین اسلام می بود...!

۱- تأویل مختلف الحدیث ص: ۲۱۹

۲- فی ظلال القرآن ۳/ ۳۲۳۳

۴- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ ^(۸) وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۹﴾ [الحشر: ۸-۹].

«همچنین غنایم از آن فقرای مهاجرینی است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شده‌اند. آن کسانی که فضل خدا و خشنودی او را می‌خواهند و خدا و پیغمبرش را یاری می‌دهند، اینان صادقانند آنانی که پیش از آمدن مهاجران خانه و کاشانه‌ی (آیین اسلام) را آماده کردند و ایمان را (در دل خود استوار داشتند) کسانی را دوست می‌دارند که به پیش ایشان مهاجرت کرده‌اند و در درون احساس و رغبت نیازی نمی‌کنند به چیزهایی که به مهاجران داده شده است و ایشان را بر خود ترجیح می‌دهند، هر چند که خود سخت نیازمند باشند، کسانی که از بخل نفس خود، نگاهداری و مصون و محفوظ گردند، ایشان قطعاً رستگارند».

آیا ﴿الصَّادِقُونَ﴾ آنهایی که از وطن و دارائی‌هایشان رانده شدند، برای چه بود؟ زیرا در پی فضل و رضایت الهی بودند، و نه تنها این، بلکه خدا و رسولش را یاری دادند و ﴿الْمُفْلِحُونَ﴾ آنهایی که در مدینه مسکن داشتند و ایمان را برگزیدند، مگر می‌شود که آنها اهل رده و نفاق باشند؟! پس چرا بیرون رفتند؟! و چرا جنگیدند و از جان و مالشان مایه گذاشتند؟! از اسلام و پیامبر آن، که هر دو در حال ضعف آشکاری بودند، چه منفعت و مصلحتی انتظار داشتند، اما نه! آنها به راستی ﴿الصَّادِقُونَ﴾ و ﴿الْمُفْلِحُونَ﴾ بودند.

آیا در آیه ﴿تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ﴾ اندیشیده‌ای؟ سید قطب رحمته الله می‌گوید: «یعنی سرای هجرت... که انصار پیش از مهاجرین در آن قرار گرفتند، همان گونه که در ایمان جای گرفتند، گویا که ایمان منزل و سرای آنان است، و این تعبیر بسیار گسترده و پرمحتواست، و دقیق‌ترین تعبیری است که موضع انصار را در برابر ایمان، بیان می‌کند، ایمان سرا و منزلگاه و وطن آنان بود، که قلب‌هایشان در آن می‌زیست و ارواحشان در آن مسکن

داشت، و به آن پناه می‌بردند و اطمینان حاصل می‌کردند، همان‌گونه که مردم به سرای خود پناه می‌برند و اطمینان می‌یابند»^۱.

تو را به خدا! اگر همه‌ی این نمونه‌ها جز سه نفر^۲ همگی از اعتبار ساقط و مردود شده باشند، مسلمانان دیگر از چه کسانی پیروی کنند؟! و آیا مسلمانانی که نیاکانشان در عصر رسالت و نزول وحی ناکام مانده‌اند، امروزه کامیاب و پیروز می‌شوند؟! اینان درباره این آیه که بعد از آن می‌آید، چه می‌گویند: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

«کسانی که پس از مهاجرین و انصار به دنیا می‌آیند، می‌گویند: پروردگارا! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند، بیامرز و کینه‌ای نسبت به مؤمنان در دل‌هایمان جای مده، پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوانی هستی».

آیا از مؤمنان در دل خود کینه دارید؟! موضع آنان در برابر آیه‌ی ﴿وَالَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ﴾ چیست؟ خدای عالم الغیب، ثابت کرده است که آنان با ایمان مرده‌اند، و آیا این آیه فقط به همان سه نفر اختصاص دارد؟

۵- خداوند می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ (۷۶) ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (۷۵) [الأنفال: ۷۵-۷۶].

۱- فی ضلال القرآن ۳۵۲۶/۶

۲- ابو جعفر علیه السلام گفت: مردم پس از پیامبر صلی الله علیه و آله مرتد شدند، جز سه نفر، گفتیم: آن سه نفر کیستند؟ گفت: مقدار بن اسود، ابوذر غفاری و سلمان فارسی. روضه کافی ص: ۱۹۸. سؤال این است که علی و فاطمه و دیگر عترت کجایند؟! آیا آنان نیز اهل رده بوده‌اند؟!

«و آنها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی‌اند، برای آنها آمرزش و روزی شایسته‌ای است و کسانی که بعداً ایمان آوردند و هجرت کردند و با شما جهاد نمودند، از شما هستند، و خویشاوندان نسبت به یکدیگر سزاوارترند، خداوند به همه چیز داناست».

بیاید با هم در این تعبیرات بیندیشیم: ﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوُوا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٧٤﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ بَعْدُ...﴾ تمام این‌ها تعبیراتی صادق و حقیقی هستند که منظور از آن هم، حقیقت و واقعیت است، و همه این‌ها از کسی سرچشمه گرفته که به همه چیز داناست، به این فرموده خداوند متعال: ﴿فَأُولَٰئِكَ مِنْكُمْ﴾ بیندیش، یعنی: آنها در موالات ایمانی، دوستی و نصرت، از شمایند، چه شد که ﴿مِنْكُمْ﴾ در این آیه مورد توجه قرار نگرفته است و طعنه زندگان از آن چشم پوشیده و قصداً اعراض کرده‌اند، در صورتی که در احداث حوض به خاطر آن ﴿مِنْكُمْ﴾ چه غوغایی که به پا نکردند و هزاران صحابه را مشمول آن گردانیدند؟! اما در سیاق این آیه قرآنی، برایش هیچ ارزشی قایل نشدند، این تحکمی است بر اساس همان منطق نه بر اساس حق و باطل!

۶- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتْلَ أُولَٰئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مَنِ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَتْلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٠﴾﴾ [الحديد: ۱۰]. «چرا در راه خدا انفاق نکنید در حالی که میراث آسمان‌ها و زمین همه از آن خداست، کسانی از شما که پیش از فتح انفاق کردند و جنگیدند یکسان نیستند، آنها درجه و مقامشان برتر از کسانی است که پس از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند، و خداوند به همه، وعده‌ی پاداش نیک داده و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است».

سید قطب رحمته الله می‌گوید: «آن کسی که در وضعی انفاق و جهاد کند که دین، مورد تهاجم است و چندان یآوری ندارد و چشم انتظار هیچ گونه منفعت، قدرت و ثروتی

نیست، تفاوت بسیار دارد با آن کسی که با امنیت و انبوه یاری کنندگان و در حالی که پیروزی و غلبه نزدیک است، انفاق و جهاد می‌کند...»^۱.

قرطبی رحمته می‌گوید: «وَكَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْخُسْنَى» خداوند متعال پیشتازان سبقت گرفته و همچنین متأخرین که با آنان پیوسته‌اند، همگی را با تفاوت درجاتی که دارند، به بهشت مژده داده است»^۲.

ابن کثیر رحمته می‌گوید: «مؤمنان تردیدی ندارند که ابوبکر رضی الله عنه از این آیه سهم بزرگی دارد، او در میان تمام ملت‌های پیامبران، سرور آنهایی است که بر آن آیه عمل کرده‌اند، زیرا او تمام سرمایه‌اش را برای رضای خداوند صرف نمود، بی‌آن‌که شرمنده‌ی احسان کسی باشد و بخواهد آن را جبران کند (خالصانه برای خدا انفاق می‌کرد)»^۳.

آیا پس از آن که خداوند آنان را به بهشت «الْخُسْنَى» وعده داده است، خلف وعده می‌کند و آنان را می‌راند؟! خداوند متعال درباره خود می‌فرماید: «وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» آیا اعمال بندگان بر خدای خبیر و آگاه پوشیده است؟

تفاوتی ندارد که منظور از فتح، فتح مکه باشد یا حدیبیه، در این مورد با آنان اختلافی نیست، بلکه اختلاف در معنای وعده‌ی بالحسنی است که خداوند سابقین و لاحقین را به حسنی وعده داده است!

۷- خداوند متعال می‌فرماید: «لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١١٧﴾ [التوبة: ۱۱۷].

۱- فی ظلال القرآن ۳۴۸۴/۶.

۲- الجامع لأحكام القرآن ۲۰۷/۱۷.

۳- تفسیر ابن کثیر ۳۹۴/۴.

«مسلماناً خداوند توبه پیغمبر و توبه مهاجرین و انصار را پذیرفت، مهاجرین و انصاری که در روزگار سختی (جنگ تبوک) از پیغمبر پیروی کردند، بعد از آن که نزدیک بود دلهای گروهی از آنها، از حق منحرف شود، سپس خدا توبه آنها را پذیرفت، چرا که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است».

چند نکته:

- ۱- لازمه توبه این نیست که پیش از آن شخص مرتکب گناهی شده باشد، زیرا تمام بندگان نیازمند توبه و استغفار هستند.^۱
- ۲- خداوند متعال مهاجرین و انصار را مطلقاً نام برده است، سابقین و متأخرین را از هم تفکیک نکرده است و می‌دانیم که ﴿سَاعَةَ الْعُسْرَةِ﴾ در سال نهم هجری بود.
- ۳- خداوند متعال از توبه رسول الله ﷺ و مهاجرین و انصار را یکجا ذکر نموده است و این گویای اتصال روحی میان صحابه و رسول الله ﷺ است.
- ۴- ابن قیم رحمه الله می‌گوید: «تکرار توبه در ابتدا و انتهای آیه توسط خداوند، جای تأمل دارد، اولاً به آنان توفیق توبه داد و ثانیاً توبه آنان را پذیرفت، خداوند آنان را موفق به توبه نمود و سپس به فضل خویش توبه را از آنان پذیرفت، پس خیر همه از جانب او و توسط او و مال او و در دست اوست، به فضل و احسان خویش به هر کس بخواهد، می‌بخشد، و با حکمت و عدل خویش، هر کس را بخواهد از آن محروم می‌دارد».^۲
- آیا با وجود ﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ﴾ که پذیرنده‌ی توبه (خداوند) اعلام داشته است، باز هم کسی پیدا می‌شود که بگوید: توبه‌ی آنان پذیرفته نشده است؟ آیا با تأکید ﴿تَابَ﴾ باز هم جایی برای طعنه زدن به صحابه رضی الله عنهم هست؟ آن هم پس از آن که خداوند متعال در آخرین غزوه‌ی رسول الله ﷺ و صحابه رضی الله عنهم، رضایت و پذیرش توبه‌ی آنان را اعلام نموده است؟

۱- فتح‌القدير ۵۹۹/۲.

۲- بدائع التفسير ۳۸۱/۲.

آیا پس از ﴿إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ آنان را از حوض پیامبر ﷺ باز می‌دارد و آنان را به جهنم می‌برد؟، آن‌گاه چرا آیه را با ﴿إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ ختم کرد، آیا گویای عنایت مضاعف خداوند به آنان نیست؟ آن‌جا که آنان را به توبه موفق گردانید، و قلب‌های آنان را از انحراف و کجی مصون داشت، این سنت الهی است که هنگام سختی با اولیای خود، این گونه رفتار می‌کند.

توجه:

علی علیه السلام در «جیش العسرة» حضور نداشت، زیرا رسول الله ﷺ وی را در مدینه گذاشته بود، این را گفتم تا کسی نگوید که: علی و همان سه یا چهار نفری که بعد از رسول الله ﷺ مرتد نشده بودند، مخاطب آیه هستند و بقیه‌ی صحابه رضی الله عنهم را شامل نمی‌شود^۱، امتی که بلافاصله پس از وفات پیامبرش، جز سه نفر همگی مرتد شوند در آن، چه خیری هست؟! آیا آن امت می‌تواند بهترین امت برگزیده برای مردم ﴿خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ باشد؟! این دقیقاً سخنی است که شیعه می‌گوید:^۲

۸- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾﴾ [المائدة: ۵۴].

«ای مؤمنان! هر کس از شما از آیین خود بازگردد، خداوند جمعیتی را خواهد آورد که

۱. در غزوه تبوک سی هزار نفر در رکاب رسول الله ﷺ بودند، زادالمعاد ۵۲۹/۳.

۲. قمی از ابو عبدالله روایت کرده است که نزد وی آیه‌ی: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...﴾ [آل عمران: ۱۱۰]. قرائت شد، ابو عبدالله گفت: بهترین امت! که امیرالمؤمنین و حسن و حسن علیهما السلام را بکشند؟ قاری پرسید: فدایت شوم، پس آیه چگونه است؟ گفت: این گونه نازل شده است، ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...﴾ (بهترین امامانی هستید که برای مردم برگزیده شده‌اید) تفسیر قمی ۱۱۰/۱.

خداوند آنان را دوست می‌دارد و آنان هم خدا را دوست می‌دارند، نسبت به مؤمنان نرم و متواضع و در برابر کافران سخت و نیرومند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند، این فضل خداست که به هر کس بخواهد می‌دهد، و (فضل) خدا وسیع و خداوند داناست».

ابن قیم رحمته می‌گوید: «خداوند آنان را با شش ویژگی ذکر نموده است:

الف: خدا را دوست دارند.

ب: خدا آنها را دوست دارد.

ج: در مقابل دوستان خدا، نرم و ملایم هستند.

د: در مقابل دشمنان خدا، تند و شدید هستند.

هـ: در راه خدا جهاد می‌کنند.

و: در این راه ملامت ملامت‌گران را تحمل می‌کنند»^۱.

محمد رشید رضا رحمته می‌گوید: «گروهی که خداوند آنها را دوست می‌دارد و آنان خدا را دوست می‌دارند، ابوبکر و یارانش هستند، آنان که با اهل رده جهاد کردند... اما رافضی‌های افراط‌گر می‌پندارند که ابوبکر و صحابه‌ای که همراه وی بودند که سواد اعظم هستند، مرتد شده‌اند، موضوع را کاملاً برعکس کرده‌اند، و علی همراه ابوبکر بود نه علیه او و با او نجنگیدند...»^۲.

باید پرسیم: آیا پس از رسول الله صلی الله علیه و آله رده‌ای صورت گرفت؟

اگر بگویید: خیر، واقعیت را تکذیب کرده‌اید، و اگر بگویید: رده‌ای صورت گرفت،

می‌پرسیم: چه کسانی مرتد شدند؟ اگر بگویید: صحابه^۳ می‌پرسیم: آیا علی و یارانش با

۱- بدائع التفسیر ۱۱۴/۲.

۲- تفسیر المنار ۳۶۱/۶.

۳- درباره‌ی ارتداد صحابه در کتاب‌های شیعه تناقض عجیبی دیده می‌شود، و آن، این‌که ابوجعفر در روایتی می‌گوید: (هنگامی که مردم با ابوبکر بیعت کردند، تنها چیزی که امیرالمؤمنین را از ادعای خلافت بازداشت، مصلحت مردم بود و این که مبدا مرتد شوند و به عبادت بت‌ها روی آورند...) در روایت بعدی عبدالرحیم

آنان جنگیدند؟ اگر بگویید: آری، دروغ گفته‌اید و اگر بگویید: خیر، می‌پرسیم: که علی مشمول این آیه نیست، زیرا با مرتدین جهاد و قتال نکرده است! و اگر بگویید مرتدان غیر از صحابه علیهم‌السلام بودند، که واقعیت نیز همین است، پس ابوبکر صدیق رضی‌الله‌تعالی‌عنه و همراهانش که علی رضی‌الله‌تعالی‌عنه نیز جزو آنان است، مراد این آیه هستند.

خواننده‌ی گرامی...

به همین مقدار از آیات قرآن کریم، بسنده می‌کنیم، زیرا هدف، بیان تمام آیاتی که در فضل صحابه علیهم‌السلام نازل شده است، نیست، به آن امید که این آیات چراغی فرا روی پویندگان راه حقیقت باشد.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾ [ق: ۳۷].

«در این، تذکری است برای آن کسی که دلی (آگاه) دارد و یا با حضور قلب گوش فرا دهد».

ب- احادیث رسول الله صلی‌الله‌تعالی‌عنه و آله و سلم

۱- ابوسعید خدری رضی‌الله‌تعالی‌عنه می‌گوید: رسول الله صلی‌الله‌تعالی‌عنه و آله و سلم فرمودند: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ فَيَغْزُو فِتْنًا مِنَ النَّاسِ ، فَيَقُولُونَ فِيكُمْ مَنْ صَاحَبَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَيَقُولُونَ نَعَمْ . فَيُفْتَحُ لَهُمْ . ثُمَّ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ فَيَغْزُو فِتْنًا مِنَ النَّاسِ ، فَيُقَالُ هَلْ فِيكُمْ مَنْ صَاحَبَ أَصْحَابَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَيَقُولُونَ نَعَمْ . فَيُفْتَحُ لَهُمْ ، ثُمَّ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ فَيَغْزُو فِتْنًا مِنَ النَّاسِ ، فَيُقَالُ هَلْ فِيكُمْ مَنْ صَاحَبَ مَنْ صَاحَبَ أَصْحَابَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَيَقُولُونَ نَعَمْ . فَيُفْتَحُ لَهُمْ»^۱.

قیصر می‌گوید به ابوجعفر رضی‌الله‌تعالی‌عنه گفتیم: اگر بگوئیم، مردم مرتد شده‌اند، مردم سراسیمه می‌شوند، گفت: عبدالهیم!

مردم پس از رسول الله صلی‌الله‌تعالی‌عنه و آله و سلم به جاهلیت بازگشتند...؟! روضه کافی ص: ۲۳۴

۱- بخاری، فضایل أصحاب النبي صلی‌الله‌تعالی‌عنه و آله و سلم (۳۶۴۹)، مسلم، فضائل الصحابة (۲۵۳۲) گروه‌هایی از مردم جهاد می‌کنند، گفته می‌شود: آیا با شما کسی هست که با همراهان اصحاب رسول الله صلی‌الله‌تعالی‌عنه و آله و سلم همراه بوده است؟ می‌گویند: آری، پس برایشان گشوده می‌شود.

«بر مردم زمانی خواهد آمد که، گروه‌هایی جهاد می‌کنند، می‌گویند: آیا با شما کسی هست که با رسول الله ﷺ همراه بوده است؟ می‌گویند: آری، پس برایشان گشوده (فتح) می‌شود سپس زمانی بر مردم می‌آید، گروه‌هایی جهاد می‌کنند، گفته می‌شود: آیا کسی از شما با اصحاب رسول الله ﷺ همراه بوده است، می‌گویند: آری، پس برایشان گشوده می‌شود، سپس زمانی بر مردم می‌آید (گروه‌هایی از مردم جهاد می‌کنند، گفته می‌شود: آیا با شما کسی هست که با همراهان اصحاب رسول الله ﷺ همراه بوده است؟ می‌گویند: آری، پس برایشان گشوده می‌شود». من از این طعنه زندگان می‌پرسم: آیا سرزمین‌ها برای مرتدانی که از دین برگشته‌اند، فتح می‌شود؟! آیا اگر آنان منافق می‌بودند، پس از مرگشان به برکت دیدار آنان، فتح حاصل می‌شد؟! و قطعاً می‌دانیم که فتوحات بعد از رسول الله ﷺ، فقط در زمان خلافت خلفای ثلاثه، ابوبکر، عمر و عثمان رضی الله عنهم بوده، آنها بودند که کشورها را گشودند و گروه، گروه مردم را در دین الهی وارد کردند، و هم اکنون نیز آثار فتوحاتشان برای همه نمایان است! در خلافت علی رضی الله عنه فتحی نبود، بلکه هرج و مرج و جنگ‌های داخلی بود، تا آن‌جا که دشمن به مسلمانان چشم طمع دوخت، این را می‌گویم، تا کسی نپندارد که: منظور این حدیث، علی رضی الله عنه و پیروانش هستند که در رکاب او جنگیدند، و همه می‌دانیم که، دیگر امامان شیعه پس از علی رضی الله عنه حکومت و سپاهی نداشته‌اند، بلکه برخی از آنان سربازان خلفای ثلاثه بوده‌اند، این حدیث درباره‌ی امام غائب و معدوم هم نیست، زیرا نه او رسول الله را دیده است و نه آنها را که رسول الله ﷺ را دیده‌اند و نه آنهایی را که صحابه را دیده‌اند، در این نکته بیندیش، حق و اهل حق را خواهی شناخت.

۲- عمران بن حصین رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «خير القرون قرني ثم الذين يلونهم، ثم الذين يلونهم...»^۱.

«بهترین مردم، مردم هم قرن من هستند، سپس آنانی که پس از آنهاست، سپس آنهایی که پس از آنهاست...».

۱- بخاری، الشهادات: (۲۶۲۵)، مسلم، فضائل الصحابة: (۲۵۳۳).

آیا بهترین مردم آنهایی هستند که از حوض رسول الله ﷺ رانده می‌شوند؟! آیا بهترین مردم، آنهایی هستند که پس از رسول الله ﷺ مرتد شدند؟! آیا این، طعنی به خداوند متعال نیست که سرنوشت: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰]. را به اینان سپرده است؟! آیا این طعنی در رسول الله ﷺ نیست که قرنی را که این مرتدان در آن بودند، ستوده است؟! راستی! بهترین قرن، ناکام باشند، آنهایی کامیاب و رستگار و کامیاب می‌شوند که رسول الله ﷺ درباره‌شان فرموده‌اند: «إِنَّ بَعْدَكُمْ قَوْمًا يَخُونُونَ وَلَا يُؤْتَمِنُونَ، وَيَشْهَدُونَ، وَلَا يُسْتَشْهَدُونَ وَيَنْدِرُونَ وَلَا يَفُونَ، وَيُظْهَرُ فِيهِمُ السَّمَنُ»^۱.

«پس از شما مردمی خواهند آمد، خیانتکار نه امانت‌دار، بی آن که از آنان خواسته شود، گواهی می‌دهند، نذر می‌کنند، اما به آن وفا نمی‌کنند، و در میان‌شان پدیده‌ی چاقی، آشکار می‌گردد».

۳- ابوموسی اشعری رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «التُّجُومُ أَمَنَةٌ لِلسَّمَاءِ فَإِذَا ذَهَبَتِ التُّجُومُ أَتَى السَّمَاءَ مَا تُوعَدُ وَأَنَا أَمَنَةٌ لِأَصْحَابِي فَإِذَا ذَهَبَتْ أَتَى أَصْحَابِي مَا يُوعَدُونَ وَأَصْحَابِي أَمَنَةٌ لِأُمَّتِي فَإِذَا ذَهَبَ أَصْحَابِي أَتَى أُمَّتِي مَا يُوعَدُونَ»^۲.

«ستارگان موجب امان آسمانند، هرگاه ستارگان نابود شوند، وعده‌ای که به آسمان داده شده است، تحقق می‌یابد، و من موجب امان اصحابم هستم، هرگاه من بروم، وعده‌ای که به اصحاب داده شده است، فرا می‌رسد، و اصحاب من موجب امن امتم هستند هرگاه اصحاب من بروند، وعده‌ای که به امتم داده شده است تحقق می‌یابد».

چگونه ممکن است، با خیانت، امنیت به وجود آید؟ آیا خلافت خلفای ثلاثه رضی الله عنهم غیر از امنیت، افتخار و فتوحات، چیزی دیگر بود؟ آیا مگر دوران صحابه با شهادت رسول الله ﷺ خیر القرون نبود؟ این حدیث شامل تمامی اصحاب رضی الله عنهم است، زیرا این حدیث عام است و هیچ فردی را تخصیص نکرده است.

۱- بخاری، الشهادات: (۲۶۵۱)، مسلم، فضائل الصحابة: (۲۵۳۵).

۲- مسلم، فضائل الصحابة: (۲۵۳۱).

وجود فساد در برخی حکام و امرا پس از دوران خلفای راشدین، هیچ اشکالی بر این حدیث و حدیث قبلی، وارد نمی‌کند، زیرا معیار مجموع امت است نه چند فرد.

۴- ابوسعید خدری رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا تَسُبُّوا أَصْحَابِي، فَلَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ أَنْفَقَ مِثْلَ أُحُدٍ ذَهَبًا مَا بَلَغَ مُدَّ أَحَدِهِمْ وَلَا نَصِيفَهُ»^۱.

«اصحاب مرا بد نگوئید، اگر کسی از شما هم سنگ کوه احد طلا صدقه دهد، به اندازه یک مشت و یا نصف آن، از صدقه اصحاب من نخواهد رسید».

رسول الله صلی الله علیه و آله از بد گفتن صحابه رضی الله عنهم نهی فرمودند، چه رسد به لعن و نفرین آنان، مرتد و کافر دانستن آنان که خیلی سنگین‌تر است، رسول الله صلی الله علیه و آله با ذکر کم‌ترین مورد (بد گفتن) که می‌تواند سبب لعن و تکفیر باشد، ما را هشدار دادند، این حدیث شامل تمام صحابه است هم آنهایی که زود ایمان آوردند و هم آنهایی که با تأخیر ایمان آوردند، و مخصوص سبب ورود حدیث نیست.

اگر آنان واقعاً پس از رسول الله صلی الله علیه و آله مرتد می‌شدند، چرا رسول الله صلی الله علیه و آله از بد گفتن و نفرین آنان، منع فرمودند؟ آیا در آن صورت آنان از برخی گناهکاران که در احادیث لعن و نفرین شده‌اند، به لعن و نفرین سزاوارتر نمی‌بودند؟!

۵- در حدیث ابن عباس رضی الله عنهما پیرامون داستان هرقل و ابوسفیان آمده که: «(هرقل) پرسید: اشراف از او (محمد) پیروی می‌کنند یا ضعیفان؟ گفتم: ضعیفان، پرسید: پیروانش افزون می‌گردند یا کم؟ گفتم: افزون، پرسید: آیا کسی از آنان پس از مسلمانان شدن، پشیمان شده و از این دین برگشته است؟ گفتم: نه...، آنگاه هرقل گفت: پرسیدم که اشراف از او پیروی می‌کنند یا ضعیفان؟ گفتم: ضعیفان، پیروان پیامبران (همیشه) ضعیفانند، پرسیدم: آنان کم می‌شوند یا زیاد؟ گفتم: زیاد، ایمان که کامل شود این گونه

۱- بخاری، فضائل أصحاب النبي صلی الله علیه و آله (۳۶۷۳)، مسلم فضائل الصحابة: (۲۵۴۰).

خواهد بود، پرسیدم: آیا کسی با ناراضگی از دینش برگشته است؟ گفتی: خیر، آن گاه که ایمان با قلب در آمیزد، دیگر (پشیمان و) ناراض نمی گردد...»^۱.

۶- در حدیث مسور بن مخرمه و مروان پیرامون داستان حدیبیه، گفتار عروه بن مسعود در وصف اصحاب محمد ﷺ با قریش، چنین آمده است، «... عروه اصحاب محمد ﷺ را می پایید، می گوید والله هرگاه رسول الله ﷺ بلغمی می انداخت، حتماً در دست یکی از آنان می افتاد و با آن صورت و بدنش را می مالید و هرگاه به کاری دستور می داد، بلافاصله، انجام می دادند، و چون وضو می گرفت، نزدیک بود که بر آب وضویش با هم درگیر شوند، و هرگاه سخن می گفت، همگی سکوت می کردند، به تعظیم وی هیچگاه به وی خیره نمی شدند، عروه در بازگشت به قومش گفت: والله من نزد پادشاهان، قیصر و کسرا و نجاشی بار یافته ام، والله تاکنون ندیده ام که اطرافیان کسی، وی را آن گونه که اصحاب محمد، محمد را تعظیم می کنند، تعظیم کنند، هرگاه بلغمی می انداخت، حتماً در دست یکی می افتاد و با آن صورت و بدنش را می مالید، و همه تن آماده ای انجام دستور وی بودند و اگر وضو می گرفت، نزدیک بود بر آب وضویش با هم درگیر شوند و هرگاه سخن می گفت، سکوت می کردند و هرگز، به احترامش به او خیره نمی شدند...»^۲.

انصاف مخالف در دل، بسیار تأثیر گذارتر از انصاف موافق خواهد بود و گر نه کسی که عظمتش به ستاره ی پروین رسیده است، نه ثنای کسی او را بلند می کند و نه مذمتش او را فرود می آورد!

آیا این طعنه زندگان که پیش از این گواهی خدا و رسول را درباره ی اصحاب ﷺ در و آن را بر محمل نادرستی حمل کردند، تا تاریخ را آن گونه که خود می پسندند، ترسیم کنند، این شهادت دشمنان را درباره ی عدالت صحابه و جایگاه بلند آنان و محال بودن ارتدادشان، می پذیرند؟

۱- بخاری، الجهاد و السیر: (۲۹۴۱).

۲- بخاری، الشروط: (۲۷۳۲).

۷- ام‌مبشر می‌گوید: از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمود: «لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنْ أَصْحَابِ الشَّجَرَةِ أَحَدٌ. الَّذِينَ بَايَعُوا تَحْتَهَا...»^۱.

«ان شاء الله کسی از اصحاب شجره که زیر آن (درخت) بیعت کردند، به جهنم نمی‌رود...».

جابر بن عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ روز حدیبیه به ما فرمودند: «أَنْتُمْ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ». «شما بهترین اهل زمین هستید». و ما ۱۴۰۰ نفر بودیم، اگر امروز چشم‌هایم می‌دید، جای درخت را به شما نشان می‌دادم»^۲.

نووی رحمته الله می‌گوید: «علما گفته‌اند: معنایش این است که قطعاً کسی از آنان به جهنم نمی‌رود و گفتن انشاءالله برای تبرک است نه شک»^۳.

جابر رضی الله عنه می‌گوید: «یکی از بردگان حاطب نزد رسول الله ﷺ از حاطب شکایت کرد و گفت: یا رسول الله! حاطب به جهنم خواهد رفت، رسول الله ﷺ فرمودند: «كَذَبْتَ لَا يَدْخُلُهَا فَإِنَّهُ قَدْ شَهِدَ بَدْرًا وَالْحُدَيْبِيَّةَ»^۴. «دروغ می‌گویی، او به جهنم نمی‌رود، زیرا در بدر و حدیبیه حضور داشته است». و نیز فرمودند: «...وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ اللَّهَ أَطَّلَعَ عَلَى مَنْ شَهِدَ بَدْرًا قَالَ أَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ فَقَدْ عَفَرْتُ لَكُمْ»^۵. «تو چه می‌دانی! خداوند اهل بدر را می‌شناخت و باز هم فرمود: هر چه می‌خواهید، بکنید، من شما را بخشوده‌ام» نووی رحمته الله می‌گوید: علما گفته‌اند: معنایش، غفران و بخشودگی آخرت است»^۶.

۸- عقبه رضی الله عنه می‌گوید: روزی رسول الله ﷺ رفتند و بر شهدای احد نماز خواندند، سپس برگشتند و به منبر رفتند و فرمودند: «إِنِّي فَرَطُ لَكُمْ، وَأَنَا شَهِيدٌ عَلَيْكُمْ، وَإِنِّي وَاللَّهِ لَا نَظْرُ

۱- مسلم، الفضائل: (۲۴۹۶).

۲- بخاری، المغازی: (۴۱۵۴)، مسلم، الإمارة: (۱۸۷۶).

۳- مسلم، شرح نووی ۵۸/۱۶.

۴- مسلم، الفضائل: (۲۴۹۵).

۵- بخاری، الجهاد و السير: (۳۰۰۷)، مسلم، فضائل الصحابة: (۲۴۹۴).

۶- مسلم، شرح نووی ۵۶/۱۶، نگا: فتح الباری ۸/۸۰۹ و المفهم ۴۴۲/۶.

إِلَى حَوْضِي الْآنَ، وَإِنِّي أُعْطِيتُ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِ الْأَرْضِ - أَوْ مَفَاتِيحَ الْأَرْضِ - وَإِنِّي وَاللَّهِ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ تُشْرِكُوا بَعْدِي، وَلَكِنْ أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنَافَسُوا فِيهَا»^۱.

«من پیشواز و گواه شما هستم، والله اکنون من حوض را مشاهده می‌کنم، کلید گنجینه‌های دنیا به من داده شده است، من بیم ندارم که پس از من شرک کنید، اما می‌ترسم که برای کسب دنیا با هم به رقابت پردازید».

نووی رحمه الله می‌گوید: «این حدیث از معجزات رسول الله صلی الله علیه و آله است، زیرا خبر داده است که امتش مالک گنجینه‌های زمین خواهد شد، و این اتفاق، افتاد، و دیگر این که آنان جملگی مرتد نمی‌شوند و خداوند آنان را از این مورد مصون داشته است، البته در کسب دنیا با هم به رقابت می‌پردازند، که همه این پیشین‌گویی‌ها تحقق یافته است»^۲.

عینی رحمه الله می‌گوید: «این حدیث گویای این است که بر امت رسول الله صلی الله علیه و آله از شرک بیمی نیست، بلکه بیم رقابت در دنیا وجود دارد و آنان دچار حسد و بخل می‌شوند»^۳.

بنابراین، آن که طعنه زندگان گفته‌اند که، صحابه جملگی مرتد شده‌اند، مردود است، این حدیث که در آن از حوض هم یاد شده است، آن را رد می‌کند، والله اعلم.

۹- بهز از طریق پدرش از جد خود روایت کرده است که می‌گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَلَا إِنَّكُمْ تُوفُونَ سَبْعِينَ أُمَّةً أَنْتُمْ خَيْرُهَا وَأَكْرَمُهَا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۴.

«بدانید که شما هفتادمین امت و بهترین آنها و عزیزترینشان نزد خداوند هستید».

ابن العربی رحمه الله می‌گوید: «از آن جا که پیامبر ما بهترین پیامبران است، امتش نیز بهترین امت‌ها است، ما نیز با برتری پیامبران، برتر شدیم»^۵.

۱- بخاری، الرقاق: (۶۵۹۰)، مسلم، الفضائل: (۲۲۹۶).

۲- مسلم، شرح نووی ۵۹/۱۵.

۳- عمدة القاري ۲۳۱/۸.

۴- مسند احمد ۲۳۱/۳۳، (۲۰۰۲)، ترمذی: (۳۰۰۱)، ابن ماجه (۴۲۸۸)، دارمی: (۲۸۰۲) و دیگران، حافظ ابن

حجر در الإصابة و آلبانی و ارنووط آن را صحیح گفته‌اند ۱۶۵/۱.

۵- عارضة الأحوذی ۹۷/۱۱.

ترمذی آورده است که رسول الله ﷺ پس از تلاوت آیه: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰]. این را فرمودند.

آنچه ذکر شد، برخی از احادیثی است که بر فضل اصحاب رسول الله ﷺ دلالت دارد، هدف ما جمع آوری تمام آن احادیث که بسیار هم زیادند، نیست، هدف ما فقط تذکری است به آنان که دشمنی صحابه را دین خود قرار داده‌اند، تا شاید در آن اندیشه کنند و بدون تعصب در قرآن کریم تدبر کنند و این آیات و احادیث را با عقول خود بسنجند نه با عقول دیگران و با چشم خود بنگرند نه با چشم دیگران، آن‌گاه خواهند دید که ابرهای تیره‌ی شک و تردید و تهمت از دیدگانشان کنار می‌رود، و دل‌هایشان که یک عمر دچار اضطراب و شک بوده و ظلمی موهوم را تصور می‌کرده است، از شک و گمان و پندارهای نادرست رهایی می‌یابد و خواهند دانست که ادعای آنان وهم و گمانی بیش نبوده و با واقعیت هیچ‌گونه هم خوانی، نداشته است، آن‌گاه با دلی آرام و مطمئن سیره‌ی عطر آگین صحابه را که با آثار موجود و مشاهد آن سیره، کاملاً هماهنگ است، درک می‌کنند و با دل و جان می‌پذیرند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

«کسانی که پس از مهاجرین و انصار به دنیا می‌آیند، می‌گویند: پروردگارا! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند بیامرز و کینه‌ای نسبت به مؤمنان در دل‌هایمان جای مده، پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوان هستی».

بحث سوم: نکات مهم

اکنون این نکات را به شما خواننده‌ی منصف تقدیم می‌کنم:

نکته‌ی اول: [ایمان به قرآن مستلزم اقرار به فضل صحابه]

هر کس به قرآن، ایمان دارد به فضل صحابه، سابقین اولین اعم از مهاجرین و انصار و

آنانی که به نیکویی از آنان پیروی کردند، ایمان دارد، و به سابقه، جهاد، حق مداری و عدالت محوری آنان، ارج می‌نهد، و از هر گونه دعوت مخالفی که می‌کوشد تاریخ صحابه را خدشه‌دار کند و یا از ارزش آن بکاهد و در عدالتشان طعنه‌ای بزند، بیزاری می‌جوید، زیرا قرآن کریم که کلام الهی، پادشاه مطلق و علّام الغیوب است، حق و حقیقت است، و مدح و ثنایی که در آن آمده از روی علم و آگاهی است، نه جهل، و ایمان به آن لازم و ضروری است و هیچ اختیاری غیر از آن نیست، و گر نه تناقض کلام الهی لازم می‌آید، که آن محال است.

نکته دوم: [احادیث ممانت از حوض را صحابه روایت کرده‌اند]

احادیث ممانعت از حوض را صحابه رضی الله عنهم روایت کرده‌اند، اگر آن احادیث مسلمانی آنان را زیر سؤال می‌برد و یا آنان را به نفاق و یا رده متهم می‌کرد، حتماً آن را پنهان می‌کردند، آن گونه که بدخواهان آنان می‌گویند که صحابه، قرآن و فضائل علی رضی الله عنه و نصوص امامت بلافضل وی را کتمان کردند، و یاوه‌هایی از این قبیل که دروغ بودنش آشکار است.

نکته سوم: [از حوض رانده‌شدگان همان مرتدانی هستند ابوبکر صدیق رضی الله عنه علیه آنها جنگید]

جنگ‌های رده که پس از رسول الله صلی الله علیه و آله به فرماندهی ابوبکر صدیق رضی الله عنه علیه مرتدان و مانعان زکات صورت گرفت، بزرگترین دلیل این است که، آنهایی که از حوض رانده می‌شوند، همان مرتدان هستند، و آن گونه که قبلاً گفتیم مانع از شمول دیگران نیست.

نکته چهارم: [آیات نفاق در مورد گروه مشخصی است]

آیات نفاق که بدخواهان و طعنه‌زنندگان، صحابه را مصداق آن می‌دانند، در مورد گروه مشخصی است و فقط آنان را مذمت می‌کند و حوادث آن روزگار، آن را کاملاً تفسیر کرده است، آن آیات در وقایعی نازل شده که قرآن آن را ذکر نموده و احادیث

تفصیل آن را بیان نموده است و در کتاب‌های سیر و تاریخ ثبت شده است، آن وقایع و موضع‌گیری‌های عملی، صحابه را از منافقان متمایز نموده و مجالی برای بوالهوسان، باقی نگذاشته است تا تاریخ را آن گونه که خود می‌پسندند، ترسیم کنند.

نکته‌ی پنجم: [آیات ذم نفاق تنها ویژه‌ی منافقان زمان رسول الله ﷺ نیست، اما آیات مدح صحابه ویژه‌ی آنهاست]

در قرآن کریم از نفاق و منافقان بسیار سخن به میان آمده است، زیرا نفاق پدیده‌ای مخصوص زمان رسول الله ﷺ نیست و تا قیام قیامت استمرار دارد، کثرت این گونه آیات بیانگر کثرت منافقان در زمان رسول الله ﷺ و صحابه ﷺ نیست.

یک فرد عاقل، چگونه می‌تواند بپذیرد که اصحاب رسول الله ﷺ که در کنار ایشان بودند، منافق بوده‌اند، با آن که همه می‌دانند که رسول الله ﷺ از منافقان اعراض فرمودند و پس از غزوه‌ی تبوک و نزول سوره‌ی براءت دیگر به آنان بها ندادند و کسی از آنان را به خود نزدیک نفرمودند، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا ۖ مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تُقِفُوا أَخَذُوا وَقَتِلُوا قَتِيلًا ۖ﴾ [الأحزاب: ۶۰-۶۱].

«اگر منافقان و بیمار دلان و کسانی که در مدینه باعث اضطراب می‌گردند، از کار خود دست نکشند، تو را بر ضد ایشان می‌شورانیم و بر آنان مسلط می‌گردانیم آن‌گاه جز مدت اندکی در جوار تو در شهر مدینه نمی‌مانند، نفرین شدگان و رانده شدگان، هر کجا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید».

اما آیاتی که صحابه ﷺ را می‌ستاید، ویژه‌ی همان نسلی است که خداوند متعال آنان را به دیدار رسول الله ﷺ و ایمان به ایشان مشرف گردانیده است، همان گونه که آنان را به خشنودی و محبت خویش مشرف گردانید و آنان نیز از خداوند خشنود شدند و وی را دوست داشتند، صحابه بودن مخصوص آنهاست و به نسل‌های بعدی متعدی نیست.

نکته‌ی ششم: ثمره‌ی تلخ یک نظریه‌ی تلخ

اگر طعنه زندگان مصرانه بخواهند احادیث ممانعت از حوض را بر صحابه تطبیق کنند، یک فرد ناصبی^۱ می‌تواند بگوید: شما که می‌گویید: رسول الله ﷺ درباره‌ی علی علیه السلام فرمودند: «هذا مني...» و «إن علیاً مني...» - که در آن شکی نیست - بنابراین، منظور رسول الله ﷺ که در احادیث حوض فرمودند: «أقول: مني...» علی علیه السلام خواهد بود!.

البته این سخن باطلی است که باطلی دیگر را رد می‌کند و اثبات جهل با جهلی دیگر است و هیچکدام از آن دو بر دیگری برتر نیست، و این ثمره‌ی تلخ یک نظریه‌ی تلخ است ﴿وَأَنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مَنَّكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا﴾ [المجادلة: ۲].

«آنها سخنی زشت و باطل می‌گویند».

نکته‌ی هفتم: در اخبار و فضایل، نسخی صورت نمی‌گیرد

عقلان می‌دانند که در اخبار و فضایل، نسخی صورت نمی‌گیرد، امکان ندارد که خداوند متعال گروهی را بستاید و فضایل آنان را برشمارد و بر موالات و دوستی آنان تأکید کند، سپس دستور به جنگ و دشمنی با آنان بدهد و یا این که ابتدا به کار نیکی امر کند سپس آن را نسخ کند و به جای آن به کار بدی امر کند، خدایی که علیم بذات الصدور است چنین نمی‌کند و این به معنای نسبت دادن جهل به خداوند است.

اگر فردی، شخصی دیگر را بستاید و اندکی بعد سخن خود را نسخ کند و دیگر بار آن فرد را نکوهش کند، این نشان از جهل و ناتوانی وی دارد، البته در مورد افراد، این مسأله عقلاً و شرعاً قابل توجیه و امکانپذیر است، زیرا هیچ فردی از باطن و فرجام کسی دیگر آگاه نیست، اما آیا چنین چیزی برای خداوند متعال شایسته و امکانپذیر است؟! آیا اگر بپذیریم که رسول الله ﷺ با آن که موید با وحی بوده‌اند، از صحابه علیه السلام آگاه نبوده‌اند، اما آیا خداوند متعال نیز از آن آگاه نبوده است؟!.

۱- کسی که بغض علی علیه السلام را دین خود می‌داند. القاموس المحيط ص: ۱۷۲۰، اللسان ۱۴/۱۵۷.

﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ [ملک: ۱۴].

«آیا آن کسی که موجودات را آفریده از حال آنها آگاه نیست در حالی که او دقیق و باریک بین و آگاه است».

نکته ی هشتم:

می دانیم که مرتد یا به خاطر شبهه‌ای از ایمان برمی گردد و یا به خاطر خواسته‌ای از قبیل پست و مقام، و این هر دو انگیزه در ابتدای اسلام قوی بوده است، اما کسی که در ابتدای اسلام، ایمانش هم چون کوه استوار بود، پس از ظهور آن همه آیات و معجزات، دیگر چگونه خواهد بود؟!

اما پیروی از خواسته‌های قلبی اعم از حب ریاست، مال، زن و یا جز آن، در ابتدای اسلام، وجیه‌تر به نظر می‌رسد، اما آنهایی که در ابتدای اسلام خانه و کاشانه و دارایی خود را رها کردند و از شرافت و عزت و مقامی که در مکه داشتند به خاطر محبت خدا و رسول، با میل خود از آن گذشتند، چگونه می‌توانند برای پست و مقام با خدا و رسولش به دشمنی برخیزند؟!

از این گذشته، علما همه بر این اتفاق نظر دارند که در میان مهاجرین، منافقی وجود نداشته است، و نفاق در میان قبایل انصار، آن‌گاه که اسلام در مدینه ظهور کرد، پدید آمد. آنهایی که پس از رحلت رسول الله ﷺ مرتد شدند، همان‌هایی بودند که با شمشیر مسلمان شدند، و از مهاجران که با میل خود مسلمان شده بودند حتی یک نفر هم مرتد نشد^۱، به این نکته بیندیش، حق و اهل حق را خواهی شناخت.

نکته ی نهم:

هرگاه بدخواه صحابه (شیعه) فرموده‌ی رسول الله ﷺ: «إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحَدَثُوا بَعْدَكَ».

را ناظر بر داستان سقیفه بدانند، و بگویند که آن نخستین حادثه‌ای است که پس از رسول الله ﷺ رخ داد و منظور حدیث حوض همان صحابه هستند، در مقابل او کسی می‌گوید: نخستین حادثه پس از رسول الله ﷺ ارتداد اعراب از اسلام و خودداری از پرداخت زکات است، که ابوبکر صدیق و صحابه از جمله علی -رضی الله عنهم اجمعین- با آنان جهاد کردند، بنابراین منظور حدیث آنها خواهند بود.

در این مورد گفته می‌شود که:

نظر اول از نظر دوم نه پذیرفتنی‌تر است و نه قوی‌تر، خصوصاً که در داستان سقیفه کسی مرتد نشد- جز نزد شما- که همه امت را به سبب آن مرتد می‌دانید، و کسی غیر از شما چنین نظری ندارد!.

اما درباره‌ی ارتداد عرب از اسلام همه‌ی امت به وقوع آن اذعان دارند، همان‌گونه که بر جهاد ابوبکر صدیق و صحابه رضی الله عنهم علیه آنان صحنه می‌گذارند، جز شما که صحابه را کافر گفتید و عملکرد مرتدان را تأیید و عملکرد صحابه را تردید کردید.

از این گذشته، علی رضی الله عنه تصمیم و انتخاب اهل سقیفه را پذیرفت و با میل خود - و یا با اکراه که شما می‌گویید- با ابوبکر صدیق رضی الله عنه بیعت کرد، در هر صورت او نیز مشمول رده‌ای می‌شود که برای صحابه اثبات می‌کنید و العیاذبالله.

نکته‌ی دهم:

اگر دشمن صحابه، بگوید که: آیات قرآن که صحابه را می‌ستاید، از حیث مجموعی است نه احادی^۱، بنابراین همه‌ی صحابه مشمول آن نیستند، می‌پرسم: آنهایی را که این تزکیه و ثنا شامل آنان می‌شود، برای ما نام ببر، می‌بینی که حتی تعدادی به اندازه‌ی انگشتان دست هم نام نمی‌برد!! آیا با این تعداد اندک دینی که تا قیامت باید بر دنیا حکم

۱- نگا: «حوار مع الشيخ صالح الدرويش»، جعفر سبحانی و «حوار هادي مع الدكتور القزويني» شيخ احمد سعد الغامدي.

کند، پیروز و مسلط می‌گردد؟! اختلاف ما با آنان در مورد یک یا دو نفر نیست، بلکه در امثال: ابوبکر، عمر، عثمان و بقیه‌ی عشره و مبشره و اصحاب بدر و شجره رضی الله عنهم است، اختلاف ما درباره‌ی اعمالی نیست که به مقتضای بشریت از آنان سرزده است، که به خاطر آن دنیا را زیر و رو کرده اند! ما که آنها را معصوم نمی‌دانیم، بلکه اختلاف ما با آنان در این است که می‌گویند: همه‌ی آنان مرتد شده اند و از اسلام برگشته‌اند!!

پایان سخن

خواننده‌ی ارجمند...

من گمان می‌کنم که تو بر این آیات و احادیث نبوی بسیار اندیشیده‌ای و به آن دقت کرده‌ای و ترازوی عدل را در میان نهاده‌ای...

برایم همین کافی است که تو طالب حق و پیروی دلیل هستی و کورکورانه از کسی تقلید نمی‌کنی.. و عقل خود را حاکم کرده‌ای، تو با عقل خود می‌سنجی نه با عقول دیگران و با چشم خود می‌نگری نه با چشم دیگران، اگر واقعاً چنین باشد، مطمئن هستم که سپیده دم حقیقت به زودی برخواهد آمد و دیگر نشانه‌های رسیدن به مقصد نمایان است و با شنیدن نغمه‌های قرآن کریم که اصحاب محمد ﷺ را می‌ستاید و آنان را به وصف ایمان، صدق، رستگاری و دیگر صفات والا می‌نوازد و برترین جایگاه و رتبه‌ها را به آنان نوید می‌دهد و خصال و ویژگی‌هایشان را، حتی قبل از آن‌که به دنیا بیایند و هم بعد از آن، برای پویندگان حقیقت بیان می‌کند، تیرگی‌ها و تاریکی‌های حقد و کینه دیگر کنار می‌رود.

حتماً اندیشیده‌ای که آنهایی را که خداوند متعال آنان را به عنوان وزرا و اصحاب و خویشاوندان رسول خود پسندیده است، چگونه ما آنان را نپسندیم؟! آنهایی را که خداوند متعال به باغ‌های بهشت مژده داده است، چگونه از دین برمی‌گردند! آنهایی که برای رسیدن به رضای الهی، وطن، فرزندان، دوستان، خانه و کاشانه و سرمایه‌های خود را رها کردند، چگونه از حوض رسول‌الله ﷺ رانده می‌شوند؟! حقا که آنان به حوض سزاوارترند.

قطعا دیگر دانسته‌اید که متهم ساختن صحابه و معتقد بودن به این که آنان از حوض رسول‌الله ﷺ رانده می‌شوند، و مرتد شمردن آنان پس از رحلت رسول‌الله ﷺ تهمتی سبایی

و حيله‌ای شیطانی است که حسرتی ابدی به دنبال خواهد داشت.
اگر با آیات ربانی و احادیث نبوی و براهین عقلی که برای آوردم، قانع شده‌ای، پس
این همان چیزی است که امیدوار آنم و از خداوند متعال آن را می‌طلبم.
و اگر خلاف آن باشد، همین برایم کافی است که حجت آورده و راه را برای روشن
کرده‌ام و هر کس گرایشی دارد که به سوی آن می‌رود.
وصلی الله وسلم وعلی نبینا محمد وعلی آله وصحبه...